

قاصد

بررسی وضعیت تحولات
پس از تفاهم میان

ایران و آمریکا

۷ مهر ۱۴۰۵

ساعت تنظیم گزارش: ۱۷:۰۰

شماره ۱۸۳

مرکز رصد و پایش ق. رسانه



مقدمه و پیشگفتار

تحولات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای پیرامون ایران در مقطع اخیر، در بستری از **هم‌زمانی چند بحران و منازعه‌روایی** دنبال شده است؛ به گونه‌ای که هر یک از **حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی** به عرصه‌ای برای تولید، بازتولید و رقابت روایت‌ها تبدیل شده‌اند.

در **حوزه سیاست داخلی**، مناقشه پیرامون پرونده حمید رسایی، شکاف‌های درون جریان اصولگرا و تلاش جریان‌های مختلف برای تفسیر جایگاه نهادهای حاکمیتی، بخش مهمی از فضای رسانه‌ای را شکل داده است. هم‌زمان، جریان اصلاحات با تمرکز بر گزاره **«تیم شش نفره»** و بازگشت دوگانه **«جنگ - توافق»**، به بازتعریف نقش دولت، تصمیم‌گیری سیاست خارجی و ضرورت توافق مرحله‌ای پرداخته است.

در **حوزه امنیتی - نظامی**، پرونده پایگاه فرورد، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال دخالت بازیگران خارجی، آسیب‌پذیری پایگاه‌های آمریکا در برابر حملات موشکی و پهپادی، همچنین تغییرات راهبردی ارتش آمریکا در **حوزه هوش مصنوعی، پهپادها و جنگ شبکه‌ای** مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است.

در **حوزه رسانه‌های معاند و ضد انقلاب** نیز تلاش برای بازنمایی تجمع دانشگاه علامه به عنوان آغاز موج جدید اعتراضات، طرح ادعا درباره تشدید فشار بر دانشجویان، اعتبارزدایی از پیام رهبر انقلاب و گمانه‌زنی درباره آینده دکترین هسته‌ای ایران، محورهای اصلی عملیات رسانه‌ای بوده است.

در **حوزه اقتصادی و معیشتی**، موضوعاتی مانند استعفای نیروهای متخصص، پرونده نفت و تراستی‌ها، بحران اعتماد پیرامون پلتفرم‌های طلا، نقش تتر در تحریم‌ها، وضعیت کالا برگ، بازار ارز و طلا و پیامدهای جنگ بر اقتصاد منطقه برجسته شده است.

در **سطح منطقه‌ای** نیز رسانه‌ها به روایت‌های مرتبط با عربستان، عراق، لبنان و محور مقاومت پرداخته‌اند.

همچنین در **حوزه بین‌الملل**، مواضع آمریکا و غرب درباره مذاکرات، تحریم‌ها، پرونده هسته‌ای، انتخابات آمریکا و فشارهای امنیتی علیه ایران، بخش دیگری از فضای خبری را تشکیل داده است. مجموعه این روندها نشان می‌دهد که میدان رسانه‌ای هم‌زمان درگیر **مناقشه سیاسی داخلی، فشار امنیتی، رقابت ژئوپلیتیک و جنگ ادراکی** پیرامون آینده تحولات ایران است.

مهمترین اخبار خارجی و داخلی در ۲۴ ساعت منتهی به تهیه گزارش

اخبار و تحرکات محور آمریکا - غرب

❖ دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، ممکن است در ازای انعطاف ایران در مسائل هسته‌ای، پیشنهاد کاهش محدود تحریم‌ها و آزادسازی بخشی از دارایی‌های بلوکه شده تهران را مطرح کند. (اکسیوس)

❖ ترامپ: اکسیوس همین الان گزارشی منتشر کرده که مدعی است «ترامپ» به ایران پیشنهاد کاهش تحریم‌ها و آزادسازی منابع مالی مسدود شده را داده است. این حقیقت ندارد. من به آن‌ها هیچ چیز پیشنهاد نکردم! گزارش اکسیوس، مثل بیشتر گزارش‌های دیگر، یک حقه و دروغ است که فقط برای ارضای «سندروم جنون ترامپ» آن‌ها منتشر شده است. آن‌ها باید این گزارش جعلی را فوراً پس بگیرند! (حساب تروث سوشال ترامپ)

❖ ترامپ: بسیار به زودی در جنگ ایران پیروز خواهیم شد و قیمت‌های سوخت به میزان زیادی کاهش خواهد یافت. ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت. مقامات آمریکایی امروز [دوشنبه ششم مهر] با میانجی‌گران درباره ایران گفت‌وگو کردند. (فاکس نیوز)

❖ مارکوروبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، گفت راهبرد تهران این بود که ابتدا از رادخانه بزرگی از موشک‌ها، پهپادها و دیگر تسلیحات متعارف ایجاد کند و پس از ایجاد یک «سپر متعارف» و رسیدن به مرحله ای از «مصونیت» نظامی، به سوی سلاح هسته‌ای حرکت کند. (فاکس نیوز)

❖ یک مقام آمریکایی: ما از طریق میانجی‌ها به گفت‌وگویی مثبت با ایران ادامه می‌دهیم و بدون رسیدگی به موضوع هسته‌ای، توافقی حاصل نخواهد شد. (الجزیره)

❖ اسکات بسنت در دیدار با نخست‌وزیر لبنان خواستار اقدام قاطع علیه شبکه‌های مالی جمهوری اسلامی و حزب الله شد. (صدای آمریکا)

❖ پنج شهروند بریتانیایی که به ظن ارتکاب جرایم تروریستی در نزدیکی پایگاه «فیرفورد» (RAF Fairford) در گلاسترشر بازداشت شده بودند، پس از بازجویی با وثیقه پلیس آزاد شدند. (اسکای نیوز)

❖ مارکوروبیو وزیر خارجه آمریکا: یک طرح تروریستی مشکوک که آخر هفته در پایگاه نیروی هوایی سلطنتی «فرفورد» در بریتانیا خنثی شد، «تهدیدی بسیار جدی» بوده و به نظر می‌رسد که پای یک بازیگر خارجی در میان باشد. (فاکس نیوز)

❖ نخست‌وزیر بریتانیا برای برگزاری نشست «اضطراری» دولت این کشور به منظور بررسی حادثه پایگاه هوایی «فیرفورد» فراخوان داد. (بی‌بی‌سی)

❖ دولت بریتانیا به صورت غیرعلنی از دولت آمریکا خواسته در صورت ممنوع کردن صادرات گازوئیل، این کشور را معاف کند. (بلومبرگ)

❖ کشورهای عضو اتحادیه اروپا دوشنبه ششم مهر طرح‌های مربوط به ۵ پروژه دفاعی گسترده را در سراسر اروپا تصویب کردند. این پروژه‌ها حوزه‌هایی مانند پدافند هوایی، دفاع دریایی و مقابله با پهپادها را پوشش می‌دهند و در نتیجه، واجد شرایط دریافت بودجه از اتحادیه اروپا خواهند شد. (یورونیوز)

❖ نسرين ستوده، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر، به عنوان نخستین زن ایرانی، جایزه حقوق بشری واتسلاو هاول را دریافت کرد. (دویچه وله فارسی)

❖ مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، روز دوشنبه هم‌زمان با دو سالگی ماموریت خود تاکید کرد: «اکنون بیش از هر زمان دیگری، ضرورت برقراری مهلت قانونی برای اجرای اعدام‌ها تا زمان لغو کامل مجازات اعدام احساس می‌شود». (حساب ایکس مای ساتو)

❖ دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین: روسیه نمی‌خواهد ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود و روی ماندنش به عنوان یکی از طرف‌های این توافق حساب می‌کند. (راشاتودی)

❖ شرکت تتر، صادرکننده استیبل کوین یواس دی تی، در بیانیه‌ای اعلام کرد امسال به مسدود شدن نزدیک ۵۵۰ میلیون دلار دارایی مرتبط با بانک مرکزی جمهوری اسلامی و شبکه‌های تحریم شده کمک کرده است. (وبسایت تتر)

❖ وزیر خزانه‌داری ایالات متحده می‌گوید عملیات طرد اقتصادی علیه ایران ارزش پول ملی این کشور را به پایین‌ترین سطح تاریخی خود رسانده است. (حساب ایکس بسنت)

❖ ذخایر نفتی ایران در خارج از محدوده محاصره ممکن است تا اواسط ماه اکتبر به پایان برسد. (وال استریت ژورنال)

❖ مارک روته، دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی «ناتو»، تأکید کرد که روسیه همچنان به کارزار خصمانه خود علیه اعضای این ائتلاف ادامه می‌دهد. (خبرگزاری فرانسه)

اخبار و تحرکات محور عربی - منطقه‌ای

❖ نهادهای نظامی امنیتی اسرائیل برای احتمال از سرگیری جنگ با ایران آماده می‌شوند. (کانال ۱۲ اسرائیل)

❖ دفتر نخست‌وزیر: نخست‌وزیر نتانیا هوو و همسرش روز یکشنبه به دعوت شیخ محمد بن زاید رئیس امارات متحده عربی، از این کشور دیدار کردند. محور این دیدار، تقویت روابط میان دو کشور و بررسی چالش‌های منطقه‌ای بود. نخست‌وزیر در این سفر توسط رئیس شورای امنیت ملی، رئیس موساد، مشاور نظامی و مشاور سیاست خارجی همراهی شد. (حساب ایکس نخست‌وزیری اسرائیل)

❖ شیخ محمد بن زاید آل نهیان، رئیس کشور امارات عربی متحده روز یکشنبه از بنیامین نتانیا هوو،

نخست وزیر اسرائیل استقبال کرد. (خبرگزاری رسمی امارات)

❖ در نشست دیروز نتانیا هو در امارات، جلسه ای با حضور مقام های ارشد چند کشور حوزه خلیج فارس برگزار شد که به موضوع ایران اختصاص داشت. این خبر را گیلی کوهن بر اساس منابع آگاه از جزئیات این نشست گزارش کرده است. (کان نیوز)

❖ شرکت هواپیمایی عراق روز دوشنبه اعلام کرد پروازهای خود بین فرودگاه نجف و فرودگاه های ایران را از سر گرفته است. (خبرگزاری رسمی عراق)

❖ خبرنگار تسنیم در بغداد گزارش داد اخبار منتشر شده در مورد صدور مجوز پرواز برای شرکت های هواپیمایی ایرانی به فرودگاه های عراق صحت ندارد و تا این لحظه مراجع ذیربط در عراق تنها با از سرگیری پروازهای شرکت هواپیمایی العراقیه عراق به ایران موافقت کرده اند. (تسنیم)

❖ پادشاهی عربی سعودی صادرات نفت از طریق خط لوله اصلی «شرق-غرب» که شرق این کشور را به مناطق غربی آن متصل می کند، از سر گرفت. (العربیه)

❖ با وجود درگیری ایران و آمریکا، طی هفته گذشته شمار بیشتری از کشتی های حامل گاز طبیعی مایع شده (LNG) مرتبط با شرکت قطرانرژ از تنگه هرمز عبور کرده اند. (کپلر)

❖ مجلس نمایندگان یمن فراخوان رشاد العلیمی، رئیس شورای رهبری ریاست جمهوری یمن برای «بسیج عمومی به منظور مقابله با شبه نظامیان حوثی» را تصویب کرد. (العربیه)

❖ مشاور مسعود بارزانی: اگر گروه های مسلح در عراق منحل شوند، نگرانی ها در اقلیم کردستان کاهش خواهد یافت. نیروهای پیشمرگه اقلیم کردستان جایگزین نیروهای آمریکایی در کردستان عراق هستند. (العربیه)

❖ وزارت خارجه قطر اعلام کرد روند انتقال پیام ها میان آمریکا و ایران به طور مستمر ادامه دارد. (الجزیره)

❖ به نقل از فرماندهی نظامی آمریکا در آفریقا (آفریکام): یک همکاری فزاینده میان شبه نظامیان حوثی یمن و گروه «الشباب» سومالی شکل گرفته است؛ ائتلافی که واشینگتن آن را تهدیدی جدی و تشدیدکننده برای ثبات و امنیت منطقه ارزیابی کرده است. (فایننشال تایمز)

❖ یک نهاد امنیت دریایی بریتانیایی: یک نفتکش روز گذشته هنگام عبور از تنگه هرمز هدف اصابت یک پرتابه ناشناس قرار گرفت. (العربیه)

❖ ک فروند هواپیمای مسافربری متعلق به کاسپین ایرلاینز که در فرودگاه استانبول برای انجام پرواز آماده می شد، به دلیل «بدهی های پرداخت نشده این شرکت»، با حضور نیروهای پلیس و توسط مأموران اجرای احکام قضایی توقیف شد. (روزنامه حریت)

❖ در پی یک اقدام خرابکارانه در شامگاه دوشنبه، انفجاری در شیر مقطعی خط انتقال گاز میان

منطقه «الشولا» و «دیرالزور» رخ داد که منجر به آتش سوزی در این خط لوله شد. (سانا)

- ❖ ارتش اسرائیل و سازمان «شین بت» شب گذشته با انجام حمله‌ای در شمال نوار غزه، «عزالدین بیک» فرمانده تیپ شمال در شاخه نظامی سازمان حماس را حذف کردند. (ارتش دفاعی اسرائیل)
- ❖ براساس یک حکم قضایی، محمدفرمان شاهر، نماینده پارلمان عراق، در پرونده «فساد مالی» به ۷ سال حبس محکوم شد. (العربیه)

اخبار مهم سیاسی - امنیتی داخلی

- ❖ سفارت ایران در لندن گمانه زنی‌ها درباره ادعای ارتباط تهران با پرونده فرفورد را رد کرد. (ایرنا)
- ❖ عراقچی: شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز مطابق با تأکیدات مقام معظم رهبری به طرف آمریکایی ابلاغ شد. (ایرنا)
- ❖ سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که برای شرکت در هشتاد و یکمین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک به سر می برد، در آخرین روز از سفر خود با آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد دیدار کرد. (ایرنا)
- ❖ فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت: مقامات آمریکایی برای چندمین بار ضرب الاجلی تازه، این بار برای اقتصاد ایران، تعیین کرده اند. ایران با تکیه بر مردمش به ساختن، ایستادگی و دفاع از حقوق خود ادامه خواهد داد. پیش از اعلام ضرب الاجل تازه، تاریخ انقضای پیش بینی هایتان را بررسی کنید. (حساب ایکس مهاجرانی)
- ❖ «محبوبه شعبانی»، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۱۴۰۴ که به تازگی به اعدام محکوم شده، امروز دوشنبه ۶ مهر ۱۴۰۵ به سلول انفرادی زندان «وکیل آباد» مشهد منتقل شده است. (هرانا)
- ❖ قالیباف: هم آمریکایی‌ها و هم سایر کشورها بدانند در منطقه‌ای که ما نفت نفروشیم، کسی نفت نخواهد فروخت. (تسنیم)
- ❖ قالیباف: سران کاخ سفید باید بدانند ملت رشید و تاریخ ساز ایران با خط و نشان کشیدن، لفاظی یا محاصره هوایی و تجاری هرگز به عقب نخواهد نشست و پاسخ جمهوری اسلامی ایران به هرگونه تعدی و ماجراجویی، پاسخی سخت، پشیمان کننده، دقیق و سریع خواهد بود. (تسنیم)
- ❖ عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پایان سفر خود به نیویورک گفت تهران همچنان منتظر دریافت پاسخ رسمی آمریکا درباره طرح پیشنهادی خود برای بازگشایی تنگه هرمز است و این پاسخ از طریق میانجی‌های قطری به ایران منتقل خواهد شد. (یورونیوز)
- ❖ سردار محبی سخنگوی سپاه: سیاست محاصره آمریکا در برابر همسایگان ایران، محکوم به شکست است. (تسنیم)
- ❖ سپاه پاسداران در نامه‌ای به مردم آمریکا نوشت: حساب خودتان را از اشغالگران فلسطین که

خواه- ناخواه باید آنجا را ترک کنند و به کشورهایشان برگردند، جدا کنید! ما می‌توانیم همزیستی مسالمت‌آمیزی با هم داشته باشیم. (تسنیم)

❖ نرخ دلار در معاملات امروز بازار آزاد ایران با ثبت یک رکورد تازه به مرز ۲۵۰ هزار تومان رسید. (بی‌بی‌سی فارسی)

❖ عراقچی نیویورک را پس از رایزنی‌های فشرده دیپلماتیک ترک کرد. (ایرنا)

❖ تجمع اعتراضی کارگران شرکت هپکوک از روز دوشنبه ۶ مهر آغاز شده بود، امروز نیز ادامه یافت. (اعتراض مدنی بازار)

نگاه جریان های داخلی به جنگ و مسائل مرتبط

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ تلاش جریان منتقد قالیباف برای تبدیل پرونده رسایی به آزمونی برای استقلال قوه قضاییه و عدالت در نظام جمهوری اسلامی»
- ❖ هجوم سازمان یافته سه جریان شریان، مصاف و هواداران پایداری علیه محسنی اژه ای و قالیباف
- ❖ شکاف درون اصولگرایان در پرونده رسایی؛ از اتهام «بی عدالتی و کودتا» توسط میثم نیلی تا تأکید برخی چهره های اصولگرا بر پرهیز از هیاهوی سیاسی
- ❖ پیوند زدن پرونده قضایی رسایی به مذاکرات هسته ای و «معامله پشت پرده» توسط کاربران پایداری برای ایجاد احساس خطر امنیتی
- ❖ کنش جریان اصلاحات نهادگرا در قبال گزاره «تیم شش نفره» با هدف عادی سازی ساختار و تقویت نقش دولت در تصمیم گیری
- ❖ ابهام آفرینی هدفمند نهادگرایان درباره جایگاه رهبری در تیم شش نفره برای بازتوزیع قدرت به نفع نهادهای منتخب
- ❖ بازگشت دوگانه «جنگ - توافق» به سرفصل اقدام رسانه ای جریان اصلاحات با تأکید بر خسارت های جنگ و توافق مرحله ای
- ❖ جابه جایی مسئولیت از جنگ به توافق و بازتعریف مقاومت به عنوان هزینه ای غیرقابل تحمل در تولیدات محتوایی اصلاح طلبان
- ❖ مأموریت سازی برای دولت پزشکیان و بین المللی سازی توافق به عنوان خواسته جامعه جهانی برای ایجاد اضطراب ادراکی

رصد و تحلیل

تلاش جریان منتقد قالیباف برای تبدیل کردن پرونده رسایی به آزمونی برای استقلال قوه قضاییه و «عدالت در نظام جمهوری اسلامی»

حمید رسایی، نماینده تهران، پس از صدور حکم قطعی ۱۰ ماه حبس تعزیری در پرونده شکایت محمد باقر قالیباف، در ۵ مهر ۱۴۰۵ به بند ویژه روحانیت زندان اوین اعزام شد. قوه قضائیه اعلام کرد پرونده مربوط به دی ماه ۱۴۰۲ و از ثبت تا اجرا ۹۵۱ روز طول کشیده است.

جدیدترین واکنش‌ها:

اصلاح طلبان:

❖ روزنامه سازندگی: از حملات «سازمان یافته» سه جریان شریان، مصاف و هواداران پایداری علیه محسنی اژه‌ای و قالیباف خبر داد. این منبع نشان می‌دهد هدف واقعی، نه دفاع از رسایی، بلکه تضعیف رئیس قوه قضائیه است.

❖ روزنامه آرمان ملی: پرسش کلیدی را مطرح کرد: «چرا پایداری چی‌ها با صدور حکم زندان برای رسایی به قوه قضائیه حمله می‌کنند؟» و رفتار آن‌ها را «توهم خود حق‌پنداری» خواند که «حتی سران قوا را به کودتا علیه خود متهم می‌کنند». آرمان ملی تأکید کرد دستگاه قضایی همواره تلاش کرده بدون نگرش جناحی رسیدگی کند، اما جریان خاص خود را «مصون از بازخواست» می‌داند.

اصولگرایان:

❖ میثم نیلی (مدیرمسئول رجانیوز): حکم را «بی‌عدالتی»، «غرض‌ورزی سیاسی» و «وفاق آلوده» خواند و با طرح پرسش «اینجا کودتایی رخ داده؟» سران قوا را به کودتا متهم کرد. تناقض آشکار: هم‌زمان مدعی دفاع از عدالت است و هم به نهاد قضایی حمله می‌کند.

❖ امیرحسین ثابتی (نزدیک به پایداری): در نامه سرگشاده به اژه‌ای، اصل «تناسب جرم و مجازات» را زیر سؤال برد و هشدار داد حکم، اعتماد عمومی به دستگاه قضا را کاهش می‌دهد.

❖ مجتبی زارعی (نماینده نزدیک به قالیباف): برخلاف هم‌طیفانش نوشت: «دادگاه جای بیانیه و هیاهوی سیاسی نیست» و «احساساتی کردن فضا و بیانیه دادن علیه سه قوه» کسی را از مسئولیت قضایی مبرانمی‌کند. این موضع، شکاف درون اصولگرایان را آشکار می‌کند.

❖ روزنامه نوبنیاد: این روزنامه با اشاره به انتشار فایل صوتی بیژن نوباوه، روایت رسمی قوه قضائیه از روند پرونده را به چالش کشید و بر تفاوت میان «متن امضا شده نمایندگان» و «متن قرائت شده در صحن» تأکید کرد. نوبنیاد همچنین با بازنشر اظهارات قالیباف در مناظرات انتخاباتی — که گفته بود «من هیچ وقت از هیچ رسانه فردی شکایت نکرده و نمی‌کنم» — تناقض میان این موضع و شکایت او از رسایی را برجسته کرد.

❖ کاربران نزدیک به جبهه پایداری در توییتر: آنان بدون ارائه سندی مدعی شد زندانی کردن رسایی «سرگرم‌سازی ملت» برای «معامله پشت پرده عراقچی در آمریکا» و «متن اصلاح شده برای تفاهم جدید» است. این روایت، پرونده قضایی را به مذاکرات هسته‌ای گره می‌زند؛ پیوندی فاقد سند که هدفش ایجاد احساس خطر امنیتی است.

❖ کانال حکمران (نزدیک به یاسر جبرائیلی): بالحنی ملایم تر اما جهت‌دار، رسایی را «نماینده فہیم و انقلابی» نامید و نوشت: «شایسته بود طبق فرمایش رهبری و برای حفظ اتحاد، آقای قالیباف

از شکایت خود صرف نظر می‌کرد.» این موضع، فشار بر رئیس مجلس را با استناد به «وحدت» مشروعیت می‌بخشد.

❖ واکنش کاربران در ایکس: بخشی از کاربران از اجرای حکم استقبال کردند و هشتگ «جای مجرم در زندان است، نه مجلس» را به کار بردند. گروهی دیگر با اشاره به اینکه پرونده مربوط به دوره پیش از نمایندگی است، حملات به اژه‌ای و قوه قضائیه را سیاسی توصیف کردند.

تحلیل راهبردی: سه لایه پنهان در هجوم سازمان یافته

❖ لایه اول - بازآرایی جایگاه ظالم و مظلوم: جریان حامی رسایی با ایجاد پیوند میان یک پرونده قضایی شخصی و مسائلی چون مذاکرات هسته‌ای، کودتا و خون شهدا، در صدد بازتعریف رسایی از «متهم به نشر اکاذیب» به «قربانی توطئه‌ای فراگیر» است. این جابه‌جایی گفتمانی، افکار عمومی را از اصل حکم و مستندات قانونی آن منحرف کرده و پرونده را به صحنه‌ای برای مظلوم‌نمایی سیاسی تبدیل می‌کند.

❖ لایه دوم - آزمون سنجش قدرت قوه قضائیه: هدف واقعی این هجوم، نه آزادی رسایی، بلکه سنجش آستانه عقب‌نشینی دستگاه قضا در برابر فشارهای سیاسی و رسانه‌ای است. در صورت تسلیم قوه قضائیه، این فشار به یک الگوی تکرارشونده تبدیل خواهد شد و فردا نه یک حکم، بلکه تمامی پرونده‌های حساس را در دستور کار مطالبه‌گری این جریان قرار خواهد داد. عقب‌نشینی در این مرحله، نه یک تدبیر تاکتیکی، بلکه یک شکست راهبردی برای حاکمیت قانون خواهد بود.

❖ لایه سوم - تضعیف هم‌زمان دو قوه: قالیباف در این پرونده هم‌زمان شاکی خصوصی و رئیس قوه مقننه است. هجوم سازمان یافته به او، در عمل حمله به استقلال مجلس و قوه قضائیه به صورت هم‌زمان است. این هجوم، مرزهای تفکیک قوا را هدف گرفته و تلاش می‌کند نهادهای نظام را در برابر فشارهای سیاسی و رسانه‌ای آسیب‌پذیر نشان دهد.

جمع‌بندی راهبردی

داده‌ها نشان می‌دهد جریان حامی رسایی از «دفاع حقوقی» عبور کرده و به «تضعیف نهادهای نظام» رسیده است. قوه قضائیه اگر عقب‌نشینی کند، استقلال خود را از دست خواهد داد. مقاومت در برابر این فشار، نه انتخاب سیاسی، بلکه ضرورتی راهبردی برای حفظ تفکیک قوا و حاکمیت قانون است.

کنش جریان اصلاحات نهادگرا در قبال گزاره «تیم شش نفره» و مقایسه آن با ساختارگرایان اصلاح طلب

اظهارات مسعود پزشکیان در برنامه «فیس د نیشن» شبکه CBS درباره وجود «تیم شش نفره» برای

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، توسط دورس‌خانه نزدیک به جریان اصلاحات نهادگرا — خبرآنلاین و روزنامه سازندگی — با دورویکرد متفاوت اما هم‌راستا تحلیل شده است. این گزارش می‌کوشد کنش این جریان را در قبال این گزاره تبیین کرده و آن را با رویکرد ساختارگرایان اصلاح طلب مقایسه کند.

کنش جریان نهادگرا:

عادی‌سازی مسئله ایجاد ساختار:

❖ جریان اصلاحات نهادگرا که عمدتاً در قالب احزاب و رسانه‌های درون حاکمیت (مانند کارگزاران سازندگی و خبرآنلاین) فعالیت می‌کند، در قبال گزاره «تیم شش نفره» رویکردی متفاوت از ساختارگرایان درپیش گرفته است. خبرآنلاین با «پیگیری از مراجع مختلف» تلاش کرده ترکیب این تیم را کشف کند و آن را «جدا از ساختار رسمی شورای عالی امنیت ملی» معرفی کند. سازندگی نیز با گفت‌وگو با پنج چهره سیاسی، این کمیته را در امتداد «کمیته هسته‌ای» و «کمیته مذاکره» نشان داده و آن را سازوکاری با سابقه تاریخی معرفی می‌کند. هدف این جریان، عادی‌سازی این ساختار و ایجاد قرائتی برخلاف ادعاهای جریان براندازی و ساختارگرایان اصلاح طلب است. آن‌ها می‌خواهند این تصویر را جا بیندازند که تصمیم‌گیری سیاست خارجی در ایران، فرآیندی چند نهادی و جمعی است که در آن دولت نیز سهمی دارد.

ابهام‌آفرینی هدفمند درباره جایگاه رهبری:

❖ با این حال، نقطه اشتراک نهادگرایان با ساختارگرایان در یک چیز است: ایجاد ابهام درباره جایگاه رهبری در این ساختار. سازندگی با نقل قول از مرعشی («از طرف رهبر کسی شرکت نمی‌کند») و عطریان‌فر («پزشکیان عضو کمیته نیست بلکه شخصیت بالادستی آن است») و خانجانی («شاید یک صندلی برای بیت») عملاً این پرسش را ایجاد می‌کند که اگر رهبری در این اتاق حضور ندارد، مرجع نهایی تصمیم کیست؟ این ابهام‌آفرینی، هرچند با ادبیات «کارشناسی» و «تحلیلی» انجام می‌شود، اما در نهایت همان کارکرد ساختارگرایان را دارد: تضعیف قطعیت درباره جایگاه رهبری در تصمیم‌گیری کلان. تفاوت در این است که نهادگرایان این کار را برای تقویت نقش دولت انجام می‌دهند، نه برای تخریب کل ساختار.

مقایسه نهادگرایان و ساختارگرایان اصلاح طلب:

ساختارگرایان اصلاح طلب (نزدیک به جریان موسوی و جمهوری خواهان برانداز) از همین گزاره برای القای خلأ قدرت و اعتبار بخشی به سناریوی ادعایی شهادت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای استفاده می‌کنند — یعنی هدفشان تخریب کل ساختار و مشروعیت‌زدایی از نهادهای رسمی است. اما نهادگرایان درون حاکمیت، همان ابهام را برای بازتوزیع قدرت به نفع دولت و نهادهای منتخب به کار می‌گیرند. آن‌ها نه خواهان فروپاشی ساختارند و نه مشروعیت‌زدایی، بلکه خواهان بازتعریف

جایگاه دولت در تصمیم‌گیری امنیتی هستند.

به عبارت دیگر: ساختارگرایان از ابهام برای تخریب (براندازی) استفاده می‌کنند، نهادگرایان از ابهام برای چانه‌زنی قدرت. هر دویک نقطه ضعف راه‌دف گرفته‌اند — ابهام در جایگاه رهبری — اما با دوهدف متفاوت.

بازگشت دوگانه «جنگ - توافق» به سرفصل اقدام رسانه‌ای جریان اصلاحات

در روزهای اخیر، رسانه‌های منتسب به جریان اصلاحات و حامی دولت، فضایی متفاوت از رویه معمول خود را بازتولید کرده‌اند. روزنامه‌های اعتماد، شرق، سازندگی، هم‌میهن، اقتصاد نیوز و غیره در کنار گزارش‌های خبری، میزبان تحلیل‌هایی از کارشناسان نزدیک به این جریان بوده‌اند که حول دوماحور «جنگ» و «توافق» متمرکز شده است. فضای کلی این رسانه‌ها رami توان در چند ویژگی خلاصه کرد:

- ❖ نخست، تأکید بر «دیپلماسی فعال» ایران و «دست برتر میدانی» در تنگه هرمز و باب‌المندب
 - ❖ دوم، ارزیابی رفتار «زیگزاگی» و «پارادوکسیکال» دونالد ترامپ
 - ❖ سوم، هشدار نسبت به «فرسایش» و «خسارت‌های جنگ»
 - ❖ چهارم، طرح «توافق مرحله‌ای» به عنوان مسیر عملی برون رفت از بحران
- این گزارش، بر اساس داده‌های گردآوری شده از این رسانه‌ها، محورهای مطرح شده را بررسی و سپس در بخش تحلیلی، اهداف سیاسی جریان اصلاح طلبی را در قبال جنگ و توافق تشریح می‌کند.

محور نخست: جنگ

❖ روزنامه اعتماد در گزارشی با عنوان «با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن»، رفتار ترامپ را «زیگزاگی» توصیف می‌کند: از یک سو در تربیون‌های عمومی پیشنهاد ۷ روزه ایران را رد می‌کند و از سوی دیگر، فرستادگان ارشد خود را از طریق میانجی‌گران قطری برای گفت‌وگو با سید عباس عراقچی در نیویورک مستقر کرده است. این گزارش، به نقل از اکسیوس، تأکید می‌کند که ترامپ در گفت‌وگو با این پایگاه، ضمن رد پیشنهاد ایران، از «گفت‌وگوهای بیشتر» و «کانال‌های غیرمستقیم» سخن گفته است. مایک والتز، سفیر آمریکا در سازمان ملل، ادعا کرده که تهران «از همان ابتدا همه چیز را با هم می‌خواهد» و به همین دلیل پیشنهاد ۷ روزه رد شده است.

❖ در همین چارچوب، علی‌ودایع در روزنامه اعتماد با عنوان «دیپلماسی در سایه» تحلیلی نظری ارائه می‌دهد. او با استناد به نظریه «موازنه تهدید» استفان والت و «تئوری مرد دیوانه» (Madman Theory)، رفتار ترامپ را در قالب «بازی جوجه» (Chicken Game) تفسیر می‌کند: ترامپ با ارسال سیگنال‌های متناقض، همزمان تمایل به معامله ورد علنی طرح‌ها را نمایش می‌دهد تا ادراک

«غیرقابل پیش بینی بودن» را ایجاد کند. ودایع با اشاره به گزارش های اندیشکده های CSIS، رندو CNAS، تأکید می کند که آسیب پذیری ساختاری پایگاه های ثابت آمریکا (العدید در قطر، الظفره در امارات، علی السالم در کویت) در برابر «دکترین جنگ نامتقارن» ایران، هزینه های جنگ تمام عیار را برای واشنگتن غیرقابل قبول می سازد.

❖ روزنامه شرق در سرمقاله ای به قلم کوروش احمدی، دیپلمات پیشین، به «تجربه طرح اخیر ایران» می پردازد. او با اشاره به اظهارات سردار محسن رضایی در ۲۸ شهریور، خاستگاه پنجره دیپلماتیک اخیر را «هفت شرط ایران» می داند که شامل خاتمه جنگ در همه جبهه ها، پایان محاصره دریایی، لغو تحریم نفتی و آزادی سپرده ها بوده است. احمدی تأکید می کند که طرح ایران «تاژگی نداشت» و همان مفاد یادداشت تفاهم اسلام آباد را با زمان بندی فشرده تر (۱-۲ هفته به جای ۶۰ روز) تکرار می کرد. او پنج دلیل برای رد ترامپ برمی شمارد: تصویر نیمه باز بودن تنگه از «مسیر تاریک»، انتقاد دموکرات ها و جمهوری خواهانی چون تام کاتن و تد کروز، حساب روی فشار اقتصادی، گزینه های نظامی محدود، و انتخابات.

❖ حسن بهشتی پور در اقتصاد نیوز، سه چالش جدید پساجنگ در روابط ایران و عربستان را برمی شمارد: استفاده از خاک عربستان و منطق تلافی متقابل، بحران حوثی ها و مسئله «نیابتی»، و بسته شدن تنگه هرمز و منطق بازدارندگی. او با استناد به نظریه «مجموعه امنیتی منطقه ای» باری بوزان، پیشنهاد می کند که ایران و عربستان به جای تشدید تهدید متقابل، سازوکار مشترک امنیت دریایی خلیج فارس - باب المندب را طراحی کنند.

❖ صادق زنگنه در هم میهن، با عنوان «دیپلماسی و تابوی تماس!»، ضعف دیپلماسی عمومی ایران را ناشی از «ترس ایدئولوژیک از تندروها» می داند. او با اشاره به صحنه سازمان ملل و نمایش «استارلینک» سفیر اسرائیل، سکوت نماینده ایران را «فلج دیپلماتیک» توصیف می کند و می نویسد: «اوترجیح داد ساکت بماند تا مبادا در داخل، چون یک جذامی سیاسی، طرد شود.» زنگنه از مسعود پزشکیان و محمد باقر قالیباف می خواهد که «تابوی تماس» را بشکنند و مستقیماً با مردم آمریکا و اسرائیل (!) سخن بگویند.

محور دوم: توافق

❖ روزنامه اعتماد در گزارش خود، پیشنهاد ۷ روزه ایران را «بالاترین درجه از انعطاف ساختار یافته» توصیف می کند که شامل بازگشایی گام به گام تنگه هرمز، مشروط به توقف محاصره دریایی و رفع تحریم های فروش نفت بود. این گزارش تأکید می کند که عراقچی در نیویورک «منتظر دریافت پاسخ های رسمی و مکتوب از طریق میانجی ها» است و تهران «اسیر لفاظی های رسانه ای» ترامپ نمی شود. به نقل از رویترز، «متون اصلاح شده همچنان میان دوحه، تهران و واشنگتن در رفت و آمد هستند.»

❶ کوروش احمدی در شرق، با اشاره به «درس آموزی» ایران از تجربه اخیر، تأکید می‌کند: «دیپلماسی عرصه بده‌بستان است و نمی‌توان با اصرار بر امتیاز تقریباً صفر برای طرف مقابل انتظار پیشرفتی در این مسیر را داشت». او پیش‌بینی می‌کند که ترامپ احتمالاً «تمرکز خود را بر پیگیری محاصره دریایی و فشار اقتصادی بیشتر بر ایران» بگذارد، اما «بعید است به طور جدی در اندیشه جنگ تمام‌عیار باشد».

❷ ناصر هادیان در نشست کمیته سیاسی جبهه اصلاحات ایران، صریح‌ترین موضع را اتخاذ می‌کند: «توافق مرحله‌ای» یا «تعامل گزینشی» می‌تواند امکان‌پذیرتر باشد. او با اشاره به «علائمی از شکل‌گیری نوعی واقع‌بینی در بخشی از ساختار قدرت»، می‌گوید: «اکنون بخش‌هایی از ساختار قدرت در ایران بار دیگر به این جمع‌بندی نزدیک شده‌اند که باید مسیر تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را مورد توجه قرار دهند». هادیان پیشنهاد می‌کند که ایران ابتدا «آمادگی خود را برای بازگشایی تنگه هرمز اعلام کند» و سپس «وارد گفت‌وگوهای وسیع‌تر شود». او همچنین تأکید می‌کند که ایران «نباید سیاست خود را بر مبنای نتیجه انتخابات میان دوره‌ای آمریکا تنظیم کند».

اهداف سیاسی جریان اصلاح‌طلبی

آنچه در مجموع این داده‌ها بازتاب یافته، صرفاً یک بحث کارشناسی درباره جنگ و توافق نیست؛ بلکه بازتولید یک راهبرد سیاسی مشخص است که جریان اصلاح‌طلبی در قبال «دوگانه «جنگ - توافق»» دنبال می‌کند. این راهبرد را می‌توان در چند محور تشریح کرد:

❶ نخست، جابه‌جایی مسئولیت از «جنگ» به «توافق»: جریان اصلاح‌طلبی با تأکید مکرر بر «خسارت‌های جنگ»، «فرسایش دائمی»، «مهاجرت نیروهای متخصص» و «تورم»، تلاش می‌کند این ادراک را در افکار عمومی ایجاد کند که تداوم وضعیت فعلی، نه یک «مقاومت افتخارآمیز» بلکه یک «هزینه‌ی زیان‌ده» است. در این روایت، «جنگ» نه به عنوان یک واقعیت تحمیلی، بلکه به عنوان یک وضعیت قابل مدیریت از طریق «توافق» بازتعریف می‌شود.

❷ دوم، معرفی «توافق» به عنوان تنها گزینه عقلانی: جریان اصلاح‌طلبی با طرح مفاهیمی چون «توافق مرحله‌ای»، «تعامل گزینشی» و «بازگشت به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد»، در عمل «توافق» را به عنوان تنها مسیر ممکن و عقلانی معرفی می‌کند. این جریان، هرگونه مقاومت در برابر توافق را به «تابو»، «ترس ایدئولوژیک» و «فلج دیپلماتیک» تقلیل می‌دهد و مخالفان را به «تندرو» بودن متهم می‌کند. هدف سیاسی این راهبرد، ایجاد یک اجماع نخبگانی و رسانه‌ای حول ضرورت توافق است که در نهایت، ساختار قدرت را به سمت پذیرش آن سوق دهد.

❸ سوم، استفاده از «دستاوردهای میدانی» به عنوان اهرم چانه‌زنی: جریان اصلاح‌طلبی، ضمن اذعان به «اهمیت ژئوپولیتیک تنگه هرمز» و «دستاوردهای ایران در جنگ»، از این دستاوردها

برای ادامه مقاومت، بلکه برای «چانه زنی» و «توافق» استفاده می‌کند. ناصر هادیان صریحاً می‌گوید: «مادر این جنگ به برخی از اهداف و دستاوردهای مهم خود دست یافته ایم... این مسئله باید در محاسبات آینده مورد توجه قرار گیرد.» هدف سیاسی این راهبرد، تبدیل «پیروزی میدانی» به «امتیاز دیپلماتیک» است.

❖ چهارم، فشار بر دولت برای تصمیم‌گیری پیش از انتخابات آمریکا: جریان اصلاح طلبی با تأکید بر «زمان بندی» و هشدار نسبت به «پیچیده تر شدن فضای سیاسی آمریکا پس از انتخابات»، در عمل دولت را تحت فشار قرار می‌دهد که پیش از انتخابات میان دوره‌ای، اقدام به توافق کند. این راهبرد، دولت را در وضعیت «یا اکنون یا هرگز» قرار می‌دهد و هزینه تأخیر را برای افکار عمومی برجسته می‌کند.

❖ پنجم، بازتعریف «مقاومت» به عنوان «هزینه‌ای غیرقابل تحمل»: جریان اصلاح طلبی با استفاده از ادبیاتی چون «فرسایش»، «خسارت غیرقابل جبران» و «عدم النفع»، در عمل «مقاومت» را به عنوان یک «هزینه» و نه «ارزش» بازتعریف می‌کند. این جریان، «زندگی مردم» را در برابر «مقاومت» قرار می‌دهد و می‌پرسد: «برویم بجنگیم، بعد چه بشود؟» هدف سیاسی این راهبرد، ایجاد یک «اضطرار ادراکی» است که در آن، تداوم مقاومت به عنوان «غیرعقلانی» و «غیرمسئولانه» تلقی شود.

❖ ششم، مأموریت‌سازی برای دولت پزشکیان: جریان اصلاح طلبی، دولت مسعود پزشکیان را «دولت بسیار دلسوز و تلاشگر اما بدون نتیجه» توصیف می‌کند و از آن می‌خواهد که «تهور و شجاعت» داشته باشد. این جریان، با یادآوری تجربه هاشمی رفسنجانی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸، در عمل به دولت یادآوری می‌کند که «اگر می‌خواهید در تاریخ ثبت شوید، باید هزینه توافق را بپردازید.» هدف سیاسی این راهبرد، ایجاد یک «فشار تاریخی» بر دولت برای اتخاذ تصمیمی است که جریان اصلاح طلبی سال‌هاست آن را تجویز می‌کند.

❖ هفتم، بین‌المللی‌سازی «توافق» به عنوان خواسته «جامعه جهانی»: جریان اصلاح طلبی با استناد به «میانجی‌گری چین»، «نقش قطر»، «موضع اروپا» و «بخش معقول در آمریکا»، در عمل «توافق» را نه به عنوان یک خواسته جناحی، بلکه به عنوان یک «خواسته بین‌المللی» معرفی می‌کند. هدف سیاسی این راهبرد، مشروعیت بخشی بین‌المللی به «توافق» و مشروعیت زدایی از «مقاومت» به عنوان یک موضع «منزوی» است.

جمع‌بندی نهایی

راهبرد جریان اصلاح طلبی در قبال جنگ و توافق را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: تبدیل «جنگ» به یک «مسئله مدیریت شدنی» و «توافق» به یک «ضرورت تاریخی».

این جریان، با استفاده از رسانه‌های حامی، تحلیل‌گران نزدیک، و ادبیات کارشناسی، در تلاش است تا

فضای عمومی و نخبگانی کشور را برای پذیرش توافقی که آن را «مرحله ای» و «عقلانی» می نامد، آماده کند. هدف نهایی این راهبرد، نه صرفاً پایان جنگ، بلکه بازتعریف «مقاومت» به عنوان «هزینه» و «توافق» به عنوان «دستآورد» است؛ پروژه ای که در صورت تحقق، می تواند معادلات راهبردی کشور را برای سال ها تغییر دهد.

روندها و تحلیل‌های امنیتی، نظامی و دفاعی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ تضعیف فرضیه بمب‌گذاری قریب‌الوقوع در پایگاه فرفور دپس از اعلام پیداشدن مواد منفجره در بررسی نهایی ون‌ها و آزادی پنج مظنون به قید وثیقه
- ❖ تشدید گمانه‌زنی درباره نقش بازیگر خارجی در پرونده فرفور با ادعای مارکوروبیو مبنی بر دخالت «آشکار» یک عامل خارجی و اشاره محتاطانه ترامپ به احتمال ارتباط ایران
- ❖ تداوم بررسی احتمال ارتباط پرونده فرفور با ایران در کنار سناریوهای دیگر از جمله روسیه و بازیگران غیردولتی، بدون اعلام نتیجه قطعی از سوی پلیس ضد تروریسم بریتانیا
- ❖ تلاش برای پیوند دادن پرونده فرفور با ابعاد فرآتلانتیکی جنگ ایران و آمریکا و طرح پیامدهای احتمالی اثبات دخالت دولتی برای مناسبات آمریکا، بریتانیا و ناتو
- ❖ برجسته‌سازی آسیب‌پذیری پایگاه‌های ثابت آمریکا در برابر حملات موشکی و پهپادی ایران و زیر سؤال رفتن فرض امنیت پایگاه‌های نزدیک میدان نبرد
- ❖ اشاره به هزینه بالای مقابله با حملات انبوه و مصرف سریع ذخایر محدود رهگیرهای پاتریوت و تاد در برابر موشک‌ها و پهپادهای ارزان‌تر
- ❖ تبدیل تجربه جنگ ایران به هشداری برای سناریوی درگیری با چین و احتمال آسیب‌پذیری شبکه پایگاه‌های آمریکا در منطقه اقیانوس‌های هند و آرام
- ❖ وزن دهی به عقب‌ماندگی آمریکا در مستحکم‌سازی پایگاه‌ها و حفاظت فیزیکی از هواگردها و تجهیزات در مقایسه با اقدامات گسترده چین
- ❖ طرح ضرورت بازطراحی راهبرد نظامی آمریکا با پراکنده‌سازی نیروها، تقویت پدافند و استحکامات و توسعه پهپادهای دوربرد برای کاهش وابستگی به پایگاه‌های بزرگ ثابت
- ❖ طرح ادعای تشدید «سرکوب فرامرزی» علیه فعالان ایرانی مقیم استرالیا با محوریت نظارت، تهدید و فشار بر خانواده‌ها در ایران
- ❖ پررنگ‌سازی افزایش توجه نهادهای امنیتی و پارلمانی استرالیا به مداخله خارجی و نظارت بر مخالفان جمهوری اسلامی در این کشور
- ❖ معرفی نقشه راه GCE ۲۰۴۰ برای تحول نیروی رزمی زمینی تفنگداران دریایی آمریکا با تمرکز بر آمادگی برای نبرد با رقبای هم‌سطح و محیط‌های اشباع از پهپاد، هوش مصنوعی و جنگ الکترونیک
- ❖ طرح موضوع بسیج ظرفیت‌های پنتاگون برای شناسایی و خنثی‌سازی مداخله خارجی در انتخابات آمریکا
- ❖ برجسته‌سازی نقش فرماندهی سایبری و مجموعه اطلاعات دفاعی آمریکا در رصد تهدیدات خارجی

علیه فرایند انتخابات

❶ تثبیت هوش مصنوعی و عملیات سایبری به عنوان ابزارهای محوری پنتاگون در مأموریت حفاظت از انتخابات

❷ همراهی پنتاگون و وزارت امنیت داخلی آمریکا در عملیات مشترک برای مقابله با حملات سایبری خارجی به زیرساخت های انتخاباتی

رصد و تحلیل

واکنش ترامپ به آزادی مظنونان پرونده پایگاه فرفورد، و جوسازی رسانه ای برای مداخله ناتو در جنگ ایران به بهانه این پرونده

بامداد یکشنبه پس از مشاهده سه ون سفید و گروهی از مردان نقاب دار در نزدیکی پایگاه هوایی فرفورد، پنج مظنون بازداشت شدند. پلیس ابتدا آنان را به ظن جرایم مرتبط با مواد منفجره و آماده سازی یک اقدام تروریستی بازداشت کرد. رسانه ها همچنان در حال انعکاس این موضوع هستند.

به گزارش رویترز، پس از بازجویی و بررسی خودروها، هر پنج نفر که همگی اتباع بریتانیا، ساکن لندن و ۲۳ تا ۲۵ ساله هستند با شرایط سخت گیرانه به قید وثیقه آزاد شدند و همچنان تحت تحقیق قرار دارند. این پایگاه متعلق به بریتانیا است اما از مراکز مهم استقرار بمب افکن های سنگین آمریکا در اروپا محسوب می شود و در سال جاری برای عملیات نظامی آمریکا علیه ایران مورد استفاده قرار گرفته است. پیش تر سپاه پاسداران نیز هشدار داده بود پایگاه هایی که برای حمله به ایران استفاده شوند، از نگاه تهران «هدف مشروع» محسوب می شوند.

مارکوروبیو در مصاحبه با فاکس نیوز گفت آنچه در بریتانیا اتفاق افتاد بسیار جدی بود و مدعی شد: این پرونده «به وضوح» با دخالت یک «عامل خارجی» مرتبط است.

اونام ایران یا کشور دیگری را مستقیماً مطرح نکرد و برای این ادعا مدرکی ارائه نکرده است. به نقل از گاردین، پلیس ضد تروریسم بریتانیا نیز با ادبیاتی محتاطانه ترمی گوید یکی از خطوط تحقیق این است که مظنونان ممکن است «آگاهانه یا ناآگاهانه» به عنوان نیابتی یک دولت خارجی عمل کرده باشند؛ اما هنوز درباره انگیزه یا عامل خارجی به نتیجه قطعی نرسیده است. در همین حال، دونالد ترامپ از آزادی مظنونان انتقاد کرده و گفته:

آمریکا در چنین شرایطی آنان را آزاد نمی کرد.

وقتی از ترامپ مستقیماً درباره ارتباط پرونده با ایران سؤال شد، پاسخ داد «ممکن است»، اما از ارائه اطلاعات بیشتر خودداری کرد. در مقابل، سفارت ایران در لندن هرگونه ارتباط تهران با این

ماجراراً «قاطعانه» رد کرده است.

به گزارش آسوشیتدپرس، تحقیقات علاوه بر احتمال ارتباط با ایران، احتمال ارتباط با روسیه یا گروه‌های غیردولتی را نیز بررسی می‌کند.

آی‌تی‌وی نیوز یک خط تحقیق مشخص تر را گزارش کرده و نوشته یکی از فرضیه‌های مورد بررسی این است که نمایندگان یا عوامل مرتبط با ایران ممکن است به افراد دیگری برای اجرای عملیات پول پرداخت کرده باشند.

نیوزویک ماجرا را فراتر از یک پرونده امنیت داخلی بریتانیا و در چارچوب روابط آمریکا و ناتو در جنگ ایران تحلیل کرده است؛ استدلال اصلی آن این است که اگر ارتباط دولتی ایران با اجرای فرفورد اثبات شود، این پرونده می‌تواند برای ترامپ به ابزاری جهت افزایش فشار بر متحدان اروپایی و طرح جدی‌تر موضوع مشارکت و مسئولیت ناتو در قبال تهدیدهای ناشی از جنگ تبدیل شود.

جمع‌بندی

مهم‌ترین تغییر نسبت به گزارش‌های اولیه این است که فرضیه «توطئه بمب‌گذاری قریب‌الوقوع با مواد منفجره موجود در ون‌ها» تضعیف شده، اما فرضیه دخالت یک بازیگر خارجی همچنان فعال است. واشنگتن، به ویژه رویو و ترامپ، با قطعیت و لحن شدیدتری درباره ابعاد خارجی پرونده سخن می‌گوید؛ در حالی که پلیس و دولت بریتانیا هنوز محتاطند و رسماً مسئولیت را متوجه ایران نکرده‌اند.

برجسته‌سازی آسیب‌پذیری پایگاه‌های آمریکا، مصرف و کاهش ذخایر مهمات و اثر جنگ ایران بر آمادگی آمریکا برای یک درگیری احتمالی با چین در اقیانوس آرام

مکس بوت، نویسنده، تاریخ‌نگار نظامی و تحلیل‌گر سیاست خارجی آمریکایی، در یادداشتی در بخش دیدگاه واشنگتن پست استدلال می‌کند که جنگ با ایران یکی از فرض‌های بنیادین راهبرد نظامی آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم رازیر سؤال برده است؛ اینکه برتری هوایی آمریکا می‌تواند پایگاه‌های نزدیک به میدان نبرد و انبارهای بزرگ تدارکاتی مستقر در آنها را نسبتاً امن نگه دارد. به نوشته او، حملات موشکی و پهپادی ایران نشان داده است که پایگاه‌های ثابت آمریکا اکنون می‌توانند حتی در شرایط برخورداری واشنگتن از قدرت هوایی گسترده، هدف قرار گیرند و کارکرد عملیاتی خود را از دست بدهند.

بوت برای اثبات این موضوع به گزارش بازرس کل وزارت دفاع آمریکا استناد می‌کند که براساس آن، حملات ایران صدها ساختمان و سازه در پایگاه‌های آمریکا در کویت، بحرین، قطر، امارات، عربستان، عراق، عمان و اردن را تخریب یا آسیب‌زده و ده‌ها هواگرد آمریکایی نیز آسیب دیده یا

منهدم شده‌اند. او وضعیت مقر ناوگان پنجم آمریکا در بحرین را نمونه برجسته این آسیب‌پذیری می‌داند؛ به گونه‌ای که از نخستین روز جنگ از چرخه عملیاتی خارج شد و نیروی دریایی آمریکا برای پشتیبانی ناوگان خود ناچار شد بیشتر به دیگو گارسیا، در فاصله حدود ۲۲۰۰ مایلی متکی شود. این تغییر، هزینه و فاصله زمانی پشتیبانی لجستیکی را افزایش داده است.

نگرانی اصلی: ایران به مثابه هشدار برای جنگ احتمالی با چین

بخش مهم‌تر تحلیل واشنگتن پست اساساً درباره چین است. نویسنده می‌پرسد اگر ایران با توان موشکی و پهپادی خود توانسته چنین مشکلاتی برای شبکه پایگاه‌های آمریکا ایجاد کند، چین با زرادخانه بسیار بزرگ‌تر موشکی و پهپادی چه می‌تواند بکند؟ در یک درگیری در شرق آسیا، پایگاه‌های آمریکا در ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، فیلیپین، گوام و حتی هاوایی می‌توانند تحت حملات گسترده قرار گیرند. از نگاه بوت، از کار افتادن حتی موقت بخش مهمی از این شبکه می‌تواند توان آمریکا برای دفاع از تایوان را به شدت مختل کند.

این مسئله با گسترش پهپادهای ارزان، موشک‌های دقیق و هدایت مبتنی بر هوش مصنوعی تشدید می‌شود. مشکل آمریکا این است که دفاع از پایگاه‌های بزرگ و ثابت در برابر حجم زیادی از تسلیحات نسبتاً ارزان، بسیار پرهزینه است. بوت به نمونه حمله اخیر ایران به یک پایگاه آمریکا در اردن اشاره می‌کند که در پاسخ به آن، نیروهای آمریکایی به نوشته او ۶ تا ۷ موشک پاتریوت و بیش از ۱۲ رهگیر تادشلیک کردند. بنابراین حتی رهگیری موفق حملات نیز می‌تواند ذخایر محدود و گران قیمت پدافندی آمریکا را با سرعت زیادی مصرف کند؛ ذخایری که واشنگتن در سناریوی درگیری با چین، روسیه یا کره شمالی نیز به آنها نیاز خواهد داشت.

ضعف دیگر؛ حفاظت ناکافی از پایگاه‌ها

واشنگتن پست همچنین به تفاوت اقدامات آمریکا و چین برای حفاظت فیزیکی از هواگردها اشاره می‌کند. بوت با استناد به مطالعه مؤسسه هادسون می‌نویسد چین از اوایل دهه ۲۰۱۰ بیش از ۳ هزار آشیانه مستحکم و غیرمستحکم هواپیما ساخته، در حالی که آمریکا در شعاع هزار مایل دریایی تایوان تنها ۴۳ آشیانه ایجاد کرده است. از این منظر، هواپیماها، مهمات، سوخت و تجهیزات آمریکا در پایگاه‌های خط مقدم در برابر حملات انبوه آسیب‌پذیرند.

راهکار پیشنهادی تحلیل‌گر واشنگتن پست

بوت تعطیلی گسترده پایگاه‌های خارجی را راه حل مناسبی نمی‌داند، زیرا حضور نیروهای آمریکایی علاوه بر کارکرد نظامی، نقش سیاسی و بازدارندگی دارد. در مقابل، او چند تغییر را ضروری می‌داند: ساخت پناهگاه‌ها و آشیانه‌های مستحکم بیشتر، تقویت پدافند فعال و غیرفعال پایگاه‌ها،

توسعه سامانه های ارزان تر مقابله با پهپادها و افزایش تعداد پهپادهای دوربرد آمریکا. به ویژه پهپادهای دوربرد می توانند وابستگی به پایگاه های بزرگ نزدیک جبهه راکاهش دهند؛ زیرا می توان آنها را از فواصل دورتر یا حتی از زیر دریایی ها و واحدهای کوچک و متحرک به کار گرفت و در نتیجه نیاز به انباشت عظیم سوخت، مهمات و تدارکات در پایگاه های ثابت کاهش می یابد.

بازنمایی گاردین از فشار بر ایرانیان استرالیا در چارچوب ادعای «سرکوب فرامرزی» جمهوری اسلامی و برجسته سازی نگرانی های دیاسپورا از گسترش محدودیت های حکومتی

گزارش جدید و اختصاصی گاردین مدعی است فعالیت های اعتراضی برخی ایرانیان ساکن استرالیا، برای خودشان یا اعضای خانواده شان در ایران پیامد امنیتی و قضایی داشته است. این افراد از نظارت، تهدید، فشار بر خانواده و اقدامات مالی و قضایی سخن گفته اند؛ موضوعی که در استرالیا در چارچوب «سرکوب فرامرزی» مورد بحث قرار گرفته است.

یکی از مهم ترین موارد، شخصی به نام سعید زند، معمار ساکن ملبورن و از برگزارکنندگان تجمعات مخالف جمهوری اسلامی است. به گفته او، مادرش در ایران در اواخر مارس (اواخر اسفند ۱۴۰۴ و اوایل فروردین ۱۴۰۵) تماسی از شماره ناشناس دریافت کرده که طی آن فرد تماس گیرنده خواسته بود پسرش فعالیت های خود در استرالیا را متوقف کند.

مورد دوم که از نظر اسنادی مهم تر، یک پژوهشگر حیات وحش ساکن ملبورن به نام مهدی نبیان است. او پس از اعتراضات ژانویه (دی ماه ۱۴۰۴)، در تجمعات استرالیا شرکت کرده و تصاویر آنها را در اینستاگرام منتشر کرده بود. نویسنده گزارش گاردین مدعی است ایمیل های بانک سامان خطاب به نبیان را مشاهده کرده که براساس آنها در ماه ژوئن، در پی دستور قضایی صادر شده از سوی یکی از شعب دادسرای عمومی و انقلاب، مبالغی از حساب های او برداشت شده است. نبیان همچنین گفته یارانه دولتی خانواده اش متوقف شده است. مایک برجس، مدیرکل سازمان اطلاعات امنیت استرالیا، آزار شهروندان و دارندگان اقامت دائم از سوی دولت های خارجی را از تهدیدهای امنیتی این کشور دانسته است. در همین حال، کمیته روابط خارجی، دفاع و تجارت سنای این کشور در حال بررسی موضوعی است که از آن با عنوان «سرکوب فرامرزی» یاد می کنند و نیز تأثیر مداخلات خارجی بر جوامع مهاجر را مورد بررسی قرار می دهد.

لازم به ذکر است؛ ای بی سی استرالیا نیز در آوریل ۲۰۲۶ (فروردین - اردیبهشت ۱۴۰۵) گزارش مشروحی درباره ادعای «سرکوب فرامرزی» منتشر کرده بود. بر پایه این گزارش، صبا و اصفی، روزنامه نگار و پژوهشگر ایرانی - استرالیایی، گفته بود با آزار هماهنگ آنلاین روبه رو شده و وزارت کشور استرالیا در پی شکایت این مهاجر ایرانی، یکی از افرادی را که مرتباً او را آزار می داد، شناسایی

کرده بود. ای بی سی همچنین گزارش کرده بود برجس پیش تر نسبت به احتمال اقدام برخی دولت های خارجی برای ترور مخالفان در خاک استرالیا هشدار داده بود.

یک سند رسمی جدیدتر پارلمان استرالیا درباره فعالیت های منتسب به سپاه نیز می گوید کمیته پارلمانی شهادت ها و گزارش هایی درباره نظارت، آزار، ارباب و تهدید افراد منتقد جمهوری اسلامی در استرالیا دریافت کرده است. این سند تأکید می کند چنین رفتارهایی در صورت اثبات می تواند مشمول جرایم مرتبط با مداخله خارجی در قوانین استرالیا شود.

سه هدف قابل ارزیابی از فضا سازی رسانه ها و دولت استرالیا علیه ایران

نخست، برجسته سازی روایت سرکوب فرامرزی با تکیه بر مصاحبه ها و اسناد، هدفی جز مشروعیت زدایی از جمهوری اسلامی و ایجاد فشار سیاسی- رسانه ای برای محدود کردن حضور و نفوذ فرهنگی، اجتماعی و مذهبی ایرانیان مهاجر در استرالیا ندارد.

دوم، پرونده سازی درباره تهدید، نظارت و اقدامات قضایی- مالی، ابزاری برای کشاندن افکار عمومی به حمایت از سیاست های سخت گیرانه، تحریم های بیشتر و محدودیت های امنیتی علیه جمهوری اسلامی و نهادهای منتسب به آن در سطح بین المللی است.

سوم، برجسته سازی نگرانی دیاسپورا و مداخله خارجی، تلاشی برای همراه کردن جوامع مهاجر با اهداف امنیتی- سیاسی غرب، تضعیف مشروعیت جمهوری اسلامی و توجیه حضور اطلاعاتی- نظامی بیشتر در استرالیا و منطقه از طریق رسانه ها و اسناد است.

معرفی برنامه بلند مدت تفنگداران دریایی آمریکا

برنامه بلند مدت تفنگداران دریایی آمریکا موسوم به GCE ۲۰۴۰ سندی است که مسیر تحول نیروهای رزمی زمینی این نیرو تا سال ۲۰۴۰ را مشخص می کند. به گزارش میلیتاری، این طرح در امتداد برنامه «Force Design» تدوین شده و هدف آن آماده سازی تفنگداران دریایی برای نبرد با رقبای هم سطح و برخورد از پهپاد، هوش مصنوعی، جنگ الکترونیک و تسلیحات دوربرد است.

افزایش شدید برد آتش در سطح واحدهای کوچک

تفنگداران دریایی می خواهند نیروهای زمینی بتوانند اهداف رادرفواصل بسیار بیشتر، از جمله تا حدود ۲۰ کیلومتر، با مهمات دقیق هدف قرار دهند؛ قابلیتی که پیش تر عمدتاً در اختیار رده های بالاتر بود. در کنار آن، گسترش تسلیحات دقیق و دوربرد ارگانیک قرار است وابستگی واحدهای زمینی به پشتیبانی خارجی را کاهش دهد.

مقابله با تهدید پهپادها

تجربه جنگ های اخیر نشان داده است که تجمع نیروها، خودروها و مراکز فرماندهی به سرعت

توسط پهپادها و سامانه‌های شناسایی کشف می‌شود. بنابراین این برنامه بلندمدت بر واحدهای پراکنده، متحرک و دشوار برای کشف و انهدام تأکید دارد و در سطح جوخه‌ها و واحدهای کوچک نیز توسعه سامانه‌های دفاع هوایی زمینی و ضد پهپادی دنبال می‌شود.

ورود گسترده هوش مصنوعی، رباتیک و سامانه‌های خودمختار به میدان زمینی

این طرح پیش بینی می‌کند واحدها به گره‌های پردازشی مقاوم در لبه میدان نبرد مجهز شوند تا حتی در محیط‌هایی که ارتباط با شبکه‌های مرکزی مختل شده بتوانند از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای پردازش اطلاعات، شناسایی اهداف و تسریع تصمیم‌گیری استفاده کنند. در عین حال، سند رسمی تأکید می‌کند فناوری قرار نیست جایگزین قضاوت انسانی شود و تفنگدار همچنان هسته اصلی نیروی رزمی باقی می‌ماند.

اسناد رسمی تفنگداران دریایی نشان می‌دهد GCE ۲۰۴۰ اساساً برای میدان نبردی طراحی شده که در آن حسگرهای فراگیر، پهپادها، جنگ سایبری و الکترونیک، تسلیحات انرژی هدایت شده، آتش دقیق دوربرد و سامانه‌های هوش مصنوعی حضور دائمی دارند. در چنین محیطی، یگان‌های بزرگ و متمرکز آسیب پذیرترند؛ بنابراین تفنگداران به سمت نیروهای کوچک‌تر، پراکنده‌تر و شبکه‌شده حرکت می‌کنند که بتوانند سریع کشف، تصمیم‌گیری و شلیک کنند.

در عین حال، برخلاف این تصور که آینده تفنگداران دریایی کاملاً به نبرد موشکی دوربرد تبدیل خواهد شد، سند تأکید می‌کند تصرف و حفظ زمین همچنان مأموریت اصلی نیروی زمینی باقی می‌ماند. به ویژه در مناطق ساحلی، نیروها باید بتوانند نقاط کلیدی را تصرف و نگهداری کرده و از آنجا در عملیات «ممانعت دریایی» و کنترل دریا به نیروی دریایی آمریکا کمک کنند.

سرویس پژوهشی کنگره آمریکا نیز موضوع را از زاویه متفاوتی بررسی کرده و می‌گوید اجرای این سند می‌تواند برای کنگره پرسش‌هایی درباره تعداد نیروهای تفنگداران و نیروی دریایی، تغییر تخصص‌های نظامی، سازمان‌دهی واحدهای پیاده، زمان‌بندی توسعه سامانه‌های جدید و توازن میان نیروهای فعال و ذخیره ایجاد کند. به عبارت دیگر، این سند صرفاً درباره خرید پهپاد و سلاح جدید نیست و ممکن است ساختار نیروی انسانی تفنگداران دریایی را نیز تغییر دهد.

جمع‌بندی

این نقشه راه، تصویری از تفنگداران دریایی آینده به عنوان نیروی زمینی کوچک‌تر، پراکنده‌تر، متحرک‌تر و دارای قدرت آتش بسیار بیشتر ارائه می‌دهد که با شبکه‌ای از پهپادها، ربات‌ها، حسگرها و هوش مصنوعی کار می‌کند. تفاوت مهم با برخی تصورات قبلی این است که تفنگداران نمی‌خواهند نیروی انسانی را با فناوری جایگزین کنند؛ بلکه هدف، افزایش توان هر واحد کوچک برای کشف هدف، تصمیم‌گیری، شلیک دقیق، مقابله با پهپاد و ادامه عملیات در شرایط اختلال شبکه و جنگ الکترونیک است.

طرح موضوع دستور وزیر جنگ ایالات متحده برای مقابله پنتاگون با مداخله خارجی در انتخابات پیش روی آمریکا

آکسیوس در گزارش اختصاصی خود از دستور بیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، خبر داد که بر اساس آن ظرفیت های اطلاعاتی، سایبری و هوش مصنوعی پنتاگون برای مقابله با مداخله خارجی در انتخابات پیش روی آمریکا به کار گرفته می شود. این دستور در یادداشتی به تاریخ ۲۲ سپتامبر صادر شده و به گفته مقام های آمریکایی، قرار است از پیشرفته ترین قابلیت های هوش مصنوعی موجود برای شناسایی تهدیدها استفاده شود.

دستور هگست از سه بخش اصلی زیر تشکیل شده است:

❖ اولویت دادن به توان اطلاعاتی و سایبری برای شناسایی، اخلاص و خنثی سازی مداخله بازیگران خارجی

❖ مأموریت دادن به مجموعه اطلاعات دفاعی آمریکا برای جمع آوری و تولید اطلاعات درباره تهدیدهای خارجی علیه انتخابات

❖ اجرای عملیات مشترک فرماندهی سایبری آمریکا و وزارت امنیت داخلی برای مقابله با حملات سایبری احتمالی علیه فرایند انتخابات

در رابطه با همین روند، آکسیوس نوشته است که این اقدام در امتداد فرمان اجرایی سال ۲۰۲۵ دونالد ترامپ درباره «حفظ و حراست از تمامیت انتخابات آمریکا» و همچنین پس از اظهارات او درباره ادعای دخالت چین در انتخابات ۲۰۲۰ صورت گرفته؛ ادعایی که چین رد کرده است. در عین حال، این نوع فعالیت کاملاً بی سابقه نیست و پیش از انتخابات میان دوره ای ۲۰۲۲ نیز فرماندهی سایبری و آژانس امنیت ملی آمریکا مأمور مقابله با عملیات خارجی برای تأثیرگذاری بر رأی دهندگان شده بودند.

گفته می شود دستور جدید به اعزام نیروهای نظامی به حوزه های رأی گیری یا توقیف دستگاه های رأی گیری مربوط نمی شود و مأموریت اعلام شده بر تهدیدهای خارجی و حوزه سایبری و اطلاعاتی متمرکز است. آکسیوس همچنین این تحول را نشانه ای از تثبیت هوش مصنوعی، دفاع شبکه ای و عملیات سایبری به عنوان مأموریت های اصلی پنتاگون ارزیابی می کند.

برآیند

علاوه بر چین، در محافل سیاسی ایالات متحده همواره ادعاهایی درباره دخالت انتخاباتی کشورهای دیگر، از جمله روسیه و ایران، مطرح بوده است. با توجه به منازعه با ایران، این احتمال وجود دارد که دولت ترامپ و جمهوری خواهان خطر نفوذ سایبری ایران در سامانه های انتخاباتی آمریکا را برجسته کنند تا از این طریق، از یک سو برای اقدامات نظامی احتمالی آینده علیه ایران در

میان مالیات دهندگان آمریکایی مشروعیت بسازند و از سوی دیگر، شکست انتخاباتی احتمالی راناشی از دخالت نیروهای خارجی در انتخابات آمریکا نشان دهند.

واکنش‌ها و فضا سازی رسانه‌های معاند و ضد انقلاب

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ موج سواری رسانه‌ای و بازتاب گسترده تجمع اعتراضی در دانشگاه علامه طباطبائی با برجسته سازی شعارهای تند پیرامون موضوعات اقتصادی، سیاسی و حجاب
- ❖ تلاش برای تبدیل تجمع صنفی اعتراضی در دانشگاه علامه طباطبائی به نقطه آغاز اعتراضات عمومی با بازنمایی آن به عنوان «شروع رسمی دور جدید اعتراضات» و «آغاز اعتراضات دانشجویی»
- ❖ طرح ادعای ممنوعیت تحصیل برای ۱۶۵ دانشجوی دانشگاه الزهرا از ابتدای سال تحصیلی و بازنمایی آن ذیل تشدید سرکوب گسترده دانشجویان و ترس حاکمیت از اعتراضات در دانشگاه‌ها
- ❖ اعتبارزدایی از طرح عبارت «تبدیل ایران به قدرت اول دنیا در محاسبات الهی» در پیام دیروز رهبر انقلاب با متهم سازی ایشان به توهم، انکار واقعیت و گسست از واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی
- ❖ برجسته سازی مشکلات اقتصادی، زیرساختی و نظامی کشور در واکنش به طرح گزاره «قدرت اول جهان در محاسبات الهی» در پیام روز گذشته رهبر انقلاب
- ❖ انگاره سازی از نگران و ترسی ج.ا.ا نسبت به بازگشت پهلوی در واکنش به تأکید پیام روز گذشته رهبر انقلاب بر عدم بازگشت حکومت پهلوی
- ❖ القای تناقض میان گزاره «قدرت اول جهان» در پیام روز گذشته رهبر انقلاب و عدم حضور علنی ایشان در انظار عمومی
- ❖ گمانه زنی درباره آینده دکتترین هسته‌ای ایران در مصاحبه اختصاصی دویچه وله فارسی با ۴ چهره سیاسی مخالف ج.ا.ا با طرح دونهاده ادعای تداوم هدف دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و تأکید بر نبود شواهد قطعی درباره اتخاذ چنین تصمیمی

رصد و تحلیل

ارزیابی عملیات روانی و رسانه‌ای جریان ضد انقلاب پیرامون تجمع روز گذشته دانشگاه علامه طباطبائی؛ تلاش برای تبدیل تجمع صنفی درون دانشگاهی به به نقطه آغاز دور جدید اعتراضات

تجمع اعتراضی روز گذشته در دانشگاه علامه طباطبائی آن هم در روزهای آغازین سال تحصیلی جدید نشان از بسترو ظرفیت اعتراضی بالقوه در دانشگاه‌ها برای شروع تجمعات در فضای عمومی جامعه دارد. اهمیت این رخداد را نباید صرفاً بر تجمع برگزار شده در دانشگاه علامه دانست بلکه بازتاب و بازنمایی رسانه‌ای آن توسط رسانه‌های معاند نشان از تلاش این جریان برای تبدیل آن به نقطه

آغاز یک اعتراضات عمومی دارد. در این چارچوب تجمعات اعتراضی در دانشگاه‌ها دیگر مطالبات دانشجویی نیست، بلکه بستری برای پیوند نارضایتی‌های صنفی با مسائل اجتماعی و سیاسی و پیشبرد آن از طریق قشر دانشجو (با مختصات و ویژگی‌های منحصر به فرد خود) است.

جرقه آغاز تجمع؛ مطالبات صنفی دانشگاهی

بر اساس مجموعه ویدئوها و مطالب منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، جرقه اولیه تجمع دانشگاه علامه عمدتاً از مسائل مستقیم و ملموس دانشجویان شکل گرفت. افزایش شهریه دانشجویان شبانه و سنواتی، وضعیت ارزاق و اسکان خوابگاه‌ها، خدمات تغذیه و مشکلات رفاهی دانشگاه از مهم‌ترین محورهای مطرح شده بودند. شعارهایی مانند «دانشگاه پولکی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم»، «بارتبه‌های عالی، تو خوابگاه پوشالی» و «ریاست دانشگاه، پاسخگو پاسخگو» نیز عمدتاً به هزینه‌های تحصیل، وضعیت رفاهی و مطالبه پاسخ‌گویی مدیریت دانشگاه مربوط بودند. بنابراین، نقطه شروع تجمع را باید در مجموعه‌ای از مطالبات صنفی و مسائل روزمره دانشجویان جست‌وجو کرد؛ مسائلی که امکان بسیج اولیه دانشجویان را در محیط دانشگاه فراهم کرده‌اند. اما طرح یک ادعای تأیید نشده درباره تهدید دانشجویان به «توی گونی شدن» از سوی فردی منتسب به بسیج، فضای تجمعات و بازتاب رسانه‌ای آن را وارد مرحله جدیدی کرد.

تغییر جهت روایت رسانه‌ای ضد انقلاب؛ از مطالبه صنفی تا «آغاز اعتراضات» با برجسته‌سازی حجاب و مشکلات اقتصادی

روند بازتاب تجمع مذکور در رسانه‌ها و کانال‌های معاند نشان می‌دهد که جریان مذکور به تدریج فضای اعتراضی تجمعات را از مطالبات صنفی و دانشگاهی جدا کرده و به سمت موضوعات دارای ظرفیت اجتماعی گسترده‌تر مانند مشکلات اقتصادی (گرانی، تورم و غیره) و حجاب کشانده است. در همین رابطه شعارهای نسبتاً تند و با مضامین سیاسی «مرگ بر استبداد، حجاب و گشت ارشاد»، «بیکاری، بیگاری، حجاب زن اجباری»، «خیابونا غرق خون، استادامون خفه خون» و «شعارشون گفت وگو، تفنگ‌شون سمت ماست» از سوی این رسانه‌ها برجسته شد. به موازات آن برخی کانال‌های ضدانقلاب با گزاره‌هایی چون «شروع رسمی دور جدید اعتراضات» و «آغاز اعتراضات دانشجویی» سعی کردند تجمع دانشگاه علامه به نشانه‌ای از «آغاز مرحله‌ای تازه از اعتراضات» تعمیم دهند. بنابر رصدها و همچنین راستی‌آزمایی‌های صورت گرفته توسط برخی رسانه‌های داخلی از جمله روزنامه فرهیختگان، رسانه‌های ضدانقلاب برای دمیدن بیشتر بر هیجان و التهاب تجمع دانشگاه علامه، از ویدئوهای قدیمی اعتراضات دانشگاه‌ها در سال ۱۴۰۱ و ویرال شعارهای ساختارشکنی چون «تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود» استفاده کردند.

روایت سازی از تشدید سرکوب دانشجویان در دانشگاه الزهرا

این در شرایطی است که صبح روز دوشنبه رسانه‌های ضدانقلاب حوزه دانشجویی همچون «خبرنامه امیرکبیر» و «دانشجویان متحد» با انتشار گزارش‌های مشابهی ادعا کردند که مجموعاً تا ابتدای آغاز سال تحصیلی ۱۶۵ نفر از دانشجویان دانشگاه الزهرا بدون آنکه حکمی از سوی کمیته انضباطی برای آن‌ها صادر شده باشد و صرفاً با دستور رئیس دانشگاه، از ورود به این دانشگاه و ادامه تحصیل منع شدند. این ادعا در رسانه‌های معاند همزمان با تجمعات اعتراضی دانشگاه علامه طباطبائی بازتاب قابل توجهی پیدا کرده و تحت گزاره‌هایی چون «احکام سنگین انضباطی»، «تشدید سرکوب گسترده دانشجویان با همدستی دولت پزشکیان و اطلاعات سپاه»، «ترس حاکمیت از اعتراضات در دانشگاه‌ها» بازنمایی شد.

ارزیابی تحلیلی

از منظر تحلیلی اهمیت تجمع دانشگاه علامه را باید در ظرفیت آن برای تبدیل یک نارضایتی محدود و موضعی به یک «نقطه اتصال» میان مطالبات صنفی، اجتماعی و سیاسی ارزیابی کرد. جریان معاند از قبل این اتفاق برای ایجاد یک کانون اولیه اعتراض و سپس افزایش دامنه آن از محیط دانشگاه به فضای اجتماعی بهره خواهد برد. مسائل اقتصادی و معیشتی و همچنین موضوع پوشش و حجاب، از جمله موضوعات حساسیت‌زا و جنجال‌برانگیزی است که هم ظرفیت بازتولید فضای اعتراضی را دارد و هم می‌تواند اعتراضات را از محیط دانشگاهی به جامعه و فضای عمومی و خیابان‌ها بکشانند. بنابراین احتمال تداوم تجمعات اعتراضی در دانشگاه علامه و یا سرایت این تجمعات به دیگر دانشگاه‌ها را باید جدی گرفت. در صورت شکل‌گیری تجمع‌های مشابه، امکان آن وجود دارد که مسائل اقتصادی و موضوعات حساس اجتماعی به عنوان محرک‌های اولیه عمل کرده و مطالبات دانشگاهی را به اعتراضات گسترده‌تر پیوند دهند.

اعتبارزدایی رسانه‌ها و صفحات ضدانقلاب از پیام رهبر انقلاب با طرح اتهام توهم، گسست از واقعیت و نگرانی از بازگشت پهلوی

مرور و رصد تولیدات رسانه‌ای رسانه‌های معاند و ضدانقلاب و عناصر سیاسی و رسانه‌ای آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که پس از انتشار پیام روز گذشته رهبر انقلاب به مناسبت هفته دفاع مقدس و سالگرد شهادت سید حسن نصرالله، این جریان به دنبال اعتبارزدایی از پیام ایشان است. در این زمینه مواردی نظیر «تبدیل ایران به قدرت اول جهان بر مبنای محاسبات الهی» و «عدم بازگشت به دوره پیش از انقلاب و حکومت پهلوی» مستمسک این جریان برای بی‌اعتبارسازی پیام رهبری بود.

۱. طرح اتهام توهم و انکار واقعیت با ادبیات تمسخر و استهزاء

مراد ویسی در ایران اینترنشنال طرح گزاره «ابر قدرت اول جهان» از سوی رهبر انقلاب را ذیل «قطع ارتباط با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران» بازنمایی کرد و ایشان را «متوهم» و حتی «متهم‌تر از پدرش» خواند. علاوه برخی صفحات معاند کلیت دستگاه فکری ج.ا.ا را مبتنی بر توهم و انکار واقعیت توصیف کردند و بعضاً با عبارات توهین آمیز نگاه رهبر انقلاب را مورد تمسخر قرار دادند.

۲. برجسته‌سازی مشکلات و چالش‌های کشور برای زیر سؤال بردن گزاره «قدرت اول دنیا»

تعداد زیادی از صفحات و کاربران و عناصر رسانه‌ای جریان ضدانقلاب در شبکه‌های اجتماعی در برابر تعبیر «قدرت اول جهان»، مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی و زیرساختی از جمله کاهش ارزش ریال، محدودیت فروش نفت، قطع ارتباط بانکی، لغو پروازها، بحران برق، آب و گاز و ادعای محاصره هوایی و دریایی را مطرح کردند تا میان تصویر ارائه شده در پیام و وضعیت مورد موجود جامعه تناقض ایجاد کنند.

۳. انگاره‌سازی از نگرانی ج.ا.ا نسبت به بازگشت پهلوی

کامیار بهرنگ، کارمند ایران اینترنشنال اشاره رهبر انقلاب به حکومت پهلوی و همچنین تکرار واژه «پهلوی» در ادبیات رسمی ج.ا.ا را این گونه تفسیر کرده که «ج.ا.ا نسبت به بازگشت پهلوی و تکرار آن دوره نگران است». برخی کاربران سلطنت طلب نیز ادعا کردند که ترس اول و آخر ج.ا.ا بازگشت پادشاهی به ایران است.

۴. برجسته‌سازی شکاف میان گزاره «قدرت اول دنیا» و فقدان حضور رهبری در انظار عمومی

مهدی مهدوی آزاد در ایران اینترنشنال به دنبال القای تناقض میان گزاره «قدرت اول جهان» و عدم حضور علنی رهبر انقلاب در انظار عمومی و این پرسش را مطرح کرد که محل حضور ایشان کجاست و در چه شرایطی قرار دارد؟ مراد ویسی نیز با تکرار همین شکاف، گزاره «زندگی تونلی» را برای رهبر انقلاب به کار برد.

گمانه‌زنی درباره آینده دکترین هسته‌ای ایران در مصاحبه اختصاصی دویچه وله فارسی

با ۴ چهره سیاسی مخالف ج.ا.ا

پایگاه معاند دویچه وله فارسی اخیراً در گزارشی با عنوان «آیا جمهوری اسلامی دکترین هسته‌ای خود را بازنویسی خواهد کرد؟» در گفت و گویی اختصاصی با چهار شخصیت اپوزسیون ج.ا.ا از جمله دو چهره آمریکایی یعنی جان بولتون و تیم بوش، به بررسی آینده دکترین هسته‌ای ایران پرداخته است. مجموعه دیدگاه‌های طرح شده در گزارش اخیر دویچه وله فارسی «احتمال رویکرد تهران در موضوع هسته‌ای» چهار زاویه متفاوت و مختلف را نشان می‌دهد:

❖ جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در دولت اول ترامپ مدعی است ج.ا.ا هیچ گاه هدف دستیابی به سلاح هسته‌ای قابل حمل و شلیک راکنار نگذاشته و برنامه تسلیحاتی ایران متوقف نشده و نبود دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به پایگاه‌های نظامی، امکان ارزیابی کامل فعالیت‌های مرتبط با تسلیحاتی سازی را از بین برده است. بولتون همچنین بر این باور است که خروج ایران از ان پی تی تفاوت بنیادی ایجاد نمی‌کند، زیرا به ادعای او ایران بیش از سه دهه این پیمان را نقض کرده است.

❖ دامون گلریز، پژوهشگر روابط بین‌الملل در انستیتو ژئوپولیتیک لاهه، تغییر دگرترین بازدارندگی ایران را محتمل می‌داند. از نگاه او، حملات نظامی یک سال اخیر به ایران و ضربه به شبکه نیروهای مقاومت، توان موشکی و ساختار فرماندهی ج.ا.ا، کارآمدی الگوی پیشین بازدارندگی را برای ایران زیر سؤال برده است. گلریز مدعی است پس از شهادت رهبر انقلاب، مانع سیاسی پیشین در برابر دستیابی به بمب اتم اهمیت خود را از دست داده و ساخت و انباشت سلاح هسته‌ای می‌تواند به پایه‌ای برای بازسازی بازدارندگی در ایران تبدیل شود.

❖ امید شکری، پژوهشگر انرژی در دانشگاه جرج میسون، میان افزایش بحث‌های راهبردی در تهران و تصمیم عملیاتی برای ساخت سلاح هسته‌ای تفاوت قائل است. او تأکید می‌کند هیچ مستند اطلاعاتی یا تأیید رسمی درباره تصمیم قطعی ایران برای ساخت سلاح یا جایگزینی بازدارندگی مستقیم هسته‌ای با دگرترین قبلی وجود ندارد. به گفته شکری، فشار برای بازنگری در دگرترین افزایش یافته، اما این تغییر هنوز تثبیت و اثبات نشده است. او در عین حال مسیر تسلیحاتی سازی را پرریسک و همراه با احتمال تشدید تحریم‌ها و فشار نظامی می‌داند.

❖ تیم بوش، مدیرعامل گروه بردواچر، معتقد است سکوت رهبری جدید انقلاب درباره فتوای هسته‌ای، هم‌زمان با تهدیدات برخی مقامات ایرانی در حوزه هسته‌ای نشانه‌ای قابل توجه است؛ با این حال، او مدرک قطعی برای تغییر دگرترین هسته‌ای ایران نمی‌بیند. بوش بر محدود شدن امکان راستی‌آزمایی تأکید دارد و می‌گوید بدون دسترسی به مراکز هسته‌ای، ادعای قطعیت درباره تصمیم ایران دشوار است. او همچنین مرحله فاصله میان دستیابی به مواد هسته‌ای کافی و ساخت بمب عملیاتی را خطرناک‌ترین مقطع می‌داند و خروج ایران از ان پی تی را دارای پیامدهای فوری و شدید امنیتی ارزیابی می‌کند.

بررسی و ارزیابی روندهای اقتصادی و معیشتی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی استعفای معلمان و پرستاران در ایران اینترنشنال با پیوند مشکلات معیشتی، فشارهای اداری و برخورد با فعالان صنفی
- ❖ بازنمایی خروج معلمان و پرستاران در صدای آمریکا به عنوان پیامد کاهش جذابیت استخدام دولتی و دشواری نگهداشت نیروی متخصص
- ❖ اعتباربخشی به روایت بحران نیروی درمان با بازتاب آمار خروج سالانه پنج هزار پرستار، همراه با تصریح به فقدان آمار جامع استعفا
- ❖ القای فراگیری بحران خدمات عمومی با تکرار عبارت «شدیدترین موج استعفا در ۷۲ ساعت» در حساب‌های دارای گرایش براندازی
- ❖ سیاسی‌سازی مطالبات شغلی در دُرّتی‌وی با انتشار ویدئوهای استعفا ذیل هشتگ «انقلاب ایران» و پیوند نارضایتی با براندازی
- ❖ هراس افکنی درباره سرایت استعفاها به بخش انرژی با طرح سناریوی «فروپاشی از نوع شوروی» در واکنش‌های کاربران مخالف
- ❖ بازتاب تقابل روایت‌ها درباره استعفا با طرح پیشنهاد اعتصاب جمعی، تشکیک در فراگیری موج و مخالفت با امنیتی‌کردن مطالبات
- ❖ طرح ادعای هدایت شبکه فساد نفتی توسط مصطفی احمدی در ایران اینترنشنال با پیوند مسئولیت‌های امنیتی او به تجارت نفت
- ❖ القای تعارض منافع در رسیدگی به پرونده تراستی‌ها با معرفی اطلاعات سپاه به عنوان نهاد هم‌زمان متهم و مسئول بررسی
- ❖ طرح ادعای بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی بدهی تراستی‌ها براساس منافع نهادهای نظارتی با استناد به سند منتسب به شورای عالی امنیت ملی
- ❖ متهم‌سازی محمدجواد باوند به تضمین منافع شبکه ادعایی با برجسته‌سازی واگذاری ۸۶ میلیون بشکه نفت به چهار تراستی بدهکار
- ❖ بازنمایی پیوند فساد نفتی و مناسبات بانکی با طرح ادعای حمایت باوند از مومنین و جلوگیری از پیگیری بدهی‌های وی
- ❖ اعتباربخشی به اتهامات ایران اینترنشنال با تلفیق اسناد منتسب به نهادهای رسمی، منابع بی‌نام و اظهارات علنی مسئولان درباره تخلفات
- ❖ طرح ادعای مهار رسانه‌ای پرونده تراستی‌ها با نسبت دادن حذف اخبار مهر و همشهری به جلسه

محرمانه مسئولان مرتبط با سپاه

- ❖ برجسته سازی تداوم تأخیر تسویه های میلی گلد با بازتاب انتظار بیش از دو هفته ای برخی مشتریان و انتشار تصاویر تجمع مقابل شرکت
- ❖ مقصرنمایی نهادهای نظارتی در اطلاعیه میلی با ادعای کارشکنی، مسدودسازی بیش از ۸۵ کیلوگرم طلا و محدودسازی درگاه های پرداخت
- ❖ تشکیک اقتصاد ۲۴ در کفایت اسناد پشتوانه میلی با تأکید بر قدمت رسیده ها و فقدان اطلاعات برداشت ها و مانده جمعیتی
- ❖ هراس افکنی درباره نابودی پس انداز مشتریان با تبدیل تأخیر پرداخت به ادعاهای اثبات نشده ورشکستگی و ازدست رفتن قطعی دارایی های آنان
- ❖ بازنمایی تشدید بحران میلی گلد با باز نشر ادعاهای تأیید نشده ضرب و شتم و تخریب دفتر در کنار روایت ناتوانی مشتریان در تأمین مخارج
- ❖ القای ناامنی سرمایه گذاری در سکوهای آنلاین طلا با تعمیم مشکلات میلی گلد و دعوت کاربران به خروج سرمایه و نگهداری طلای فیزیکی
- ❖ سیاسی سازی اعتراض مشتریان توسط کاربران معاند با نسبت دادن اختلال تسویه به فساد ساختاری و بازنمایی آن به عنوان دومینوی سقوط جمهوری اسلامی
- ❖ برجسته سازی اعلام مسدودسازی حدود ۵۵۰ میلیون دلار دارایی مرتبط با ایران توسط تتر در چارچوب همکاری با نهادهای آمریکایی
- ❖ بازنمایی تتر به عنوان همکار اجرای تحریم ها با تأکید مدیرعامل شرکت بر قابلیت رهگیری بلاکچین و مسدودسازی دارایی بازیگران تحریم شده
- ❖ طرح ادعای رویترز درباره نقش تتر در «بانکداری سایه ایران» با استناد به بررسی کیف پول های تحریم شده توسط کمیته سنا
- ❖ اعتباربخشی به مطالبه تشدید نظارت بر تتر با برجسته سازی تراکنش ۸۴ درصد کیف پول های بررسی شده با این رمزارز در گزارش سنا
- ❖ بازتاب مطالبه بلومنتال برای بررسی فعالیت تتر توسط خزانه داری و وزارت دادگستری در امتداد تمرکز آمریکا بر مسیرهای دورزدن تحریم ها
- ❖ بازتاب گزارش رویترز درباره معافیت احتمالی پروازهای ایران - نجف با تمرکز بر کاهش فشار سیاسی اجرای تحریم ها بر دولت عراق
- ❖ برجسته سازی محدود بودن معافیت پیشنهادی به شرکت هواپیمایی عراق و دوره یک ماهه در کنار احتمال تمدید و فقدان تأیید خزانه داری آمریکا

- ❖ بازنمایی ممنوعیت پروازها به عنوان زمینه همگرایی اعتراضی پیروان رهبر ایران و آیت الله سیستانی و تضعیف تلاش آمریکا برای کاهش نفوذ تهران
- ❖ برجسته سازی پیشنهاد تضمین های نظارتی بغداد شامل بازرسی سخت گیرانه و تبادل اطلاعات برای جلوگیری از انتقال سلاح، افراد تحریم شده و پول غیرقانونی
- ❖ برجسته سازی کاهش سهم کالا برگ از تأمین سبد غذایی از ۴۴ به ۲۶ درصد در دنیای اقتصاد با وجود گسترش پوشش جمعیتی
- ❖ انتقاد از اجرا نشدن تعدیل اعتبار کالا برگ در فروردین و تیر با تأکید بر تضعیف اعتماد به سیاست های جبرانی
- ❖ بازتاب ناهمخوانی برآورد افزایش اعتبار کالا برگ در متن و نمودار گزارش دنیای اقتصاد با مقایسه ارقام ۶۹ و ۸۶ درصدی
- ❖ برجسته سازی شکاف منابع برآوردی و تحقق ثبت شده کالا برگ با اشاره به ثبت نشدن بخشی از منابع و تخصیص نیافتن مازاد ارز نفتی
- ❖ بازنمایی فشار تأمین مالی کالا برگ با برجسته سازی مطالبات ۳ هزار میلیارد تومانی فروشگاه ها و نیازشش ماهه بیش از ۶۰ همت
- ❖ وزن دهی به پیشنهاد مرکز پژوهش های مجلس برای افزایش اعتبار دهک های پایین تا ۶۰ درصد در برابر ناکفایتی افزایش یکسان ۲۵ درصدی
- ❖ برجسته سازی کاهش ذخایر راهبردی نفت آمریکا به ۲۸۳٫۸ میلیون بشکه در رویترز و اوایل پرایس به عنوان پایین ترین سطح از سال ۱۹۸۲
- ❖ بازنمایی افت ذخایر آمریکا در چارچوب آزاد سازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت و برنامه هماهنگ اعضای آژانس بین المللی انرژی برای مدیریت بازار
- ❖ برجسته سازی هشدار تحلیلگر شورای آتلانتیک درباره اثر معکوس برداشت مستمر از ذخایر با تقویت تصور کاهش گزینه های دولت در مدیریت بحران
- ❖ تصویر سازی مثبت فورچن از موقعیت نفتی عربستان با بازتاب ارزیابی رابین بروکس درباره احتمال تبدیل ریاض به تنها برنده جنگ ایران
- ❖ برجسته سازی افزایش درآمد سالانه شده صادرات نفت عربستان از ۱۵۰ به نزدیک ۲۱۰ میلیارد دلار با وجود کاهش حجم صادرات
- ❖ اعتبار بخشی به نقش خط لوله شرق - غرب در احیای صادرات عربستان با برجسته سازی انتقال روزانه ۳٫۵ میلیون بشکه از مسیر ینبع
- ❖ بازنمایی حمایت نظامی آمریکا از نفتکش ها در فورچن به عنوان عامل بازگشت بخشی از صادرات

عربستان از مسیرهای شرقی خلیج فارس

- ❖ تعدیل روایت سود نفتی عربستان در گزارش جدوی با تأکید بر فشار کاهش تولید و وابستگی بهبود اقتصادی به رفع محدودیت های تجاری
- ❖ برجسته سازی عبور دلار از ۲۵۲ هزار تومان در رسانه های اقتصادی با پیوند جهش قیمت به انتظارات تنش و ابهام مذاکرات
- ❖ انتقاد رجانویز از مدیریت اقتصادی با مقایسه افزایش دلار از ۲۰۰ به ۲۵۰ هزار تومان پس از تقدیر پزشکian از همتی
- ❖ اعتبار بخشی به روایت اثربخشی فشار خارجی در محتوای منتسب به حساب بسنت با نسبت دادن افت ریال به عملیات «طرد اقتصادی»
- ❖ بازنمایی جهش نرخ ارز به عنوان محرک رکورد شکنی طلای داخلی در تجارت نیوز با تأکید بر خنثی شدن اثر کاهشی اونس جهانی
- ❖ برجسته سازی رشد بورس در امتداد افزایش دلار با بازتاب تقویت معاملات، بازگشت تقاضا و مثبت ماندن ۷۴ درصد بازار در رسانه های اقتصادی
- ❖ بازتاب رشد نا همگون رمزارزها در اقتصاد آنلاین با برجسته سازی ورود ۲،۴ میلیارد دلار به صندوق های بیت کوین و جهش قیمت هدرا

رصد و تحلیل

برجسته سازی گسترده استعفای معلمان و پرستاران و پیوند نارضایتی معیشتی با روایت اختلال در خدمات عمومی

انتشار ویدئوهای خدا حافظی (استعفا) شماری از معلمان و پرستاران با محیط کار، موضوع معیشت و نگهداشت نیروی انسانی رابه کانون توجه رسانه ها و شبکه های اجتماعی کشانده است. رصد محتوای منتشر شده در رسانه های معاند و فضای مجازی نشان دهنده، روایت مشکلات دستمزد و فرسودگی شغلی، هم زمان با ادعاهای «شدیدترین موج استعفای تاریخ ایران» و گمانه زنی درباره پیامدهای سیاسی آن است.

از روایت معیشتی تا تصویر بحران ساختاری

- ❖ ایران اینترنشنال با برجسته کردن بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، استعفاها را در امتداد مشکلات معیشتی، فشارهای اداری و برخورد با فعالان صنفی قرار داده است. این شورا از «خروج اجباری معلمان» سخن گفته و مسئولیت وضعیت را متوجه سیاست های حاکمیتی دانسته است. برترین ها بیشتر بر بازتاب ویدئوهای اینستاگرامی و ناکافی بودن درآمد تمرکز کرده؛ در مقابل،

دُرّتی وی انتشار ویدئوها را با هشتگ «انقلاب ایران» همراه کرده که نشانه‌ای روشن از سیاسی‌سازی بازتاب مطالبات شغلی است.

اتصال استعفاها به مسئله ماندگاری نیروی متخصص

❖ در سوی دیگر صدای آمریکا در گزارش «از کلاس و بیمارستان تا استعفا؛ چرا معلمان و پرستاران در ایران از شغل‌شان دست می‌کشند»، خروج کارکنان را به کاهش جذابیت استخدام دولتی پیوند می‌دهد. این رسانه، ضمن تصریح به فقدان آمار جامع استعفا، اظهارات محمد شریفی مقدم درباره اشتغال نداشتن ۶۰ تا ۷۰ هزار فارغ‌التحصیل پرستاری در مراکز درمانی و سخنان احمد نجاتیان درباره خروج سالانه حدود پنج هزار پرستار را بازتاب داده است.

واکنش‌های متعارض و گسترش تفسیر سیاسی

❖ چندین حساب کاربری شبکه ایکس با گرایش براندازی نیز، عبارت یکسان «شدیدترین موج استعفا در ۷۲ ساعت» را تکرار کرده‌اند. کاربری بانام ناهید غنی احتمال سرایت استعفاها به بخش انرژی و «فروپاشی از نوع شوروی» را مطرح کرده و حساب کاربری آیلین، اعتصاب را به جای استعفا پیشنهاد داده است. در سوی مقابل، نیکی کاظمی (فعال رسانه‌ای) با استناد به مشاهدات شخصی، فراگیری موج رازیر سؤال برده و امید محدث نیز خواستار توجه دستگاه‌های امنیتی به این مسئله شده است. گروهی نیز با تأکید بر فشار واقعی معیشت، با امنیتی کردن موضوع مخالفت کرده‌اند.

پرتکرارترین محورهای عملیات روانی

- ❖ تعمیم موارد فردی استعفای ثبت شده در ویدئوها به تصویری سراسری از تخلیه مدارس و بیمارستان‌ها
- ❖ هراس افکنی درباره استمرار خدمات عمومی با تکرار ادعای خالی شدن بیمارستان‌ها و کلاس‌های درس از پرستار و معلم در کشور
- ❖ القای فراگیری و شتاب بحران از طریق بازنشر عبارت یکسان «شدیدترین موج استعفای تاریخ ایران» در چند حساب کاربری
- ❖ اعتبار بخشی به روایت بحران با پیوند ویدئوهای تازه به آمارهای پیشین کمبود نیرو، مهاجرت و خروج از خدمت
- ❖ سیاسی‌سازی مطالبات معیشتی با همراه کردن اخبار استعفا با گزاره‌هایی همچون سقوط، انقلاب و معرفی ترک خدمت به عنوان ابزار فشار بر حکومت
- ❖ تصویرسازی از سرایت نارضایتی صنفی با طرح احتمال گسترش استعفاها به کارکنان حوزه انرژی و تداعی سناریوی فروپاشی شوروی

❖ تحریک به تغییر شیوه اعتراض از استعفای فردی به اعتصاب جمعی با تأکید بر افزایش اثرگذاری سیاسی کنش کارکنان

❖ اعتبارزدایی از موج استعفا در بخشی از واکنش‌های جریان انقلابی، با رمزگشایی کلی استعفاها و تعمیم آن پروژه دستگاه امنیتی خارجی و بیان جایگزینی سریع استعفاکنندگان

هشدار

۱. تداوم شکاف دستمزد و هزینه زندگی، در صورت افزایش خروج نیروهای باتجربه، می‌تواند چرخه کمبود نیرو، اضافه کاری و فرسودگی را تشدید کند و کیفیت آموزش و ایمنی بیماران را در مناطق کم‌برخوردار بیشتر تهدید کند.

۲. غلبه روایت «همه در حال رفتن هستند» بر اطلاعات معتبر، ممکن است ترک شغل را برای کارکنان مردد عادی سازی کند و نگرانی خانواده‌ها درباره استمرار آموزش و درمان را به بی‌اعتمادی نسبت به نهادها بکشانند.

۳. برچسب‌زنی امنیتی به تمامی معترضان و تحقیر تصمیم‌آنان، خطر تضعیف میانجیگری صنفی را افزایش می‌دهد؛ در چنین وضعیتی، مطالبات قابل مذاکره ممکن است سیاسی‌تر شوند و ظرفیت مدیریت تنش از مسیر گفت‌وگو کاهش یابد.

۴. نبود آمار تفکیکی درباره استعفا، بازنشستگی، مهاجرت و تغییر شغل، میدان را برای تعمیم‌های اغراق‌آمیز باز می‌گذارد؛ استمرار این خلأ می‌تواند واکنش‌های سیاستی نامتناسب ایجاد کند و رسیدگی به کانون‌های کمبود نیرو را عقب بیندازد.

طرح ادعای مدیریت شبکه فساد فروش نفت در اطلاعات سپاه با معرفی مصطفی احدی وزیر سؤال بردن استقلال رسیدگی به پرونده تراستی‌ها

رسانه معاند ایران اینترنشنال در گزارشی با عنوان «افشای هویت عامل اصلی اطلاعات سپاه پاسداران در فساد فروش نفت؛ مصطفی احدی کیست؟» به قلم مجتبا پورمحسن، مجموعه‌ای از اتهامات را درباره ارتباط مسئولان امنیتی، واسطه‌های فروش نفت و مدیران بانکی مطرح کرده است. گزاره مرکزی گزارش، معرفی مصطفی احدی به عنوان مدیر ادعایی شبکه فساد نفتی سازمان اطلاعات سپاه است؛ فردی که این رسانه مدعی است در انتقال مجدد رسیدگی به پرونده تراستی‌ها به همین سازمان نقش داشته است. گزارش با پیوند زدن این ادعا به مناسبات مالی و مدیریتی محمدجواد باوند و محمد هادی مومنین، می‌کوشد تصویری از هم‌پوشانی فروش نفت، نظارت بر معاملات و کنترل بازتاب رسانه‌ای تخلفات ارائه دهد.

ادعای دست کاری بدهی ها و بازگرداندن پرونده به اطلاعات سپاه

❖ گزارش بایادآوری سه مطلب پیشین این رسانه درباره تراستی های بدهکار و اظهارات ششم مهر غلامحسین محسنی اژه ای درباره تسریع رسیدگی، مدعی دسترسی به سندی محرمانه از شورای عالی امنیت ملی می شود. به روایت ایران اینترنشنال، معاون اقتصادی شورا در این سند تأیید کرده که نهادهای نظارتی، متناسب با منافع خود، بدهی برخی تراستی ها را بزرگ نمایی یا کوچک نمایی می کنند و از وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه، گزارش وضعیت وجوه بازنگشته را خواسته است. این رسانه صهیونیستی - آمریکایی سپس به نقل از منابعی بی نام در وزارت نفت و یک نهاد نظارتی ادعا می کند با وجود پیگیری دیوان محاسبات و سازمان بازرسی، پرونده با مداخله احادی و حکم شورا عملاً به اطلاعات سپاه بازگشته است.

معرفی احادی به عنوان حلقه اتصال ساختار امنیتی و تجارت نفت

❖ ایران اینترنشنال، با ادعای انتشار نخستین تصویر احادی، او را معاون پیشین اقتصادی اطلاعات سپاه و مسئول کنونی در واحد ۶۰۰ معرفی می کند. متن در توصیف سمت جدید، از دو تعبیر «معاون واحد ۶۰۰» و «برعهده گرفتن معاونت ۶۰۰» استفاده کرده و انتصاب را به حکم مهدی سیاری نسبت می دهد. گزارش همچنین مدعی است احادی از اواخر دهه ۱۳۹۰ به عنوان معاون اقتصادی به شورای عالی امنیت ملی رفته، در یک دهه گذشته بر سازوکار فروش نفت نفوذ داشته، در دو اجلاس بریکس در روسیه و برزیل حاضر شده و در بازدید مدیران وزارت نفت از پایانه های خارک مشارکت داشته است.

ادعای نقش باوند در واگذاری نفت به تراستی های بدهکار

❖ ایرانترنشنال، مدعی است احادی، محمدجواد باوند، قائم مقام پیشین خود، را به عنوان نماینده سازمان اطلاعات سپاه به کمیته ای در شورای عالی امنیت ملی فرستاده که گزارش آن را «پوششی» می نامد. به ادعای نویسنده، مأموریت ظاهری باوند نظارت بر فروش نفت تحریمی و کارکرد واقعی او تضمین منافع شبکه بوده است. گزارش، باوند را دستیار ویژه وزیر نفت در فروش نفت در دولت رئیسی معرفی کرده و از بازگشت او به همان سمت حدود چهار ماه پیش سخن می گوید. همچنین با استناد به سندی منتسب به سازمان بازرسی ادعا می کند فروش ۸۶ میلیون بشکه نفت به چهار تراستی بدهکار، از جمله محمد هادی مومنین، سپرده شده است.

ادعای حمایت قضایی و پیوند منافع نفتی با شبکه بانکی

❖ در ادامه گزارش، ایران اینترنشنال مدعی است مومنین، پس از دریافت و بازگرداندن صدها میلیون دلار ارز ترجیحی برای واردات ماشین آلات صنعت کاغذ، با اتهام اخلاف ارزی بازداشت شده و با اعمال نفوذ باوند، پرونده اش مختومه شده است. در مقابل، ادعا می شود مومنین، به عنوان

سهامدار هلدینگ گسترش صنایع و معادن ماهان، باوند را به نمایندگی خود در جایگاهی مدیریتی نشانده است. رسانه با نقل مطالبی منتسب به پرونده قضایی، از ثبت شرکت های صوری با عمر ۳ تا ۱۴ ماه در چین، تایوان، سنگاپور و امارات و دریافت تسهیلات کلان از شش بانک بدون شکایت آن ها سخن می گوید. همچنین بدهی ۷۴۳ میلیارد تومانی مومنین به بانک کارآفرین را به فهرست بانک مرکزی نسبت داده و مدعی می شود احمد بهاروندی، مدیرعامل بانک، به درخواست باوند آن را پیگیری نکرده است. انتساب بهاروندی به اطلاعات سپاه، سفر باوند با مومنین به چین و عضویت مومنین در شبکه موسوم به «شایان» با دو میلیارد دلار وجوه نفتی بازنگشته، دیگر ادعاهای گزارش اند. نقل اظهارات هادی قوامی درباره ۳۰۰ میلیون دلار برداشت از بانک گردشگری نیز برای تقویت این روایت ذکر شده است.

ادعای مداخله برای محدود کردن انتشار اخبار

گزارش مدعی برگزاری جلسه ای محرمانه، دو هفته پیش، با حضور احدی، باوند و اسرار را عبدالله ضیغمی با نام مستعار «سردار مشفق» شده است. محل جلسه نیز «قرارگاه رسانه ای سپاه» توصیف می شود. بنا بر ادعای منابع بی نام، هدف جلسه جلوگیری از انتشار اخبار پرونده بوده و حذف مطالب مرتبط در خبرگزاری مهر و روزنامه همشهری از نتایج آن معرفی شده است. نویسنده، این ادعا را در کنار بازگرداندن پرونده به اطلاعات سپاه قرار می دهد تا روایت «حفاظت از شبکه» را تکمیل کند.

۵ محور رسانه ای مهم در گزارش پورمحسن

- ❖ شخصی سازی روایت فساد ساختاری با معرفی مصطفی احدی، انتشار تصویر او و نسبت دادن هدایت شبکه نفتی به یک مقام امنیتی
- ❖ القای تعارض منافع در رسیدگی با معرفی اطلاعات سپاه به عنوان نهادی هم زمان دخیل در فساد ادعایی و بررسی پرونده
- ❖ شبکه سازی روایی میان نفت و بانک با اتصال واگذاری محموله ها، بدهی های بانکی، حمایت قضایی ادعایی و انتصاب های مدیریتی
- ❖ اعتبار بخشی به اتهامات اختصاصی از طریق کنار هم گذاشتن اسناد منتسب به نهادهای رسمی، منابع ناشناس و اظهارات علنی مسئولان
- ❖ بازنمایی مهار رسانه ای پرونده با ادعای تشکیل جلسه محرمانه و حذف اخبار مهر و همشهری برای حفاظت از افراد مرتبط

اهداف احتمالی تهیه و تنظیم گزارش

۱. انتقال کانون توجه مخاطب از تخلف احتمالی چند واسطه نفتی به مسئولیت ساختاری نهادهای امنیتی، با ترسیم شبکه‌ای که بنا بر روایت گزارش، هم فروش نفت و هم نظارت بر درآمدهای آن را کنترل می‌کند.
۲. تضعیف اعتبار رسیدگی رسمی به پرونده تراستی‌ها از طریق القای تعارض منافع میان متهم و ناظر، به گونه‌ای که بازگشت پرونده به اطلاعات سپاه، نشانه حفاظت از شبکه معرفی شود و نه اقدامی برای کشف تخلف.
۳. پیوند زدن فساد ادعایی نفتی با بدهی بانکی و امتیازات مدیریتی، برای گسترش دامنه مسئله در ذهن مخاطب و بازنمایی مناسبات اقتصادی و امنیتی به عنوان سازوکاری که امکان تکرار تخلف و مصونیت افراد را فراهم می‌کند.
۴. تثبیت جایگاه ایران اینترنشنال به عنوان مرجع افشای اطلاعات پنهان، با تأکید بر انتشار تصویر، اسناد اختصاصی و منابع درون ساختاری؛ هم‌زمان، ادعای حذف اخبار می‌تواند فقدان پوشش داخلی را در ذهن مخاطب به نشانه سانسور تبدیل کند.

تداوم واکنش‌ها به اعتراض مشتریان میلی‌گلد هم‌زمان با مناقشه بر سر ذخایر طلا و مسئولیت تأخیر در تسویه‌ها

رصد فضای مجازی نشان می‌دهد، طی روزهای اخیر کاربران میلی‌گلد درگیر تأخیر در دریافت وجوه خود هستند؛ برخی از انتظار بیش از دو هفته‌ای خبر می‌دهند و اکنون، انتشار گزارش تجمع مقابل دفتر شرکت، موضوع را وارد مرحله تازه‌ای کرده است. برخلاف موج اولیه که بر اختلال پرداخت وضعف پشتیبانی متمرکز بود، مناقشه درباره دسترسی به ذخایر طلا، مسئولیت نهادهای ناظر و اعتبار اسناد پشتوانه به کانون پوشش رسانه‌ای تبدیل شده است.

انتقال مناقشه به نهادهای مسئول

❖ میلی در اطلاعیه ۶ مهر، «برخی افراد در پلیس امنیت اقتصادی، دادستانی و بانک کارگشایی» را به «کارشکنی» متهم کرد و مدعی شده است، مسدود شدن بیش از ۸۵ کیلوگرم طلا و محدودسازی درگاه‌ها، تسویه‌ها را مختل کرده است. به روایت مجله پیوست، شرکت همچنین از تسویه حدود ۳۵ کیلوگرم طلای خارج از خزانه‌های بانکی طی یک ماه و نیم گذشته خبر داده است. اطلاعیه ضمن تأکید بر محفوظ بودن دارایی کاربران، درباره احتمال «بحران‌های اجتماعی» هشدار می‌دهد؛ عبارتی که اختلاف مالی و نظارتی را به سطحی امنیتی می‌کشاند.

پرسش‌های تازه درباره موجودی و تعهدات

براساس گزارش شهرآرانیوز، پیش‌تر مدیرعامل میلی در نامه به دبیر شورای عالی امنیت ملی، پشتوانه تعهدات را ۹۶۵ کیلوگرم طلا، معادل ۲۳ هزار میلیارد تومان اعلام کرده و مدعی تسویه بیش از هفت هزار میلیارد تومان و تحویل فیزیکی ۳۶ کیلوگرم طلا طی ۳۰ روز شده است. در سوی مقابل بانک مرکزی در واکنش، انتساب ادعاها به خود را رد کرده و گفته در نامه، درخواست مستقیمی خطاب به این بانک وجود ندارد؛ این پاسخ، وضعیت ذخایر را روشن کرده و کماکان این موضوع در صدر واکنش کاربران این پلتفرم قرار دارد. همچنین کانال تلگرامی اقتصاد ۲۴، با اشاره به ۴۶۹ تصویر رسید سپرده‌گذاری طلا و ادعای نبود رسید جدید طی ۲۹۱ روز گذشته، تأکید کرده رسید ورود طلا بدون اعلام برداشت‌ها و مانده تجمیعی، اثبات‌کننده موجودی فعلی نیست.

از اعتراض حضوری تا سرایت بی‌اعتمادی

برخی صفحات مجازی با انتشار ویدیویی از تجمع شماری از مشتریان و سرمایه‌گذاران این پلتفرم مقابل دفتر شرکت، از «درگیری شدید»، ضرب و شتم و تخریب در این محل خبر داده‌اند. هادی کسای زاده، خبرنگار و فعال رسانه‌ای، نیز از تأخیر ده‌روزه در برداشت سپرده‌ها خبر داده و نوشته است: «الان نه طلا دارم نه پول». افزون بر این، روایت‌هایی درباره مشکلات پرداخت چک و دسترسی نداشتن برخی مشتریان به پس‌انداز ضروری‌شان منتشر شده که نگرانی‌ها درباره چالش‌های ایجاد شده پیرامون این شرکت را تشدید کرده است. کاربران معاند نیز با دستاویز قرار دادن مسائل پیش‌آمده، ضمن هراس افکنی درباره نابودی پس‌انداز کاربران، مدعی فساد ساختاری در جمهوری اسلامی شده و این ماجرا را به عنوان دومینویی برای سقوط جمهوری اسلامی بازنمایی کرده‌اند.

محورهای عملیات روانی

- ❖ هراس افکنی درباره نابودی پس‌انداز کاربران با تبدیل تأخیر تسویه به ادعای قطعی ورشکستگی و از بین رفتن دارایی‌های مشتریان میلی‌گلد
- ❖ انتقال مسئولیت اختلال پرداخت به نهادهای نظارتی از طریق برجسته‌سازی ادعای کارشکنی و مسدودسازی ذخایر طلای شرکت میلی
- ❖ تشکیک در اعتبار پشتوانه اعلامی میلی با برجسته‌سازی قدمت رسیدها و فقدان گزارش موجودی متناظر با تعهدات کاربران
- ❖ تعمیم بی‌اعتمادی به تمامی سکوه‌های آنلاین طلا با دعوت به خروج فوری سرمایه و ترجیح نگهداری طلای فیزیکی
- ❖ تشدید احساس ناامنی مالی با باز نشر روایت‌های ناتوانی مشتریان در پرداخت چک، تأمین مخارج ضروری و دسترسی به پس‌انداز

❖ اعتبارزدایی از تبلیغات و مروجان میلی از طریق پیوند زدن حضور گسترده رسانه‌ای شرکت با اعتماد از دست رفته مشتریان آن

❖ تشدید تصویر بحران با باز نشر ادعاهای تأیید نشده ضرب و شتم مدیران و تخریب دفتر در کنار تصاویر تجمع کاربران معترض

❖ سیاسی سازی مطالبات مالی با نسبت دادن اختلال تسویه به فساد ساختاری و بازنمایی آن به عنوان نشانه فرسایش سرمایه اجتماعی

جمع بندی

خطر پیش رو، تقویت چرخه ابهام، افزایش درخواست برداشت و تشدید تأخیر است. تقابل علنی شرکت و نهادها، بدون اعلام موجودی قابل راستی آزمایی و زمان بندی تسویه، ظرفیت تبدیل مطالبه مالی به اعتراض گسترده تر را افزایش می دهد. انتشار اسناد تجمیعی و پاسخ هماهنگ مسئولان می تواند این روند را مهار کند؛ با این حال، داده های موجود هنوز برای اثبات ورشکستگی یا خالی فروشی کافی نیست.

طرح ادعای نقش محوری تتر در شبکه های مالی مرتبط با ایران و تشدید تمرکز رسانه ها بر مسیرهای دور زدن تحریم ها در بازار رمزارزها

انتشار گزارش شرکت تتر درباره همکاری این شرکت با نهادهای آمریکایی در مسدودسازی دارایی های مرتبط با ایران، هم زمان با گزارش رویترز درباره نقش احتمالی تتر در جابه جایی منابع مالی ایران، موجب شکل گیری دور روایت متفاوت درباره جایگاه تتر در پرونده تحریم های مالی ایران شده است. در حالی که تتر تلاش کرده با تأکید بر همکاری با نهادهای نظارتی، خود را بخشی از سازوکار مقابله با تأمین مالی غیرقانونی معرفی کند، برخی رسانه ها و مقام های آمریکایی این شرکت را به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده شبکه های مالی مرتبط با ایران مورد توجه قرار داده اند.

ورود فعال تتر به سازوکار شناسایی و توقیف دارایی های مرتبط با ایران

❖ شرکت تتر در گزارشی که روز گذشته منتشر کرد، اعلام کرد طی سال ۲۰۲۶ با همکاری نهادهای آمریکایی، حدود ۵۵ میلیون دلار دارایی دیجیتال مرتبط با شبکه های مالی ایران را مسدود کرده است. این شرکت اعلام کرد اقدامات انجام شده شامل مسدودسازی بیش از ۳۴۴ میلیون دلار USDT در ماه آوریل و بیش از ۱۳۰ میلیون دلار دیگر در ماه ژوئیه بوده که پس از ارائه اطلاعات از سوی دفتر کنترل دارایی های خارجی وزارت خزانه داری آمریکا (OFAC) و نهادهای اجرای قانون انجام شده است.

❖ تتر در این گزارش مدعی شد که رمزارزهای مبتنی بر بلاکچین برخلاف پول نقد، قابلیت رهگیری بالایی دارند و این شرکت در هماهنگی با دولت ها و نهادهای امنیتی می تواند دارایی های مرتبط با

فعالیت های غیرقانونی را شناسایی و مسدود کند. پائولو آردوینو، مدیرعامل تتر، تأکید کرده است که «USDT پناهگاهی برای بازیگران تحریم شده، سازمان های تروریستی یا شبکه های مجرمانه نیست» و این شرکت همکاری خود با نهادهای آمریکایی و بین المللی را ادامه خواهد داد.

رویتز: تتر به یکی از مسیرهای انتقال مالی ایران در شرایط تحریم تبدیل شده است

❖ در مقابل، خبرگزاری رویترز با استناد به گزارشی از یک کمیته تحقیقاتی سنای آمریکا، مدعی شد که تتر به یک ابزار مهم در شبکه مالی سایه ایران تبدیل شده است. براساس این گزارش، کمیته تحت ریاست ریچارد بلومنتال، سناتور دموکرات، تعداد ۸۴۶ کیف پول رمز ارزی تحریم شده از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی را بررسی کرده و اعلام کرده است که ۸۴ درصد این کیف پول ها با تتر تراکنش داشته اند.

❖ این گزارش ادعا کرده است که برخی از این تراکنش ها برای انتقال منابع مالی فرامرزی، حمایت از ساختارهای وابسته به ایران و مقابله با محدودیت های ناشی از تحریم ها استفاده شده است. بلومنتال با طرح این ادعا که تتر به بخشی از «سیستم بانکی سایه ایران» تبدیل شده، خواستار بررسی بیشتر فعالیت های این شرکت از سوی وزارت خزانه داری و وزارت دادگستری آمریکا شده است.

بازگشت پرونده رمزارزها به دستورکار تحریم های آمریکا علیه ایران

❖ تمرکز دوباره رسانه های آمریکایی بر تتر در شرایطی صورت می گیرد که دولت آمریکا در چارچوب «عملیات طرد اقتصادی»، مقابله با شبکه های مالی مرتبط با ایران را در دستور کار قرار داده و رمزارزها را یکی از حوزه های دارای ریسک برای دورزدن تحریم ها معرفی کرده است.

❖ این روند نشان می دهد که دارایی های دیجیتال، به ویژه استیبل کوین هایی مانند تتر به یکی از عرصه های جدید رقابت میان شبکه های تحریم کننده و بازیگران تحت تحریم تبدیل شده اند. از یک سو، قابلیت رهگیری بلاکچین امکان نظارت و مسدودسازی را افزایش داده و از سوی دیگر، استفاده گسترده از رمزارزها در مبادلات فرامرزی، توجه نهادهای تحریمی را به این حوزه جلب کرده است.

جمع بندی و تحلیل

هم زمانی گزارش تتر درباره مسدودسازی حدود ۵۵ میلیون دلار دارایی مرتبط با ایران با گزارش سنای آمریکا درباره استفاده گسترده از تتر در شبکه های مالی منتسب به ایران، نشان می دهد استیبل کوین ها در حال تبدیل شدن به یکی از میدان های اصلی منازعه مالی و تحریمی میان ایران و آمریکا هستند. افزایش همکاری تتر با نهادهایی مانند وزارت خزانه داری، اف بی آی و وزارت دادگستری آمریکا، در عمل ریسک اتکای شبکه های مالی تحت تحریم به دارایی هایی را افزایش می دهد که امکان مسدودسازی متمرکز آنها وجود دارد. در سوی دیگر، جایگاه تتر در بازار داخلی

ایران همچنان پرنزگ باقی مانده است؛ به گونه ای که در زمان تنظیم گزارش، کانال های تلگرافی اعلام قیمت، هر واحد تتر را حدود ۲۵۲ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام می کنند. تداوم این سطح قیمتی نشان می دهد تتر علاوه بر کارکرد رمز ارزی، همچنان یکی از شاخص های مهم انتظارات ارزی و ابزارهای انتقال و حفظ ارزش در بازار غیررسمی ایران محسوب می شود.

بازتاب احتمال معافیت تحریمی پروازهای ایران-نجف با هدف مهار فشار سیاسی بر دولت عراق

خبرگزاری رویترز در گزارشی اختصاصی به قلم تیمور اظهري و احمد رشید، از برنامه دولت آمریکا برای اعطای معافیت محدود تحریمی به پروازهای زیارتی میان ایران و نجف خبر داده است. براساس اظهارات منبعی مطلع از مذاکرات، این تصمیم با هدف کاهش فشار بر دولت عراق بررسی می شود؛ دولتی که هم زمان به دنبال گسترش روابط با واشنگتن و حفظ مناسبات با تهران است.

معافیت یک ماهه با امکان تمدید

❖ به گفته منبع رویترز، معافیت وزارت خزانه داری آمریکا به شرکت هواپیمایی عراق اجازه می دهد به مدت یک ماه میان ایران و نجف پرواز کند و احتمال صدور معافیتی پایدارتر نیز وجود دارد. عراق از روز جمعه، در چارچوب اجرای تحریم های آمریکا، پروازهای رفت و برگشت ایران را متوقف کرده بود. یک مقام عراقی انتظار دارد پروازهای مسیر نجف ظرف ۴۸ ساعت از سر گرفته شود؛ با این حال، وزارت خزانه داری آمریکا هنگام انتشار گزارش، پاسخی درباره این موضوع ارائه نکرده بود. دفتر نخست وزیر عراق نیز اعلام کرده برای سفرهای درمانی، تحصیلی و زیارتی درخواست معافیت کرده است.

نگرانی از همگرایی اعتراضی شیعیان عراق

❖ رویترز، حساسیت این محدودیت را به جایگاه مذهبی نجف و تردد گسترده زائران مرتبط می داند. منبع گزارش هشدار داده ممنوعیت پروازها می تواند پیروان رهبر ایران و آیت الله سیستانی را در اعتراض به دولت عراق همسو کند و تلاش آمریکا برای کاهش نفوذ تهران را تضعیف سازد. هم زمان با تجمع معترضان مقابل فرودگاه نجف، علی الزیدی، نخست وزیر عراق، پیشنهاد تضمین هایی شامل بازرسی سخت گیرانه، تبادل اطلاعات و جلوگیری از انتقال سلاح، افراد تحریم شده و پول غیرقانونی را مطرح کرده است.

جمع بندی

معافیت احتمالی نجف را می توان تلاشی برای تعدیل هزینه های سیاسی اجرای تحریم ها در عراق دانست. محدود کردن مجوز به شرکت عراقی، دوره یک ماهه و تضمین های نظارتی، نشان دهنده حفظ کنترل واشنگتن بر دامنه استثناست. در صورت اجرا، این سازوکار می تواند ضمن کاهش

فشار داخلی بر بغداد، الگویی برای معافیت‌های محدود فراهم کند؛ اما نشانه کافی برای عقب‌نشینی عمومی آمریکا از محدودیت‌های هوانوردی ایران نیست.

برجسته‌سازی فرسایش قدرت خرید کالا برگ و ابهام منابع حمایت معیشتی در گزارش دنیای اقتصاد

اخیراً روزنامه دنیای اقتصاد در مطلب «جاماندگی کالا برگ از تورم»، با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، فاصله میان گسترش پوشش کالا برگ و کاهش اثر معیشتی آن را برجسته کرده است. مطابق این گزارش، اعتبار ماهانه یک میلیون تومانی برای حدود ۸۶ میلیون نفر، معادل ۹۴ درصد جمعیت، برقرار شده، اما تثبیت مبلغ حمایت در شرایط افزایش قیمت خوراکی‌ها، سهم آن از تامین سبد غذایی را کاهش داده است. روایت گزارش بر اجرانشدن تعدیل فصلی، آسیب‌پذیری منابع و ضرورت اولویت‌دهی به خانوارهای کم‌درآمد تمرکز دارد.

کاهش پوشش سبد غذایی از ۴۴ به ۲۶ درصد

❖ براساس این گزارش، هزینه سبد ۱۱ قلم کالای مشمول طرح، شامل برنج، روغن، لبنیات، تخم مرغ، گوشت، مرغ، حبوبات، ماکارونی و قند و شکر، از حدود ۲ میلیون و ۲۶ هزار تومان در دی ماه ۱۴۰۴ به ۳ میلیون و ۷۹۰ هزار تومان در مرداد ماه ۱۴۰۵ رسیده است؛ افزایشی حدود ۶۷ درصد. این سبد معادل تامین روزانه ۱۰۵۰ کیلوکالری تعریف شده و سهم کالا برگ از هزینه آن، از ۴۴ به ۲۶ درصد تنزل یافته است. با وجود الزام آیین‌نامه به جبران فصلی تغییر قیمت‌ها، دونوبت تعدیل اعتبار در فروردین و تیر انجام نشده است؛ موضوعی که گزارش آن را با تضعیف اعتماد به سیاست‌های جبرانی مرتبط می‌داند.

نمودار تعدیل اعتبار و تفاوت ارقام گزارش

❖ نمودار پیوست در گزارش روزنامه «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد که اگر اعتبار با تورم خوراکی تعدیل می‌شد، از یک میلیون تومان در دی ماه به یک میلیون و ۱۳۷ هزار و ۸۰۰ تومان در بهمن، یک میلیون و ۳۱۳ هزار تومان در اسفند و یک میلیون و ۴۲۴ هزار تومان در فروردین می‌رسید. برای مرداد نیز یک میلیون و ۷۷۳ هزار تومان و برای شهریور، به صورت تخمینی، یک میلیون و ۸۶ هزار تومان ذکر شده است. با این حال، باید توجه داشت که رقم شهریور در نمودار پیوست این گزارش، افزایش ۸۶ درصدی نسبت به دی را نشان می‌دهد؛ در حالی که متن روزنامه برآورد ۶۹ درصدی را مطرح کرده است و این ناهمخوانی در گزارش روزنامه توضیح داده نشده است.

شکاف منابع برآوردی و پرداخت‌های ثبت شده

❖ گزارش مذکور مدعی است؛ منابع برآوردی چهارماهه نخست ۱۴۰۵، با احتساب برداشت از صندوق توسعه ملی، حدود ۳۵۸ هزار میلیارد تومان بوده؛ در برابر نیاز ۳۴۴ هزار میلیارد تومانی چهار مرحله

پرداخت. با این حال، تحقق منابع در گزارش های بودجه ای فقط ۱۲۹ هزار میلیارد تومان ثبت شده است. گزارش بخشی از فاصله را به ثبت نشدن مانده منابع صندوق و تخصیص نیافتن مازاد فروش ارز نفتی نسبت می دهد. همچنین عنوان شده، تسویه فروشگاه ها در شش مرحله نخست حداکثر ۲۴ ساعته بود، اما در مرحله هفتم تاخیر پدید آمد و مطالبات تا ۲۴ مرداد به حدود ۳ هزار میلیارد تومان رسید. علاوه بر آن نیاز به منابع در شش ماه آینده نیز بیش از ۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

دوسناریوی منابع هدفمندی و وابستگی به نفت

گزارش مرکز پژوهش های مجلس، کل منابع سالانه هدفمندی را در سناریوی خوش بینانه ۲۰۵۱ و بدبینانه ۱۴۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد می کند؛ فروش داخلی فرآورده ها، گاز و کمک زیان هدفمندی در هر دوسناریو به ترتیب ۲۱۰، ۲۸۰ و ۲۸۵ هزار میلیارد تومان است. درآمد صادرات فرآورده ها نیز از ۲۴۰ به ۱۹۰، مابه التفاوت ارز دولت از ۵۴۴ به ۲۳۶ و مابه التفاوت نرخ بازار و مبنای بودجه از ۴۹۲ به ۲۷۷ هزار میلیارد تومان کاهش می یابد. محاسبه ردیف اخیر بر فرض نرخ ارز میانگین ۱۶۰ هزار تومان استوار است.

پیشنهاد افزایش پلکانی با اولویت دهک های پایین

مرکز پژوهش ها در نهایت، افزایش یکسان ۲۵ درصدی را مستلزم حدود ۱۳ هزار میلیارد تومان منابع جدید در شش ماه می داند؛ افزایشی که افت قدرت خرید را جبران نمی کند. پیشنهاد گزارش، افزایش اعتبار دهک های پایین و مددجویان تا ۶ درصد و تعدیل پلکانی سایر گروه ها متناسب با منابع است.

بازتاب کاهش ذخایر راهبردی نفت آمریکا به پایین ترین سطح چهار دهه اخیر و تشدید نگرانی ها درباره محدودیت ابزارهای مداخله بازار انرژی

گزارش های رویترز و اوایل پرایس از کاهش ذخایر نفت خام در ذخیره راهبردی نفت آمریکا (SPR) به پایین ترین سطح از سال ۱۹۸۲ خبر داده اند؛ موضوعی که در شرایط تداوم اختلال در بازار انرژی و کاهش جریان نفت از مسیرهای کلیدی، به یکی از محورهای نگرانی درباره ظرفیت واکنش واشنگتن در برابر شوک های احتمالی تبدیل شده است. براساس داده های وزارت انرژی آمریکا، موجودی این ذخیره در هفته گذشته به ۲۸۳.۸ میلیون بشکه رسیده که کمترین میزان از اکتبر ۱۹۸۲ محسوب می شود.

کاهش ذخایر در پی تصمیم دولت آمریکا برای آزادسازی گسترده نفت

روند نزولی ذخایر راهبردی آمریکا به اجرای توافق دولت این کشور برای آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت بازمی گردد. این اقدام بخشی از برنامه هماهنگ آزادسازی حدود ۴۰۰ میلیون بشکه نفت توسط ۳۲ کشور عضو آژانس بین المللی انرژی اعلام شده بود. براساس گزارش اوایل پرایس، ذخایر آمریکا

طی یک سال گذشته از حدود ۴۰۶ میلیون بشکه به سطح کنونی کاهش یافته و در سال جاری برای دومین بار رکورد پایین ترین سطح چند دهه اخیر را ثبت کرده است.

هشدار درباره کاهش حاشیه امنیت انرژی واشنگتن

❖ تحلیلگران انرژی نسبت به پیامدهای کاهش مداوم ذخایر هشدار داده‌اند. بن کیهیل، تحلیلگر انرژی در شورای آتلانتیک، معتقد است ادامه برداشت از ذخایر در نقطه‌ای می‌تواند اثر معکوس داشته باشد؛ زیرا تصور کاهش گزینه‌های دولت برای مدیریت بحران، خود به عامل فشار بر بازار تبدیل خواهد شد. برخی کارشناسان نیز وضعیت کنونی را به «زندگی با کارت اعتباری نفتی» تشبیه کرده‌اند؛ به این معنا که تداوم ثبات نسبی قیمت‌ها بیش از آنکه ناشی از افزایش عرضه باشد، به استفاده از ذخایر موجود متکی بوده است.

جمع‌بندی

کاهش ذخایر راهبردی نفت آمریکا به سطح تاریخی، نشان‌دهنده کاهش بخشی از ظرفیت مداخله فوری واشنگتن در بازار انرژی است. هرچند دولت آمریکا اعلام کرده بخشی از نفت برداشت‌شده را از طریق قراردادهای بازگشت با شرکت‌هایی مانند شل، ویتول و ترافیکورا جبران خواهد کرد، اما بازسازی ذخایر زمان‌بر خواهد بود. در شرایطی که بازار جهانی همچنان با محدودیت‌های ناشی از بحران‌های ژئوپلیتیک و اختلال در مسیرهای انتقال نفت مواجه است، سطح پایین ذخایر می‌تواند به یکی از متغیرهای اثرگذار بر ادراک بازار از آسیب‌پذیری عرضه جهانی تبدیل شود.

برجسته‌سازی «سود نفتی عربستان» از جنگ ایران و افزایش درآمدهای ریاض با وجود کاهش صادرات

رسانه‌های اقتصادی بین‌المللی با تمرکز بر افزایش قیمت نفت، احیای مسیرهای صادراتی و تداوم جریان فروش عربستان، تصویری از منتفع شدن ریاض از شرایط پس از جنگ ایران ارائه کرده‌اند. در این میان، گزارش فورچن با برجسته‌سازی برآوردهای رابین بروکس، پژوهشگر ارشد مؤسسه بروکینگز، مهم‌ترین بازتاب رسانه‌ای را به خود اختصاص داده و مدعی شده است که عربستان با وجود آسیب‌پذیری‌های امنیتی، در حال تجربه یک جهش درآمدی در بخش نفت است.

فورچن: افزایش درآمد نفتی عربستان با وجود کاهش حجم صادرات

❖ فورچن در گزارشی با عنوان «عربستان سعودی در حال برداشت سود عظیم نفتی است و شاید تنها برنده جنگ ایران باشد» نوشته است که افزایش قیمت نفت بیش از کاهش حجم صادرات، افت درآمدهای نفتی عربستان را جبران کرده است. بر اساس این گزارش، عربستان پیش از آغاز جنگ حدود ۷ میلیون بشکه در روز نفت صادر می‌کرد، اما این رقم در ماه‌های مارس و آوریل به کمتر

از ۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافت و در سپتامبر به حدود ۵.۵ میلیون بشکه در روز بازگشت. فورچن با استناد به محاسبات بروکس اعلام کرده است که درآمد سالانه شده صادرات نفت عربستان از حدود ۱۵ میلیارد دلار پیش از جنگ به نزدیک ۲۱۰ میلیارد دلار افزایش یافته است؛ رقمی که معادل بیش از ۶ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور ارزیابی شده است. بروکس در این تحلیل نوشته است:

«پادشاهی عربستان شاید تنها برنده این جنگ باشد.»

این رسانه همچنین به افزایش حدود ۷۵ درصدی قیمت نفت برنت در سال جاری و معامله آن در محدوده ۱۰۷ دلار اشاره کرده و تأکید کرده است که رشد قیمت‌ها، اثر کاهش صادرات را برای ریاض خنثی کرده است.

احیای مسیرهای صادراتی و کاهش وابستگی به هرمز

❖ فورچن و توکن پست در گزارش‌های خود، بازگشت فعالیت خط لوله شرق-غرب عربستان به عنوان یکی از عوامل تقویت‌کننده صادرات ریاض را مورد توجه قرار داده‌اند. این خط لوله که نفت را از مناطق شرقی عربستان به بندرینبع در دریای سرخ منتقل می‌کند، پس از آسیب‌های وارد شده دوباره فعال شده و جریان صادرات آن به حدود ۳.۵ میلیون بشکه در روز رسیده است؛ هرچند ظرفیت اسمی آن ۷ میلیون بشکه در روز اعلام شده است.

❖ فورچن با اشاره به حمایت نظامی آمریکا از نفتکش‌ها در خلیج فارس، مدعی شده است که این حمایت امکان بازگشت بخشی از صادرات عربستان از مسیرهای شرقی را فراهم کرده و هم‌زمان احیای مسیرینبع، امکان تنوع بخشی بیشتر به صادرات نفت این کشور را ایجاد کرده است.

نگاه اقتصادی داخلی عربستان؛ درآمد بالاتر در کنار تداوم محدودیت‌ها

❖ در مقابل روایت مثبت رسانه‌های خارجی، گزارش شرکت سرمایه‌گذاری جدوی تصویری محتاطانه‌تر از وضعیت اقتصادی عربستان ارائه کرده است. این شرکت اعلام کرده که بخش نفتی اقتصاد عربستان در کوتاه مدت همچنان تحت فشار کاهش تولید قرار خواهد داشت و این موضوع می‌تواند بر رشد اقتصادی سه ماهه سوم اثر بگذارد.

❖ با این حال، جدوی تأکید کرده است که افزایش قیمت نفت باعث شده درآمدهای صادرات نفتی عربستان در نیمه نخست سال ۱۱ درصد افزایش یابد و درآمدهای نفتی دولت نیز ۹ درصد رشد کند. این مؤسسه همچنین معتقد است تداوم بهبود اقتصادی عربستان به کاهش محدودیت‌های تجاری و بازگشت حجم تجارت خارجی به سطوح پیشین وابسته است.

جمع‌بندی و تحلیل

بازتاب رسانه‌ای پیرامون **نفت عربستان** نشان می‌دهد که **جنگ ایران** علاوه بر ایجاد تهدیدهای امنیتی برای زیرساخت‌های انرژی خلیج فارس، موجب شکل‌گیری یک **وضعیت دوگانه برای ریاض** شده است؛ از یک سو افزایش قیمت جهانی نفت و احیای مسیرهای صادراتی، درآمدهای نفتی **عربستان را تقویت کرده** و از سوی دیگر، تداوم تهدیدهای منطقه‌ای، وابستگی این کشور به حمایت‌های امنیتی خارجی و آسیب‌پذیری در برابر حملات به زیرساخت‌های انرژی را برجسته کرده است. در صورت **تداوم قیمت‌های بالای نفت و تثبیت مسیرهای صادراتی**، عربستان می‌تواند از موقعیت فعلی برای **افزایش درآمدهای ارزی** استفاده کند؛ اما تداوم ناامنی در تنگه هرمز و باب‌المندب همچنان مهم‌ترین **ریسک پیش‌روی این روند** خواهد بود.

جهش بازارهای دارایی و بهره‌برداری سیاسی از افت ارزش ریال در بازتاب‌های رسانه‌ای

بازتاب **روند بازارهای هفتم مهر ۱۴۰۵**، از گسترش رقابت‌روایی درباره علل تضعیف ریال حکایت دارد. رسانه‌های اقتصادی بر انتقال جهش ارز به طلا و سهام تمرکز دارند؛ همزمان، **روندهای مقایسه‌ای و محتوای سیاسی**، رکوردشکنی دلار را به عملکرد دولت و فشار خارجی پیوند می‌زنند.

دلار؛ جهش قیمت و منازعه بر سر مسئولیت

❖ اقتصادنیوز در آخرین گزارش خود درباره نرخ دلار، دلار آزاد را ۲۵۲٫۶۱۰ تومان گزارش کرد؛ این درحالی است که آخرین ثبت کانال‌های «نرخ قیمت لحظه‌ای» تا ساعت ۱۴، معامله دلار فردایی را ۲۵۳٫۶۷ و فروش آن را ۲۵۴٫۱۷ تومان نشان می‌دهد. تجارت‌نیوز جهش دوروزه را به تشدید انتظارات تنش نسبت داد و بی‌بی‌سی فارسی ابهام مذاکرات را برجسته کرد. رجانیوز نیز با انتشار نموداری از مقایسه «قیمت دلار از زمان تقدیر پزشک‌های از همتی تا کنون»، افزایش نرخ از حدود ۲۰۰ هزار به ۲۵۰ هزار تومان را دستمایه نقد مدیریت اقتصادی قرار می‌دهد. اینفوگرافیک وایرال شده با عنوان «روزهای سیاه دلار» نیز عبور از مرزهای هزار تا ۲۵۰ هزار تومان را کنار نام رؤسای جمهور و رؤسای بانک مرکزی چیده است. در سوی دیگر منتسب به حساب اسکات بسنت در ایکس، افت ریال به عملیات «طرد اقتصادی» نسبت داده شده و عبارت «۳ میلیون، داریم می‌آییم» به عنوان تارگت بعدی نرخ دلار بازنمایی شده است.

طلا؛ رکورد داخلی برخلاف فشار بر اونس

❖ طلای ۱۸ عیار امروز نرخ ۲۴ میلیون و ۹۲۵ هزار تومان و سکه طرح جدید ۲۵۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان را ثبت کرده است؛ هرچند در کانال‌های تلگرامی غیررسمی، طلای گرمی به ۲۵ میلیون و ۸۲ هزار و ۵۳۱ تومان هم رسیده است. تجارت‌نیوز با اشاره به جهش سکه، تاکید کرد افزایش دلار «اثر

کاهش اونس جهانی طلا را خنثی ساخته است». خبرآنلاین به نقل از ایسنا، ماندگاری اونس نزدیک کف هفت هفته‌ای را با نگرانی از تداوم بهره بالای آمریکا مرتبط دانست؛ بنابراین محرک صعود داخلی در این داده‌ها، افزایش نرخ ارز است.

بورس؛ رشد شاخص همراه با جذب عرضه

❖ تصویر تابلوی بازار، شاخص کل را حدود ۷ میلیون و ۵۹۴ هزار و ۹۵۲ واحد، رشد را ۱,۸۲ درصد و ارزش معاملات را ۴۲,۵ همت نشان می‌دهد. ارزش دلاری بازار نیز ۹۸,۹ میلیارد دلار ثبت شده است. تجارت نیوز آغاز عرضه از بانکی‌ها و بازگشت تقاضا را گزارش کرد و در تحلیل این بازار نوشت، ۷۴ درصد بازار مثبت ماند و هم‌وزن ۱,۲۵ درصد رشد کرد. اقتصاد نیوز بازگشت معاملات به ۴۲,۹ همت را نشانه تقویت داد و استدعا دانست. عصر اقتصاد نیز با عبارت «دلار همچنان می‌تازد، شاخص کل در پی آن»، نقش رشد ارز در صعود بورس را برجسته کرد.

کریپتو؛ تفکیک رشد جهانی از جهش ریالی

❖ اقتصاد آنلاین بیت کوین را ۸۳,۸۷۲ دلار با رشد ۰,۹۷ درصدی و اتریوم را ۲۶۹۵ دلار با افزایش ۱,۷۸ درصدی گزارش کرد. جهش ۲۱,۶۸ درصدی هدرادر کنار افت زی‌کش و نیز، از ناهمگونی بازار حکایت دارد. این رسانه ورود ۲,۴ میلیارد دلار به صندوق‌های نقدی بیت کوین را برجسته کرد. آخرین فروش تتر نیز در کانال‌های تلگرامی ۲۵۳,۵۱۸ تومان بود.

جمع‌بندی

بررسی داده‌های منتشر شده از بازارها از غلبه انگیزه حفظ ارزش دارایی و حساسیت بازارها به ریسک سیاسی حکایت دارند. رشد همزمان ارز طلا و بورس، نشانه بهبود متغیرهای اقتصاد نیست. در عرصه رسانه‌ای، مقایسه عملکرد دولت‌ها و پست ایکس بسنت، افزایش دلار را به موضوع مسئولیت‌پذیری داخلی و اثربخشی فشار خارجی تبدیل می‌کنند.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های منطقه و رژیم صهیونیستی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ تمجید از رد پیشنهاد ایران از سوی ترامپ با ادعای جلوگیری وی از تبدیل اهرم هرمز به ابزار باج‌گیری تهران
- ❖ تصویرسازی از پیشنهاد هفت روزه ایران به عنوان نشانه فشار و استیصال تهران در پوشش ابتکار دیپلماتیک
- ❖ اعتباربخشی به راهبرد فشار آمریکا با ادعای وادار شدن ایران به ارائه پیشنهاد تحت تأثیر فشارهای اقتصادی
- ❖ برجسته‌سازی منطق بازدارندگی ترامپ با بازنمایی پذیرش پیشنهاد ایران به عنوان «پیروزی روانی» برای تهران
- ❖ ادعای تلاش تهران برای بهره‌برداری از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا و نگرانی جمهوری خواهان از افزایش قیمت انرژی
- ❖ جوسازی درباره توافق قریب الوقوع ایران و آمریکا در سایه روایت‌های متناقض از توقف احتمالی غنی‌سازی
- ❖ برجسته‌سازی معامله «امتیاز هسته‌ای در برابر تخفیف تحریم‌ها» به عنوان محور احتمالی توافق ایران و آمریکا
- ❖ گمانه‌زنی درباره موافقت ایران با توقف غنی‌سازی در برابر کاهش تحریم‌ها با وجود تکذیب انعطاف هسته‌ای از سوی تهران
- ❖ فضا سازی پیرامون امکان توافق با وجود تکذیب ارائه مشوق اقتصادی از سوی ترامپ و تأکید منابع آمریکایی بر تداوم اختلافات
- ❖ ادراک سازی از کارکرد اقتصادی روایت توافق با پیوند زدن مذاکرات، افزایش عبور نفت از هرمز و انتخابات میان دوره‌ای آمریکا
- ❖ بازنمایی طولانی شدن مذاکرات به عنوان فرصتی برای استمرار فشار و فرسایش اقتصادی ایران و مطالبه امتیازات گسترده‌تر
- ❖ وارونه سازی مطالبه ایران برای توقف حملات رژیم صهیونیستی به لبنان با متهم سازی تهران به «قمار با کارت بیروت»
- ❖ متهم سازی ایران به مداخله در حاکمیت لبنان با برجسته سازی مخالفت بیروت با گنجاندن لبنان در مذاکرات تهران و واشنگتن
- ❖ اعتبارزدایی هم‌زمان از ایران و حزب الله با بازنمایی مقاومت لبنان به عنوان نیروی وابسته به

تصمیمات تهران

- ❖ تهدیدنمایی از پیام رهبر انقلاب با تمرکز رسانه های عبری بر اخراج نیروهای آمریکایی از دریای عرب
- ❖ بازتاب جهت دار پیام رهبر انقلاب با برجسته سازی بخش دریایی و پیوند زدن آن به احتمال تشدید تقابل ایران و آمریکا
- ❖ فضا سازی درباره افزایش تنش های داخلی عراق بر سر تبعیت بغداد از محدودیت های هوایی آمریکا علیه ایران
- ❖ برجسته سازی اعتراض های مردمی و پارلمانی عراق به محدودیت پروازهای ایران و فشارهای ناشی از تحریم های ثانویه آمریکا
- ❖ گمانه زنی درباره اهداف چندگانه نتانیا هواز سفر به ابوظبی با تمرکز بر مهار ایران و تقویت معماری امنیتی منطقه ای
- ❖ ادراک سازی از تداوم آسیب پذیری رهبران محور مقاومت با تسری الگوی ترور سید حسن نصرالله به ایران
- ❖ تهدیدنمایی از احتمال بازگشت به جنگ با ایران با برجسته سازی آمادگی نظامی رژیم صهیونیستی و استقرار جنگنده های آمریکایی
- ❖ طرح ادعا درباره مطالبه تضمین عدم حمله اسرائیل به عنوان شرط مصالحه هسته ای ایران و بازنمایی آن به عنوان نشانه نگرانی تهران از توان نظامی رژیم

رصد و تحلیل

تمجید از رد پیشنهاد ایران از سوی ترامپ با ادعای جلوگیری وی از تبدیل اهرم هرمز به ابزار باجگیری تهران

آدولفو فرانکو، استراتژیست جمهوری خواه و از حامیان انتخاباتی پیشین دونالد ترامپ، در یادداشتی در الجزیره با عنوان «ترامپ تصمیم درستی برای رد پیشنهاد ایران گرفت»، از مخالفت رئیس جمهور آمریکا با پیشنهاد تهران برای بازگشایی هفت روزه تنگه هرمز تمجید کرده و آن را نه یک فرصت از دست رفته دیپلماتیک، بلکه اقدامی ضروری برای حفظ «بازدارندگی» آمریکا معرفی کرده است.

تصویرسازی از پیشنهاد ایران به عنوان نشانه فشار و استیصال

فرانکو مدعی شده که پیشنهاد هفت روزه تهران «نشانه استیصال در پوشش ابتکار دیپلماتیک» بوده و ایران قصد داشته با ایجاد یک وقفه کوتاه، از فشارهای آمریکا بکاهد، ائتلاف بین المللی علیه خود را دچار شکاف کند و در داخل کشور تصویر کنترل اوضاع را به نمایش بگذارد. نویسنده همچنین مدعی است ارائه این پیشنهاد نشان می دهد راهبرد فشار آمریکا مؤثر بوده و اقتصاد ایران تحت

فشار قرار گرفته است.

تمجید از ترامپ با برجسته سازی منطق بازدارندگی

نویسنده پذیرش پیشنهاد ایران را به معنای به رسمیت شناختن توان تهران برای استفاده از هرمز به عنوان اهرم فشار بر تجارت جهانی می داند. از نگاه وی، ترامپ با رد پیشنهاد نشان داده واشنگتن حاضر نیست آزادی کشتیرانی را به موضوع یک معامله موقت تبدیل کند. فرانکو حتی پذیرش توافق را بالقوه یک «پیروزی روانی» برای ایران توصیف می کند.

ادعای تلاش تهران برای بهره برداری از انتخابات میان دوره ای

محور دیگر یادداشت، این ادعاست که تهران عمداً در آستانه انتخابات میان دوره ای آمریکا پیشنهاد خود را مطرح کرده تا از نگرانی جمهوری خواهان درباره افزایش قیمت انرژی و هزینه سیاسی جنگ بهره برداری کند. فرانکو بر همین اساس، پذیرش ریسک افزایش قیمت نفت از سوی ترامپ را نشانه اراده سیاسی و «بازدارندگی معتبر» معرفی می کند.

در مجموع، یادداشت با بازنمایی پیشنهاد ایران به عنوان محصول فشار و نه ابتکار دیپلماتیک، رد آن را شاهی بر موفقیت راهبرد واشنگتن توصیف کرده؛ روایتی تمجیدآمیز که حتی خطر تشدید تنش در خلیج فارس را در برابر ضرورت حفظ فشار بر تهران، ریسکی قابل پذیرش ارزیابی و تلویحاً پیشنهاد می کند.

جوسازی درباره توافق قریب الوقوع ایران و آمریکا در سایه روایت های متناقض از توقف احتمالی غنی سازی

در پی رد پیشنهاد هفت روزه ایران از سوی دونالد ترامپ، فضای رسانه ای منطقه به سرعت از «رد توافق» به سمت احتمال اصلاح طرح و شکل گیری معامله ای بر محور امتیاز هسته ای در برابر کاهش فشار اقتصادی تغییر کرده است. با این حال، روایت های منتشر شده درباره محتوای گفت وگوها به شدت متعارض اند و هنوز نشانه ای از توافق نهایی وجود ندارد. ترامپ ضمن تأیید انتظار خود برای ادامه تماس ها، گفته است که پیشنهاد تهران با توافق مورد نظر او فاصله دارد؛ اکسیوس نیز اختلاف اصلی را تمرکز ایران بر هرمز و محاصره دریایی در برابر اصرار واشنگتن بر امتیازات هسته ای توصیف کرده است.

برجسته سازی «توافق هسته ای در برابر تخفیف تحریم ها»

الحدث به نقل از منابع خود مدعی شده که ایران در برابر کاهش تحریم های آمریکا با توقف غنی سازی موافقت کرده است. هم زمان شبکه ۱۲ اسرائیل، جروزالم پست، الجزیره و اکسیوس به نقل از مقام های آمریکایی از آمادگی ترامپ برای بررسی کاهش تحریم ها و آزاد سازی دارایی های مسدود شده ایران

در برابر «پیشرفت ملموس هسته‌ای» خبر دادند. وال استریت ژورنال نیز خط مشابهی را دنبال کرده و نوشته میانجی‌ها تهران را برای ارائه امتیازات هسته‌ای تحت فشار قرار داده‌اند.

اما این روایت با داده‌های دیگر به ویژه موضع رسمی تهران سازگار نیست. یک مقام ایرانی گزارش انعطاف تهران در موضع هسته‌ای را رد کرده و خبرنگار الجزیره نیز گزارش داده پیشنهاد جدید ایران در مرحله نخست فاقد تعهد هسته‌ای است. عراقچی نیز گفته دیدار تازه صرفاً با میانجی قطری انجام شده و «ایده‌هایی» برای تحقق شروط ایران بررسی شده است. بنابراین، گزارش «توقف غنی‌سازی» در شرایط فعلی بیش از آنکه توافقی احراز شده باشد، یک گمانه‌زنی رسانه‌ای در میانه چانه‌زنی است.

تکذیب ترامپ و تداوم گفتار درمانی رسانه‌ای

این ابهام با واکنش مستقیم ترامپ افزایش یافته است. پس از گزارش اکسیوس درباره آمادگی او برای ارائه مشوق اقتصادی، رئیس جمهور آمریکا در توئیتر نوشته است: «من هیچ چیزی به آنها پیشنهاد نکردم». رویترز نیز تکذیب ترامپ را در کنار استمرار تماس‌های غیرمستقیم و آمادگی اعلامی تهران برای دیپلماسی بازتاب داده است.

در عین حال، العربیه والحدث به نقل از یک مقام آمریکایی احتمال دستیابی به توافق را «بسیار اندک» و شکاف‌ها را گسترده توصیف کرده‌اند؛ تصویری که با روایت خوش بینانه «مذاکرات مثبت و سازنده» تعارض آشکار دارد. بنابراین بخش مهمی از اخبار کنونی را می‌توان گفتار درمانی پیرامون امکان توافق دانست؛ فضایی که بدون تحقق معامله نیز قادر است انتظارات سیاسی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد.

نفت، انتخابات میان دوره‌ای و کارکرد اقتصادی روایت توافق

این خطر رسانه‌ای با تحولات بازار انرژی نیز هم‌زمان شده است. ترامپ مدعی شده در یک روز بیش از ۲ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور کرده و یک مقام دفاعی آمریکا رقم ۲۲ میلیون بشکه را مطرح کرده است. در مقابل داده‌های ارائه شده از سوی کپلر، متوسط صادرات نفت خام از هرمز در سپتامبر را حدود ۷.۴ میلیون بشکه در روز نشان می‌دهد؛ مجموع صادرات منطقه‌ای نیز به حدود ۱۲.۸ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. این ارقام نشان دهنده بهبود جریان انرژی هستند، اما به معنای بازگشت کامل وضعیت پیش از جنگ نیستند.

هم‌زمان ترامپ صراحتاً پیروزی آمریکا را به کاهش قیمت سوخت پیوند زده است. هم‌زمانی انتشار اخبار «نزدیکی توافق»، افزایش عبور نفت و نزدیک شدن انتخابات میان دوره‌ای می‌تواند کارکردی فراتر از دیپلماسی داشته باشد: کاهش صرف ریسک نفت، مهار فشار قیمت سوخت و محدود کردن

هزینه سیاسی جنگ برای جمهوری خواهان.

خرید زمان یا حرکت به سوی توافق مرحله‌ای؟

برآیند تحولات موجود نشان می‌دهد که مهم‌ترین اختلاف اکنون ظاهراً بر سر اصل مذاکره نیست، بلکه بر سر این است که کدام طرف ابتدا اهرم فشار خود را کنار بگذارد. تهران بدلیل بی‌اعتمادی به واشنگتن خواهان کاهش محاصره و فشار اقتصادی پیش از ورود به معامله هسته‌ای است؛ واشنگتن در مقابل خواهان اقدام هسته‌ای قابل سنجش پیش از ارائه امتیازات اقتصادی است. میانجی‌های قطری نیز روی نسخه اصلاح شده پیشنهاد هفت‌روزه کار می‌کنند.

از منظر تحلیلی، طولانی شدن این فرآیند می‌تواند برای واشنگتن مزیت داشته باشد؛ حفظ مذاکرات در کنار ادامه تحریم و محاصره، زمان بیشتری برای فرسایش اقتصادی ایران فراهم می‌کند و امکان مطالبه امتیازات گسترده‌تر در مرحله بعد را افزایش می‌دهد. در مقابل، تهران با حفظ نااطمینانی در هرمز تلاش می‌کند مانع تبدیل زمان به اهرم یک طرفه آمریکا شود.

وارونه‌سازی مطالبه ایران برای توقف حملات رژیم صهیونیستی به لبنان با متهم‌سازی تهران به «قمار با کارت بیروت»

در شرایطی که ایران توقف جنگ و حملات رژیم صهیونیستی در همه جبهه‌ها از جمله لبنان را در زمره شروط خود برای پایان درگیری منطقه‌ای مطرح کرده، یادداشت خالد بن حمد المالک در الجزیره با عنوان «قمار تهران با کارت بیروت؛ چرا جمهوری اسلامی ایران به جای لبنان تصمیم می‌گیرد؟» این مطالبه رانه تلاشی برای توقف حملات، بلکه «استفاده ابزاری از لبنان» برای گرفتن امتیاز از واشنگتن بازنمایی کرده است.

وارونه‌سازی مطالبه توقف حملات به لبنان

خالد بن حمد المالک مدعی شده که تهران با گنجاندن توقف حملات اسرائیل به حزب‌الله در شروط خود، چنان رفتار می‌کند که گویی «لبنان بخشی از ایران» است. این روایت با برجسته‌سازی مواضع رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر لبنان مبنی بر اینکه تنها دولت بیروت حق مذاکره درباره لبنان را دارد، تلاش می‌کند پیوند زدن پایان حملات به لبنان با توافق منطقه‌ای را به مداخله ایران در حاکمیت لبنان تعبیر کند.

کم‌رنگ‌سازی ناکامی مسیر دیپلماتیک بیروت

این روایت در حالی مطرح می‌شود که مذاکرات مستقیم لبنان و رژیم صهیونیستی با میانجی‌گری آمریکا پس از چندین دور هنوز به توقف پایدار عملیات نظامی منجر نشده است. مذاکرات از اوایل اوت عملاً متوقف شده و دور بعدی نیز به تعویق افتاده است. در همین دوره، حملات ارتش اسرائیل به جنوب لبنان ادامه یافته و حتی پس از توافقی‌های آتش‌بس، حملات مرگبار و تخریب زیرساخت‌ها گزارش شده است.

اعتبارزدایی همزمان از ایران و حزب الله

یادداشت در ادامه با تخریب حزب الله، مقاومت لبنان را نیرویی معرفی کرده که به دستور تهران از خلع سلاح خودداری کرده و مدعی شده این گروه «به آخر خط رسیده» و دیگر جایگاه گذشته خود را بازیابی نخواهد کرد. در این چارچوب، ناکامی میانجی‌گری آمریکا و تداوم حملات اسرائیل در حاشیه قرار گرفته و **مطالبه تهران برای توقف همان حملات، به «قمار بر سر لبنان» تغییر معنا داده می‌شود.** این چارچوب روایی، همزمان با تشدید اختلافات درباره خلع سلاح حزب الله، زمینه انتقال مسئولیت استمرار بحران از رژیم صهیونیستی و ناکارآمدی سازوکار مذاکرات به ایران و حزب الله را فراهم می‌کند.

تهدیدنمایی از پیام رهبر انقلاب با تمرکز رسانه‌های عبری بر اخراج نیروهای آمریکایی از دریای عرب

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت هفته دفاع مقدس و دومین سالگرد شهادت سید حسن نصرالله، در رسانه‌های عبری، عربی و منطقه‌ای عمدتاً در دو قاب متفاوت بازتاب یافته است: رسانه‌های صهیونیستی بخش مربوط به عقب‌راندن نیروهای دشمن از آب‌های پیرامونی ایران و تهدید به خروج آنان از دریای عرب را برجسته کردند؛ رسانه‌های نزدیک به حزب الله و انصارالله نیز بر میراث سید حسن نصرالله و استمرار مسیر وی تمرکز نموده‌اند.

تایمز آو اسرائیل با باز نشر گزارش رویترز، تیتراژ خود را بر این گزاره قرار داد که «نیروهای دشمن به زودی از دریای عرب رانده خواهند شد» و نوشته **رهبر ایران مدعی شده نیروهای دشمن از آب‌های جنوبی ایران به دریای عرب عقب رانده شده‌اند.** این نوع بازتاب، پیام را عمدتاً به عنوان هشدار مستقیم به حضور دریایی آمریکا و بخشی از منازعه هرگز صورت‌بندی کرده است. رسانه‌های بین‌المللی منطقه‌ای نیز همین بخش را در متن بن‌بست جاری تهران و واکنش‌گتن برجسته کرده‌اند.

در مقابل، المنار، المسیره و رسانه‌های یمنی نزدیک به انصارالله بخش‌های مربوط به سید حسن نصرالله را در صدر قرار دادند؛ از جمله این گزاره که «مکتب، سخنان صادقانه و اقدامات شجاعانه» سید حسن نصرالله همچنان الهام‌بخش است و او «نام لبنان را از یک عرصه حاشیه‌ای به جایگاهی بزرگ رساند». این رسانه‌ها همچنین تأکید رهبر انقلاب بر ادامه مسیر رهبر شهید مقاومت توسط شیخ نعیم قاسم را برجسته کردند.

الجدید نیز سالگرد شهادت سید حسن نصرالله را محور بازتاب پیام قرار داده، در حالی که پوشش رسانه‌های عبری عمدتاً بخش دریایی و نظامی آن را جدا کرده و به وضعیت جاری جنگ پیوند زده‌اند. پوشش ترکیه‌ای و منطقه‌ای نیز بیشتر پیام رادر چارچوب اعتماد به نفس تهران پس از ماه‌ها جنگ و تلاش برای تثبیت بازدارندگی دریایی قرار داده است.

نحوه گزینش بخش‌های پیام‌نشان می‌دهد هر طیف رسانه‌ای آن را متناسب با مسئله اصلی مخاطبان خود بازتعریف کرده است. رسانه‌های مقاومت در پی نمایش تداوم سازمانی حزب‌الله و انتقال میراث سید حسن نصرالله به رهبری جدید بوده؛ و بر تداوم حمایت تهران از محور مقاومت تأکید کرده و رسانه‌های صهیونیستی در مقابل، پیام را عمدتاً به موازنه ایران و آمریکا در هرمنز پیوند زده و کوشیده‌اند بر دامنه‌ی نزاع و احتمال وقوع درگیری جدید در منطقه تأکید ورزند.

افزایش تنش‌های داخلی در عراق بر سر تبعیت بغداد از محدودیت‌های هوایی آمریکا علیه ایران

بحران محدودیت پروازهای ایران به عراق و بالعکس با احتمال از سرگیری پروازهای هواپیمایی عراق میان نجف و ایران وارد مرحله تازه‌ای شده است. رویترز گزارش داده واشنگتن در حال اعطای یک معافیت محدود یک ماهه است که صرفاً به هواپیمایی عراق اجازه جابه‌جایی مسافر میان نجف و ایران را می‌دهد و احتمال تمدید آن نیز بررسی می‌شود.

الجزیره در راستای توجیه اقدامات بغداد گزارش داده که توقف پروازها ناشی از نگرانی فرودگاه‌ها و پیمانکاران از تحریم‌های ثانویه آمریکا بوده است. دولت مردان عراقی نیز تأکید کرده‌اند تصمیم رسمی برای ممنوعیت ایران صادر نکرده، اما شرکت‌های خدمات زمینی از بیم مجازات‌های خزانه‌داری آمریکا همکاری نمی‌کنند. بنابراین عراق در سایر محدودیت‌ها عملاً فشار واشنگتن را پذیرفته و فقط برای نجف یک مسیر استثنایی ایجاد کرده است.

هم‌زمان با عدم عقب‌نشینی دولت بغداد اعتراض‌های مردمی از نجف به ناصریه، میسان و بصره گسترش یافته و بیش از ۵۰ نماینده مجلس نیز برای بازنگری در محدودیت‌ها فعال شده‌اند. هم‌زمان الحرة نوشته است که سران قوای عراق ضمن حمایت از مستثنی شدن نجف، هم‌زمان بر انحصار تصمیم جنگ و صلح در اختیار دولت و کنترل سلاح خارج از ساختار رسمی تأکید کرده‌اند.

اوج تنش‌ها با ورود کتائب حزب‌الله به موضوع رقم خورده است. این عضو محور مقاومت هشدار داده در صورت رفع نشدن محدودیت‌ها تا اول اکتبر، گذرگاه‌های مرزی کشورهای مشارکت‌کننده در «محاصره هوایی» را مسدود خواهد کرد و مدعی شده برای شناسایی و در صورت لزوم سرنگونی «هواپیماهای متخاصم» آسمان عراق را رصد خواهد کرد. در مواضع منتشرشده حتی دولت عراق نیز به اقدام برای سرنگونی در صورت بی‌اعتنایی به مطالبات تهدید شده است.

برآورد می‌شود اعطای معافیت به فرودگاه نجف پیش از عقب‌نشینی کامل نظامیان آمریکایی از عراق، صرفاً سازوکاری برای مهار فشار اجتماعی و مذهبی است. ادامه بحران می‌تواند به چالشی بزرگ‌تر برای دولت تازه‌علی‌الزیدی مبدل شود. دولت وی به دلیل تبعیت محض از سیاست‌های آمریکا مورد انتقاد طیف گسترده‌ای از چارچوب هماهنگی شیعی قرار گرفته است.

تداوم گمانه‌زنی‌ها درباره اهداف چندگانه نتانیا‌هو از سفر به ابوظبی؛ از مهار ایران تا مدیریت پرونده هفتم اکتبر

سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به امارات متحده عربی و حواشی پیرامون آن همچنان در صدر اخبار سرزمین‌های اشغالی و رسانه‌های منطقه‌ای قرار دارد. جزئیات تازه سفر نتانیا‌هو به ابوظبی نشان می‌دهد ملاقات با محمد بن زاید رانمی‌توان صرفاً یک دیدار دوجانبه دانست؛ پرونده ایران، آینده معماری امنیتی منطقه، بحران مسئولیت هفتم اکتبر و انتخابات پیش روی کنست هم‌زمان بر این سفر سایه انداخته‌اند. جروزالم پست گزارش داده نتانیا‌هوشش ساعت در امارات حضور داشت، ایران موضوع اصلی مذاکرات بود و دور هبر طی هفته‌های قبل نیز چند بار تلفنی گفت‌وگو کرده بودند.

ماهیت هیئت همراه نیز معنا دار بوده و مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. بر اساس گزارش‌های عبری، رئیس موساد و رئیس شورای امنیت ملی رژیم، نتانیا‌هو را همراهی کرده‌اند که وزن امنیتی ملاقات را افزایش می‌دهد. این در حالی است که در سطح رسمی، امارات صرفاً از بررسی روابط دوجانبه و راه‌های توسعه آن سخن به میان آورده است.

در پرونده ایران، اهداف محتمل نتانیا‌هو فراتر از بررسی وضعیت جاری جنگ است. آینده مذاکرات تهران و واشنگتن، تداوم یا کاهش فشار اقتصادی و دریایی، امنیت هرمز، توسعه مسیرهای انرژی خارج از تنگه و حفظ همکاری اطلاعاتی و دفاعی با ابوظبی همگی در حوزه منافع مشترک دو طرف قرار دارند. امارات بازیر ساخت فجیره و موقعیت خود در دریای عمان، بازیگری مهم در هر معماری منطقه‌ای برای کاهش وابستگی به هرمز محسوب می‌شود. پرونده یمن و باب‌المندب و موازنه منطقه‌ای در برابر افزایش وزن ترکیه و قطر نیز از حوزه‌های هم‌پوشان دو طرف است، هرچند تأییدی رسمی درباره طرح همه این موضوعات در ملاقات منتشر نشده، با این حال ناظرین منطقه‌ای عمدتاً بر مباحث فوق متمرکز شده‌اند.

بعد دوم سفر به موضوعات داخلی رژیم اختصاص دارد. جروزالم پست گزارش داده نتانیا‌هو برای انجام ملاقات پیش از انتخابات فشار «به ویژه سنگینی» بر امارات وارد کرده و حتی برنامه یک سفر قبلی در آخرین لحظه لغو شده بود. از این منظر، نمایش **دسترسی مستقیم به بن‌زاید می‌تواند به نتانیا‌هو برای دفاع از میراث پیمان ابراهیم ورد این تصور کمک کند که کشورهای عربی در انتظار دولت بعدی اسرائیل هستند.**

موضوع سوم به هشدارهای پیش از هفتم اکتبر باز می‌گردد که نتانیا‌هو را در سرزمین‌های اشغالی آماج حملات قرار داده است. آسوشیتدپرس به نقل از منابعی گزارش داده نتانیا‌هو از بن‌زاید خواسته ادعای هشدار امارات درباره حمله قریب الوقوع حماس را علناً رد کند؛ دفتر نخست وزیر اسرائیل این

روایت را تکذیب کرده است. این موضوع هم‌زمان با تشدید منازعه نتانیا‌هو با رونن بار، رئیس پیشین شاباک، بار انتخاباتی بیشتری پیدا کرده است.

در سطح گسترده‌تر، ابوظبی برای تل‌آویو در آینده غزه، توسعه پیمان ابراهیم، یمن و دریای سرخ، مسیرهای هند-خاورمیانه-اروپا و همکاری‌های امنیتی خلیج فارس اهمیت دارد. از این منظر، سفر رامی توان تلاشی برای حفظ امارات در مرکز شبکه منطقه‌ای رژیم صهیونیستی در دوره پساجنگ دانست.

ادراک‌سازی از تداوم آسیب‌پذیری رهبران محور مقاومت با تسری الگوی ترور سید حسن نصرالله به ایران

هم‌زمان با فعال بودن کانال‌های میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن، رسانه‌های صهیونیستی خط موازی آمادگی برای بازگشت به جنگ با ایران را برجسته و مدام به آن ضریب می‌دهند. شبکه ۱۲ رژیم گزارش داده نهاد‌های نظامی و امنیتی این رژیم برای احتمال ازسرگیری درگیری آماده می‌شوند؛ هم‌زمان دو اسکادران جنگنده آمریکایی نیز طی ۲۴ ساعت وارد پایگاه عوودا در جنوب اسرائیل شده‌اند، رخدادی که محافل صهیونیستی آن را در امتداد آمادگی‌های فزاینده برای حمله به ایران ارزیابی کرده‌اند.

خط تهدید مستقیم‌تر در روایت تازه افسران اطلاعاتی و نیروی هوایی دخیل در عملیات ترور سید حسن نصرالله قابل مشاهده است. آنان با تشریح سطح اشراف اطلاعاتی رژیم بر رهبر شهید حزب‌الله مدعی شده‌اند هر رهبری که نابودی اسرائیل را دنبال کند هدف قرار خواهد گرفت و در همین چارچوب رهبر کنونی ایران را نیز صریحاً به ترور تهدید کرده‌اند. این گزاره، ترور نصرالله را به عنوان نمونه‌ای برای نمایش قابلیت هدف‌گیری رأس ساختارهای رقیب به کار می‌گیرد.

هم‌زمانی این خط تهدید با مذاکرات غیرمستقیم واجد اهمیت است. در یک ارزیابی رسانه‌ای، حفظ گزینه جنگ و ترور می‌تواند ابزاری برای افزایش هزینه عدم توافق و فشار بر تهران برای انعطاف بیشتر در پرونده هسته‌ای باشد. در عین حال، همین تهدیدها می‌توانند نتیجه معکوس ایجاد کنند: افزایش بی‌اعتمادی تهران به دوام توافق و تقویت مطالبه تضمین عدم حمله رژیم صهیونیستی پس از مصالحه. بنابراین دو پیام متضاد به طور هم‌زمان در حال گردش است: دیپلماسی می‌تواند توافق ایجاد کند، اما گزینه نظامی از میز کنار نرفته است. تداوم این دوگانگی احتمالاً یکی از عوامل تعیین‌کننده در محاسبه تهران درباره میزان امتیازدهی و ارزش هرگونه تضمین آمریکایی خواهد بود.

طرح ادعا درباره مطالبه تضمین عدم حمله اسرائیل به عنوان شرط مصالحه هسته‌ای ایران

هم‌زمان با فشار میانجی‌ها برای وارد کردن پرونده هسته‌ای به مذاکرات ایران و آمریکا، محافل

صهیونیستی خط خبری تازه‌ای را برجسته کرده‌اند که بر اساس آن ادعا شده تهران هرگونه مصالحه هسته‌ای را به دریافت تضمین درباره عدم حمله مجدد اسرائیل پس از توافق با واشنگتن مشروط کرده است.

شبکه ۱۲ رژیم این مطالبه ادعایی را «**تضمین کتبی**» توصیف کرده و مدعی شده یک مقام ارشد درگیر در مذاکرات گفته ایران پیش‌تر در گفت‌وگوها به مصالحه هسته‌ای نزدیک شده بود. در مقابل، روایت منتشرشده از سوی وال استریت ژورنال، جروزالم پست و آنا تولی محتاطانه‌تر است و از مطالبه «تضمین صریح» درباره عدم حمله اسرائیل سخن می‌گوید.

گزارش‌های مذکور هم‌زمان با ارزیابی واذعان برخی مقام‌های منطقه‌ای منتشر شده که می‌گویند **تهران معتقد است قادر به تحمل محاصره طولانی یا حتی دور تازه بمباران است** و به همین دلیل پس از رد پیشنهاد هفت روزه از سوی ترامپ، امتیاز تازه‌ای ارائه نکرده است. از این منظر، مطالبه تضمین امنیتی-در صورت صحت-می‌تواند تلاشی برای جلوگیری از سناریویی باشد که ایران ابتدا محدودیت هسته‌ای را می‌پذیرد اما سپس همچنان در معرض حمله رژیم باقی می‌ماند.

در سطح رسانه‌ای، اهمیت این روایت برای تل‌آویو در پیوند زدن هر توافق هسته‌ای احتمالی با **محدود شدن آزادی عمل نظامی تل‌آویو** است. این مسئله می‌تواند مخالفت محافل امنیتی صهیونیستی با توافقی را افزایش دهد که صرفاً بر پرونده هسته‌ای متمرکز باشد. سوی مهم‌تر این خطر روایی در **القای نگرانی و هراس تهران از توان نظامی رژیم استوار** است. محافل صهیونیستی می‌کوشند با کنترل افکار عمومی و **اثرگذاری مثبت به نفع لیکود در آستانه انتخابات**، تهران را در جایگاه نگران و طرف ضعیف‌تر در مواجهه احتمالی با دشمن صهیونیستی به تصویر کشند.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های غربی و آمریکایی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❶ **دوگانه فشار و معامله** در مواضع ترامپ و رویکرد متمرکز بر تکذیب ارائه مشوق اقتصادی و مطالبه امتیازات هسته‌ای از ایران
- ❷ **تداوم بازنمایی راهبرد فشار حداکثری آمریکا** با پیوند دادن فشار اقتصادی، تهدید نظامی و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای در ادبیات کاخ سفید
- ❸ **برجسته‌سازی پرونده هسته‌ای ایران** به عنوان محور اصلی هر توافق احتمالی میان تهران و

واشنگتن در برابر تمرکز ایران بر رفع فشارهای اقتصادی و محاصره دریایی

❖ هراس افکنی درباره توان موشکی و پهپادی ایران با ادعای روبیو مبنی بر تلاش تهران برای ایجاد «سپر بازدارنده» و حرکت به سمت توان هسته‌ای

❖ تصویرسازی منفی از جمهوری اسلامی با پیوند دادن وضعیت اقتصادی ایران، برنامه‌های تسلیحاتی و حمایت از گروه‌های منطقه‌ای در روایت وزیر خارجه آمریکا

❖ بازنمایی «کنترل اجتماعی در داخل» و «فشار بر مخالفان در خارج» به عنوان یک چارچوب واحد در روایت‌های بی‌بی‌سی و نیویورک پست درباره ایران

❖ برجسته‌سازی پرونده پرستو احمدی و مسئله حجاب از سوی بی‌بی‌سی برای بازنمایی برخورد قضایی با کنش‌های فرهنگی و اجتماعی در ایران

❖ برجسته‌سازی فشارهای سیاسی داخلی بر جمهوری خواهان آمریکا با محوریت هزینه‌های جنگ ایران، قیمت انرژی و نگرانی از انتخابات میان دوره‌ای

❖ بازتاب اختلافات درون حزب جمهوری خواه درباره مدیریت جنگ ایران و تلاش برخی نامزدها برای فاصله‌گیری از سیاست‌های کاخ سفید در آستانه انتخابات

❖ ادراک‌سازی از رقابت‌های درون ساختار قدرت ایران پس از جنگ با تمرکز بر اختلاف میان جریان‌های امنیتی، عملگرا و ایدئولوژیک درباره مسیر آینده کشور

❖ ادراک‌سازی از موفقیت راهبرد فشار حداکثری ترامپ با ادعای تضعیف توان اقتصادی، شبکه مالی و اهرم‌های منطقه‌ای ایران در روایت نیویورک پست

رصد و تحلیل

دوگانه فشار و معامله در مواضع ترامپ و روبیو با تکیه مشوق اقتصادی و اصرار بر امتیاز هسته‌ای ایران

همزمان با تداوم میانجی‌گری قطر و پاکستان میان تهران و واشنگتن، اظهارات دونالد ترامپ و مارکو روبیو تصویری دوگانه از موضع دولت آمریکا ارائه می‌دهد؛ از یک سو تأکید بر پیروزی قریب الوقوع، تداوم فشار اقتصادی و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و از سوی دیگر، انتشار گزارش‌هایی درباره بررسی مشوق‌های اقتصادی در برابر امتیازات هسته‌ای. مهم‌ترین جلوه این وضعیت، تعارض میان گزارش آکسیوس و تکیه مستقیم ترامپ است.

تکذیب ترامپ در برابر روایت آکسیوس از مشوق اقتصادی

آکسیوس به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داد ترامپ حاضر است در برابر «اقدامات ملموس» ایران در پرونده هسته‌ای، بخشی از تحریم‌ها را کاهش داده و امکان دسترسی تهران به دارایی‌های

مسدود شده را فراهم کند. به نوشته این رسانه، مذاکرات غیرمستقیم ادامه دارد و یک مقام آمریکایی تماس‌ها را «مثبت و سازنده» توصیف کرده، اما گفته است اختلاف بر سر زمان بندی تعهدات و ترتیب اقدامات همچنان پابرجاست.

ترامپ ساعاتی بعد این گزارش را به طور کامل رد کرد و در تروث سوشال نوشت:

«من هیچ چیز به آنها پیشنهاد نکردم.»

وی گزارش آکسیوس را «جعلی» خواند و خواستار پس گرفتن آن شد. این تکذیب در حالی مطرح شده که گزارش‌های مختلف همچنان نشان می‌دهد پرونده هسته‌ای اصلی‌ترین مطالبه واشنگتن در هر توافق احتمالی است؛ در مقابل، تهران بر هرمز، محاصره دریایی و فشارهای اقتصادی تمرکز دارد.

تداوم ادبیات فشار و وعده «پیروزی بسیار زود»

ترامپ همزمان در کاخ سفید اعلام کرد آمریکا در جنگ با ایران «بسیار زود» پیروز خواهد شد و بار دیگر تأکید کرد ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد. وی همچنین پایان جنگ را با کاهش شدید قیمت سوخت پیوند زد و گفت مقام‌های آمریکایی با میانجی‌گران درباره ایران در تماس بوده‌اند. در همین چارچوب، یک منبع آمریکایی به العربیه والحدث گفته است شکاف‌ها همچنان وسیع است و شانس توافق در شرایط فعلی پایین ارزیابی می‌شود. این روایت نشان می‌دهد واشنگتن همچنان فشار اقتصادی و نظامی را بخشی از اهرم مذاکراتی خود می‌داند.

روبیو و تشدید تمرکز بر پرونده هسته‌ای

مارکو روبریو در گفت‌وگو با فاکس نیوز مدعی شد جمهوری اسلامی ایران در پی آن بوده با گسترش موشک‌ها، پهپادها و دیگر تسلیحات متعارف، نوعی «سپر بازدارنده» ایجاد کند و سپس در پشت آن به سمت سلاح هسته‌ای حرکت کند. وی اقدامات ترامپ را عامل جلوگیری از تحقق این راهبرد توصیف کرد.

روبیو همچنین پرونده هسته‌ای را به هرمز و امنیت انرژی پیوند زد و مدعی شد دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌توانست قدرت تهران برای اعمال فشار بر بازار جهانی انرژی و کشتیرانی را افزایش دهد.

تمرکز بر اقتصاد ایران و تفکیک «کشور» از «حکومت»

وزیر خارجه آمریکا اقتصاد ایران را در مسیر یک «فاجعه تمام عیار» توصیف کرد و مدعی شد منابع کشور به جای بهبود معیشت مردم، صرف برنامه‌های تسلیحاتی و حمایت از گروه‌های منطقه‌ای شده است.

وی همزمان کوشید میان ایران و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی تفکیک ایجاد کند و گفت:

«مشکل ایران، خود کشور نیست؛ مشکل انقلاب است»

روبیو در ادامه، با طرح ادعاهایی درباره کشتار گسترده مخالفان داخلی، بی‌اعتنایی حاکمیت به جان مردم و وجود نگاه‌های رادیکال و آخرالزمانی در ساختار قدرت، تلاش کرد این مؤلفه‌ها را به خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای پیوند زده و استمرار فشار بر تهران را توجیه کند.

ورود پرونده امنیتی بریتانیا به ادبیات فشار

روبیو درباره حادثه امنیتی پیرامون پایگاه هوایی مورد استفاده آمریکا در بریتانیا نیز گفت این پرونده دارای ردپای یک «عامل خارجی» است، اما ایران را به طور قطعی مسئول معرفی نکرد. با وجود برخی گمانه‌زنی‌ها، تحقیقات درباره نقش احتمالی یک دولت خارجی همچنان ادامه دارد.

جمع‌بندی

مجموع مواضع ترامپ و روبیو نشان می‌دهد دولت آمریکا در سطح علنی بر فشار، تهدید و نفی اعطای امتیاز تأکید دارد، اما همزمان کانال مذاکره را کاملاً مسدود نکرده است. تکذیب ترامپ، امکان تلقی گزارش مشوق‌های اقتصادی به عنوان پیشنهاد رسمی را کاهش داده، ولی تأکید مقام‌های آمریکایی بر «اقدامات ملموس هسته‌ای» نشان می‌دهد اصل معامله همچنان روی میز است. در ادامه، مسئله تعیین‌کننده احتمالاً ترتیب اقدامات دو طرف خواهد بود؛ اینکه واشنگتن ابتدا امتیاز هسته‌ای قابل سنجش مطالبه کند یا بخشی از فشارهای اقتصادی و دریایی پیش از آن کاهش یابد.

تصویرسازی منفی از جمهوری اسلامی با پیوند «کنترل اجتماعی در داخل» و «فشار بر مخالفان در خارج» در روایت بی‌بی‌سی و نیویورک پست

انتشار هم‌زمان دو محتوای رسانه‌ای از سوی بی‌بی‌سی و نیویورک پست نشان‌دهنده شکل‌گیری یک خط‌روایی مکمل در بازنمایی جمهوری اسلامی ایران است؛ خطی که در آن، کنترل اجتماعی و قضایی در داخل کشور با ادعای امتداد نظارت، تهدید و فشار بر مخالفان در خارج از مرزها در یک چارچوب واحد قرار می‌گیرد.

بی‌بی‌سی با تمرکز بر پرونده قضایی پرستو احمدی و مسئله حجاب، تلاش دارد برخوردهای قضایی با کنش‌های فرهنگی و اجتماعی را به عنوان بخشی از الگوی محدودسازی آزادی‌های فردی و هنری برجسته کند؛ در مقابل، نیویورک پست با اتکا به روایت شخصی یک تحلیلگر ایرانی-آمریکایی و طرح موضوع سامانه «علاج»، جمهوری اسلامی را به پیگیری، شناسایی و ارباب مخالفان در خارج از کشور متهم می‌کند. نقطه تقاطع این دو روایت، القای وجود یک سازوکار کنترلی پیوسته از داخل تا خارج

ایران است؛ چارچوبی که می‌تواند در ادامه، زمینه پیوند خوردن پرونده‌های حقوق بشری داخلی با ادعاهای امنیتی و فعالیت‌های فرامرزی جمهوری اسلامی در فضای رسانه‌ای غرب را تقویت کند.

برجسته‌سازی پرونده پرستو احمدی به عنوان مصداق «مجازات کنش فرهنگی»

بی‌بی‌سی در مطلب «تأیید حکم شلاق خواننده‌ای که بدون حجاب اجرا کرد» گزارش داده دادگاه تجدیدنظر، حکم ۷۴ ضربه شلاق پرستو احمدی را که در اجرای اینترنتی آذر ۱۴۰۳ بدون حجاب ظاهر شده بود، تأیید کرده است. این رسانه همچنین به محکومیت اعضای گروه و عوامل تولید، ممنوعیت دو ساله فعالیت صوتی-تصویری و خروج از کشور وادعای وکلای متهمان مبنی بر رد تجدیدنظر بدون برگزاری جلسه رسیدگی پرداخته است. بی‌بی‌سی پرونده احمدی را به صورت منفرد روایت نکرده و با یادآوری پرونده رویا حشمتی {محکوم به شلاق به دلیل حجاب}، اعتراضات پس از مرگ مهسا امینی و برخوردهای مرتبط با اجرای قانون حجاب، کوشیده است حکم اخیر را در قالب یک روند گسترده‌تر بازنمایی کند. در همین چارچوب، واکنش گوگوش، حسین علیزاده و عفو بین‌الملل نیز برای تقویت وجه حقوق بشری روایت برجسته شده است.

انتقال روایت از «کنترل داخلی» به ادعای «سرکوب فرامرزی»

نیویورک پست در یادداشت «من حکومت ایران را افشا کردم؛ سپس تعقیب‌کننده‌لس آنجلس و تصاویر خصوصی سرقت‌شده سراغم آمدند»، مسیر متفاوتی را دنبال کرده است. نویسنده با استناد به تجربیات شخصی خود از تعقیب در لس آنجلس، هک حساب‌های کاربری، ارسال تصاویر خصوصی و دریافت تهدید، این موارد را به عوامل منتسب به جمهوری اسلامی و سپاه مرتبط می‌کند؛ با این حال، بخش مهمی از این موارد در متن در قالب برداشت وادعای شخص نویسنده مطرح شده و سند مستقلی برای انتساب هر واقعه ارائه نشده است.

نیویورک پست با قرار دادن بحث سامانه «علاج» در کنار روایت‌های مربوط به حملات سایبری و تهدید مخالفان، تلاش کرده این گزاره را برجسته سازد که خروج از ایران لزوماً به معنای خروج از حوزه فشار جمهوری اسلامی نیست؛ روایتی که نهایتاً مسئله راز حقوق ایرانیان به موضوع امنیت و آزادی بیان در خاک کشورهای غربی منتقل می‌کند.

جمع‌بندی

تقاطع‌گیری این دو محتوا نشان می‌دهد خط مشترک رسانه‌ای، بیش از تمرکز بر دو واقعه مستقل، بر ساخت تصویری یکپارچه از سازوکار کنترل جمهوری اسلامی استوار است؛ بی‌بی‌سی «داخل» را از دریچه حجاب، هنر و مجازات قضایی برجسته می‌کند و نیویورک پست «خارج» را از مسیر نظارت دیجیتال و ادعاهای مربوط به ارباب مخالفان. ترکیب این دو خط، قابلیت شکل دهی به روایت «سرکوب بدون مرز» را دارد.

برجسته‌سازی فشار انتخاباتی بر جمهوری خواهان با محوریت تبلیغات دولتی ترامپ، هزینه‌های جنگ ایران و نگرانی از انتخابات میان دوره‌ای

رسانه‌های آمریکایی در ادامه روند پوشش انتخابات میان دوره‌ای، تمرکز خود را بر افزایش فشارهای سیاسی بر حزب جمهوری خواه و دولت دونالد ترامپ قرار داده‌اند. در خط خبری جدید، موضوع استفاده دولت ترامپ از منابع عمومی برای پخش تبلیغات تلویزیونی، افزایش انتقادهای دوحزبی، و تداوم نگرانی جمهوری خواهان درباره تأثیر جنگ ایران بر هزینه‌های زندگی به محورهای اصلی بازتاب رسانه‌ای تبدیل شده است.

بازتاب مناقشه تبلیغات دولتی ترامپ و افزایش انتقادات داخلی

رویتزر گزارش داده است که سه تبلیغ تلویزیونی با هزینه منابع عمومی که در آن‌ها تصاویر و پیام‌های مرتبط با دونالد ترامپ منتشر شده، با پرسش‌های حقوقی و اخلاقی مواجه شده است. این رسانه نوشت منتقدان معتقدند این تبلیغات ممکن است با محدودیت‌های مربوط به استفاده از بودجه عمومی برای فعالیت‌های سیاسی تعارض داشته باشد، در حالی که کاخ سفید آن‌ها را «اعلامیه‌های خدمات عمومی» با هدف ترویج میهن دوستی معرفی کرده است.

در همین چارچوب، رسانه‌های مختلف بر انتقاد برخی جمهوری خواهان از این اقدام تمرکز کرده‌اند. آسوشیتدپرس گزارش داده است که هزینه این تبلیغات به حدود ۱.۵ میلیون دلار رسیده و انتقاداتها علاوه بر دموکرات‌ها، از سوی شماری از جمهوری خواهان نیز مطرح شده است. این رسانه به اظهارات جان تون، رهبر اکثریت سنا، و مایک راندز اشاره کرده که استفاده از پول مالیات دهندگان برای چنین تبلیغاتی را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

پیوند دادن تبلیغات ترامپ با نگرانی جمهوری خواهان از انتخابات

پی‌بی‌اس در گفت‌وگو با تحلیلگران انتخاباتی تأکید کرده است که برخی جمهوری خواهان حاضر در رقابت‌های نزدیک تلاش دارند انتخابات میان دوره‌ای را کمتر به شخص ترامپ مرتبط کنند، در حالی که حضور مستقیم رئیس جمهور در تبلیغات دولتی می‌تواند او را دوباره به مرکز رقابت انتخاباتی بازگرداند. تحلیلگران این رسانه همچنین تأکید کرده‌اند که دغدغه اصلی بسیاری از رأی دهندگان، موضوعاتی مانند هزینه زندگی و شرایط اقتصادی است.

همزمان، پولیتیکو گزارش داده است که سناتورهای جمهوری خواه در آستانه انتخابات تلاش می‌کنند از پیامدهای سیاسی تصمیمات اخیر کاخ سفید فاصله بگیرند. این رسانه به نگرانی فزاینده جمهوری خواهان درباره پیامدهای اقتصادی جنگ ایران و تأثیر آن بر انتخابات نوامبر اشاره کرده و نوشته است که برخی نمایندگان تلاش دارند با تمرکز بر موضوعات اقتصادی و هزینه زندگی، موقعیت انتخاباتی خود را تقویت کنند.

تداوم بازتاب نظرسنجی ها و فشار بر رقابت های انتخاباتی

در کنار مناقشه تبلیغات دولتی، رسانه های آمریکایی همچنان کاهش رضایت از عملکرد ترامپ و تأثیر آن بر رقابت های انتخاباتی را برجسته می کنند. هیل با اشاره به نظرسنجی های اخیر نوشته است که دموکرات ها در برخی سنجش های عمومی کنگره فاصله قابل توجهی با جمهوری خواهان ایجاد کرده اند و موضوعاتی مانند اقتصاد، نارضایتی از عملکرد دولت و جنگ ایران در شکل دهی به فضای انتخاباتی نقش دارند.

در همین حال، بخشی از پوشش رسانه ای برای نکته تمرکز دارد که برخی نامزدهای جمهوری خواه در رقابت های حساس، مواضعی متفاوت با ترامپ درباره جنگ ایران اتخاذ کرده اند. هیل به اظهارات شماری از جمهوری خواهان از جمله شلی مور کاپیتو اشاره کرده که با توجه به افزایش قیمت انرژی و نگرانی های اقتصادی، خواستار پایان یافتن جنگ شده اند.

جمع بندی

روند پوشش رسانه ای اخیر آمریکا نشان می دهد فضای انتخاباتی میان دوره ای بیش از گذشته تحت تأثیر هم زمانی چند خط خبری قرار گرفته است: مناقشه بر سر تبلیغات دولتی ترامپ، نگرانی جمهوری خواهان از هزینه های اقتصادی جنگ ایران، و تلاش برخی نامزدهای این حزب برای ایجاد فاصله انتخاباتی با کاخ سفید. در این چارچوب، رسانه ها اختلافات درون جمهوری خواهان را عمدتاً حول مدیریت پیام انتخاباتی، هزینه های اقتصادی و میزان حضور مستقیم ترامپ در رقابت ها بازتاب می دهند. استمرار این روند می تواند باعث شود موضوعاتی مانند اقتصاد، قیمت انرژی و عملکرد دولت، جایگاه پررنگ تری در روایت های انتخاباتی دو حزب پیدا کند.

ادراک سازی از اختلافات درون ساختار قدرت ایران پس از جنگ و تشدید رقابت بر سر

مسیر آینده جمهوری اسلامی

اندیشکده مؤسسه خاورمیانه در تحلیلی با تمرکز بر تحولات داخلی ایران پس از جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی، برای موضوع تأکید دارد که مسئله اصلی در تهران پس از تثبیت جانشینی رهبری، نه تقابل اصلاح طلبان و اصول گرایان، بلکه رقابت میان جریان های درون حاکمیت بر سر نحوه حفظ ساختار سیاسی و مدیریت شرایط جدید است. این تحلیل به قلم «الکس وطنخواه» تأکید دارد جنگ موجب فروپاشی ساختار قدرت نشد، اما موازنه های داخلی را تغییر داد و رقابت بر سر نقش نهادهای امنیتی، دولت و جریان های ایدئولوژیک را تشدید کرد.

مهم ترین نکات گزارش:

❖ جانشینی آیت الله مجتبی خامنه ای، مسئله رهبری را حل کرد اما به معنای انتقال کامل اقتدار

پیشین نیست؛ وطنخواه معتقد است رهبر جدید از جایگاه قانونی برخوردار است، اما فاقد شبکه روابط و نفوذ چند دهه‌ای رهبر پیشین بوده و بخشی از تصمیم‌سازی‌ها همچنان توسط چهره‌های با سابقه سیاسی و امنیتی انجام می‌شود.

❶ مناقشه اصلی پس از جنگ در اردوگاه حاکمیتی شکل گرفته است؛ یک جریان امنیتی-عملگرتر بر تبدیل دستاوردهای نظامی به بازسازی اقتصادی، رفع فشارها و مدیریت مذاکرات تأکید دارد، در مقابل جریان‌های تندرو هرگونه مصالحه را تهدیدی علیه اصول ایدئولوژیک تلقی می‌کنند.

❷ سپاه در این معادله نه در برابر دیپلماسی، بلکه در پی ادغام دیپلماسی در منطق امنیتی خود است؛ به گونه‌ای که مذاکره به عنوان ادامه راهبرد مقاومت و ابزاری برای کسب امتیازات اقتصادی تعریف می‌شود.

❸ فشار اقتصادی و کاهش اعتماد عمومی به یکی از متغیرهای اصلی آینده سیاسی ایران تبدیل شده است؛ برخی چهره‌های محافظه کار نیز بر اهمیت رضایت عمومی و عملکرد اقتصادی به عنوان بخشی از قدرت ملی تأکید کرده‌اند.

جمع‌بندی

تحلیل مؤسسه خاورمیانه تصویر ایران پس از جنگ را نه به عنوان نظامی در آستانه فروپاشی، بلکه به عنوان ساختاری در حال بازتنظیم قدرت ترسیم می‌کند. در این چارچوب، چالش اصلی تهران حفظ توازن میان الزامات امنیتی، نیازهای اقتصادی و کنترل شکاف‌های درون حاکمیت است. استمرار وضعیت «نه جنگ، نه صلح» می‌تواند نقش نهادهای امنیتی را تقویت کند، اما هم‌زمان فشارهای اقتصادی و اجتماعی، ضرورت بازتعریف شیوه حکمرانی را افزایش خواهد داد.

ادراک‌سازی از موفقیت راهبرد فشار حداکثری ترامپ علیه ایران با ادعای تضعیف اهرم‌های اقتصادی و منطقه‌ای تهران

زینب ربیوآ، پژوهشگر مرکز صلح و امنیت خاورمیانه در مؤسسه هادسون، در یادداشتی در نیویورک‌پست با عنوان «راهبرد ایران ترامپ در حال کار کردن است؛ آیت‌الله در حالی آسیب می‌بیند که نفت دوباره جریان یافته است» مدعی شده است که فشارهای دولت دونالد ترامپ موجب تضعیف موقعیت اقتصادی، منطقه‌ای و مالی جمهوری اسلامی ایران شده است.

تصویرسازی از فرسایش توان اقتصادی ایران تحت فشار تحریم‌ها

نویسنده باردروایت تهران درباره تبدیل افزایش قیمت نفت و کندی مذاکرات به نشانه ضعف آمریکا، ادعا کرده است که ایران وارد یک «جنگ سرد-گرم طولانی» شده که منابع مالی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران را تحت فشار قرار داده است. وی به کاهش ارزش ریال، افزایش تورم، رشد

قیمت مواد غذایی وافت صادرات نفت ایران اشاره کرده واین شاخص ها را نشانه تشدید مشکلات داخلی ایران دانسته است.

برجسته سازی فشار بر شبکه مالی و منطقه ای سپاه پاسداران

نیویورک پست در ادامه مدعی شده است که سیاست واشنگتن تنها متوجه صادرات نفت ایران نیست، بلکه شبکه های مالی، شرکت های واسطه، ناوگان های سایه و خریداران نفت تحریمی را نیز هدف قرار داده است. در این چارچوب، نقش چین در خرید نفت ایران برجسته شده و اقدامات آمریکا علیه برخی شرکت ها و شبکه های مالی مرتبط با تجارت نفت ایران به عنوان عامل محدود کننده منابع مالی تهران معرفی شده است.

ادعای کاهش اهرم منطقه ای ایران در برابر تغییرات خلیج فارس

نویسنده همچنین مدعی شده است که بازگشت جریان نفت از مسیرهای جایگزین مانند خط لوله شرق-غرب عربستان و افزایش ظرفیت تولید امارات، موجب کاهش اثرگذاری تهدیدهای ایران علیه امنیت انرژی منطقه شده است. در این روایت، تغییر مواضع عربستان و نزدیک تر شدن دوباره ریاض به واشنگتن، نشانه کاهش نفوذ چین و روسیه در تحولات منطقه معرفی شده است.

جمع بندی

یادداشت نیویورک پست، روایتی همسوبا دیدگاه حامیان سیاست فشار حداکثری ارائه می کند که بر اثرگذاری تحریم ها بر منابع مالی ایران و کاهش توان شبکه های منطقه ای تهران تمرکز دارد. این تحلیل، تحولات اقتصادی ایران و وضعیت بازار انرژی منطقه را عمدتاً از زاویه فشارهای آمریکا تفسیر کرده و نقش عوامل داخلی، سازوکارهای تطبیق اقتصادی ایران و ملاحظات ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه ای را کمتر مورد توجه قرار داده است. محور اصلی روایت، تبدیل فشار اقتصادی به ابزار محدود سازی قدرت منطقه ای ایران و نمایش آن به عنوان دستاورد راهبرد واشنگتن است.

جمع‌بندی نهایی

بررسی مجموعه روندهای خبری و رسانه‌ای نشان می‌دهد که فضای پیرامون ایران تحت تأثیر **چند خط خبری موازی و درهم‌تنیده** قرار دارد؛ خطوطی که از سیاست داخلی تا عرصه امنیتی، اقتصاد، منطقه و روابط بین‌الملل امتداد یافته‌اند. در حوزه **سیاست داخلی**، پرونده رسایی به بستری برای بازنمایی اختلافات درون جریان اصولگرا و مناقشه بر سر نسبت میان **قوه قضائیه**، **مجلس و فشارهای سیاسی** تبدیل شده است. هم‌زمان، روایت‌سازی پیرامون **تیم شش نفره** و جایگاه دولت در تصمیم‌گیری‌های کلان، نشان‌دهنده تلاش بخشی از جریان‌های سیاسی برای بازتعریف وزن نهادهای منتخب در ساختار تصمیم‌گیری است. در کنار این موضوع، بازگشت دوگانه **جنگ و توافق** به فضای رسانه‌ای اصلاح‌طلبان، بر محورهایی مانند **هزینه‌های جنگ**، **توافق مرحله‌ای و ضرورت دیپلماسی** متمرکز شده است.

در حوزه **امنیتی-نظامی**، پرونده فرفرورد اگرچه با تضعیف فرضیه اولیه درباره وجود مواد منفجره در خودروها همراه شده، اما همچنان در سطح رسانه‌ای به عنوان موضوعی مرتبط با احتمال **مداخله خارجی و پیامدهای فراآتلانتیکی جنگ ایران و آمریکا** دنبال می‌شود. هم‌زمان، تحلیل‌های منتشرشده درباره آسیب‌پذیری پایگاه‌های آمریکا و مصرف بالای سامانه‌های رهگیری، جنگ ایران را به عنوان تجربه‌ای برای بازنگری راهبرد نظامی آمریکا در برابر رقبایی مانند چین مطرح کرده‌اند. در همین چارچوب، برنامه‌هایی مانند **GCE ۲۰۴۰** نشان‌دهنده حرکت ارتش آمریکا به سمت نیروهای کوچک‌تر، پراکنده و ترومتکی بر **پهپاد، هوش مصنوعی و جنگ الکترونیک** است.

در حوزه **رسانه‌های معاند و ضدانقلاب**، محور اصلی تلاش‌ها بر تبدیل رخداد‌های محدود به نشانه‌های روندهای بزرگ‌تر متمرکز بوده است؛ از جمله بازنمایی تجمع دانشگاه علامه به عنوان آغاز دور جدید اعتراضات، پیوند مطالبات صنفی با مسائل سیاسی، طرح ادعا درباره سرکوب دانشجویان و ایجاد تردید نسبت به روایت‌های رسمی. در همین مسیر، پیام رهبر انقلاب نیز با تمرکز بر موضوعاتی مانند **قدرت ملی، وضعیت اقتصادی و آینده نظام سیاسی** مورد حمله رسانه‌ای و تفسیری قرار گرفته است.

در حوزه **اقتصادی و معیشتی**، مجموعه‌ای از پرونده‌ها شامل استعفای نیروهای متخصص، روایت‌های مرتبط با فساد نفتی، بحران اعتماد پیرامون میلی‌گلد، نقش تتر در سازوکارهای مالی تحریم، وضعیت کالا برگ و نوسانات بازار دارایی‌ها، نشان‌دهنده اهمیت روزافزون اقتصاد به عنوان یکی از محورهای اصلی منازعه رسانه‌ای است. در این میان، بازار ارز، طلا، بورس و رمزارزها نه تنها به عنوان شاخص‌های اقتصادی، بلکه به عنوان ابزارهایی برای تولید روایت درباره ثبات یا شکنندگی اقتصادی بازنمایی شده‌اند.

در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل نیز هم‌زمانی روایت‌های مربوط به مذاکرات ایران و آمریکا، مواضع ترامپ و روبیو، فشارهای رسانه‌ای اسرائیل، تحولات عراق و لبنان و موضوعات مرتبط با تحریم‌ها، نشان می‌دهد که آینده فضای خبری همچنان حول سه محور اصلی شکل خواهد گرفت: **چگونگی مسیر مذاکرات، تداوم فشارهای امنیتی و اقتصادی، و رقابت روایت‌ها درباره وضعیت داخلی و جایگاه منطقه‌ای ایران**. استمرار این روندها می‌تواند موجب شود هر تحول جدید، پیش از آنکه صرفاً یک رویداد سیاسی یا امنیتی باشد، به عرصه‌ای برای ادراک‌سازی، بازتعریف تهدید و تثبیت روایت‌های رقیب تبدیل شود.

مرکز رصد و پایش ق. رسانه